١

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على سيدنا محمد صلاة تنجينا بها من جميع الأهوال والآفات وتقضي لنا بها جميع الحاجات وتطهرنا بها من جميع السيئات وترفعنا بها عندك أعلى الدرجات وتبلغنا بها أقصى الغايات من جميع الخيرات في الحيوة وبعد الممات إنك مجيب

الدعوات برحمتك يا ارحم الراحمين

در امراض معده مثل ورم و هیضه و سوء مزاج و ضعف آن

و مراق و زرب و بولیموس و فواق و اسهال معدی و تهوع

و غثیان و غیره هو الشافی سفوف پودینه خشک پوست زرد اترج

آمله منقی دانه هیل سماق منقی انار دانه خشک پوست بیرون پسته

کشنیز خشک مصطگی رومی بادیان طباشیر سنبل و جن کوفته بیخته سفوف

سازند صفت بولیموس یعنی عدم ترغیب هر کسی شیء و تولید

ریاح در معده و ثقل معده و ضعف آن صفت گلقند آفتابی با فستق

سوده سرشته بخورند و عقب آن عرق بادیان عرق عنب الثعلب شربت

بزوری معتدل داخل کرده تخم کشوث پاشیده شیر گرم بنوشند

روز دوم غلظ قاروره شیره تخم خربوزه اضافه نموده شد ازین

نسخه بسیار تخفیف شد جوارش عود ترش جوارش جالینوس

باهم سرشته بخورند عقب آن افتیمون زیره سیاه مصطگی رومی با

مجرب

ادویه عمده عرقی نمکو فته بود دینه خنک در عرق بادیان عرق

عنب الثعلب بجوشانند نصف باند ... شربت انار ...

منعنع سکنجبین ساده داخل کرده می شدند ازین تنجبار اشتها هم معلوم

گردید در ریاح معدی هم دفع شد بوده باضافه گلقند آفتابی

داده شد حب ... عنبر ... تا ریل که در آن تا رجیل سفیدی ... سعد

بر آتش بسوزند بقدر یک ماشه نهایت دو ماشه بعسل خالص سرشته

بلیسند نهایت مجرب است برای فواق عمده خام سوخته بعسل خالص

سرشته با عرق بادیان بخورند ... بطرز حقنه

بکشند ... اول معجون ... بخورند عقب آن

بادیان گلقند آفتابی در عرق عنب الثعلب عرق بادیان جوشانیده

نمک طعام سوده پالیده داده شد ازین هر دو دست اجابت شد

روز دوم بادیان پوست بلیله کابلی مغز ... زنجبیل زرد برگ سنا

گل سرخ گلقند در عرق بادیان عرق عنب الثعلب جوش بنده نمک طعام

جهت تشنج
سهیر با ...
... در شربت
زنار شیرین ... حل ...
شما هل نمایند
مجرب است
هرگاه ... نباشد
در گلاب ...
در شربت نیز داخل
نمایند

سوده بالشبره با خاکه معجون خبار شنبر بخورند ۱۲ او فایده جلبلة پوست

هلیله کابلی که در آن مستعمل است برای حفاظت جنین و بردعش

بید الخبیر سقوط جنین است لهذا داخل کرده شد ۱۲ جهت خفیفه اون

موقوف آمد بعده خفقان موقوف کردیم صرف اون خارج میشد و آنچه که میخورد قی

میکرد و در دست می آمد و تهیج اطراف بود عرق عنب الثعلب عرق

بادیان شربت بزوری معتدل ممزوج نمنم با خاکه موی بنوشند

جهت فواق و جوش و سوزش کتفین اختلاج معده و قلب و قی بر صلابة معده

بعد از اول کمونی دواء المسک معتدل عود غرقی سوخته سوده شربت

بخورند بعقب آن عرق بودینه عرق بادیان شربت بزوری معتدل

داخل کرده بنوشند از این خفقان کم شد بعده دواء المسک معتدل

نوشند او ساده با عرق بادیان عرق عنب الثعلب عرق بودینه شربت

انار ترش منعنع وقت شام بنوشند صبح بادیان بیخ بادیان عنب الثعلب

مویز منقی بودینه خشک گلقند و عرق عنب الثعلب عرق بادیان

عرق بادیان جوشانده عناب مختص شربت بزوری معتدل
۱۲ تول ۲ دانه

داخل کرده سکنجبین عرق سونف کوفته با شیده نوشیدند جهت تحلیل نفخ

۴ سبع

جهت ورم معده و کبد و بواسیر بادی سپستان حب الآس بریان بادیان بریان عنب الثعلب
۱ ۲ ۲ ۱

دانه مویز بریان دانه خشخاش سفید بریان در عرق عنب الثعلب شیره کرده
۵ تول

شربت به شربت حب الآس داخل کرده نوشیدند جهت تقویت معده
۱ تول ۱۰ تول

گلقند آفتابی با جوارش عود شیرین سرشته بخورند عقب آن عرق بادیان عرق
۲ تول ۲ ۷ تول

عنب الثعلب شربت بزوری معتدل داخل کرده نوشیدند جهت مراق و ریاح
۲ تول ۹ تول

معده بادیان در عرق بادیان گلاب شیره برآورده جدوار مسحوق
۶ سبع ۴ تول ۴ تول ۲

فلفل سیاه سحق داخل کرده بمکرر نوشیدند جهت تسکین اراقه ضعف هاضمه

بعد بعد خوردن غذا انوشیدن جهت دفع شکم معده گل گاوزبان گل سیوتی در عرق بادیان
۵ عدد ۱۰ تول ۴ تول ۲ تول

گلاب تر کرده مالیده صاف کرده شربت انار شیرین شربت نیلوفر خشک
۳ ۲ تول ۵ تول

داخل کرده نوشیدند جهت سوزش معده و فزونی آن روز اول عرق عنب الثعلب
۱۰ تول

گلاب شربت انار شیرین شربت سیب نوشیدند روز دوم
۱۰ تول ۱۰ تول ۷ تول

شیره طباشیر اضافه کرده شد از بس بالکلیه زایل گردید برای اسهال

که بسبب سوء هضم عارض بود و حرارت و تشنگی کمال بود زهر مهره خطائی

مرجان سوده در عرق عنب الثعلب گلاب شیره برآورده میخورند کثرت مضغه

در ماه شوال و ذی قعده ۱۲۳۶ بحران کثرت هیضه که بمجرد استفراغ

کردن سقوط قوت و عرق سرد و برد اطراف عارض میگردید و

گاهی دستها شروع میشدند و در یکدست قوة زایل میگردید و

بعض کسان را بمجرد استفراغ جان از تن بیرون میشد وقت

برد اطراف و کثرت عرق تریاق فاروق در عرق بادیان حل کرده

داده شد و اندرون چنان حرارت بود که از عرق عنب الثعلب

و گلاب تسکین نمیشد و فاصل دربای مرجان سوده در عرق عنب الثعلب

گلاب سحق و فادزهر کانی و مرجان سوده و فادزهر حیوانی و تریاق وقت

سقوط نبض و عرق سرد حل کرده داده شد که از بس فایده هیچ

نمیشد شراب برانڈی بقدر دو تله و نیم با گلاب داده شد

کثرت هیضه

مجرب

داده شد و بادیان بو دینه خشک انیسون مویز سیاه جوشانده صاف

نموده باستعمال آورده شد ازین نسخه بسیار فایده بظهور آمده

برگ ... مویز سیاه در عرق عنب الثعلب شیره برآورده شیر گرم

نموده بنوشند و انیسون ... در دوا ... جوشانیده نصف بماند

صاف نموده گلاب همراه بنوشند و گاهی با اضافه مویز سیاه

در جوشانده و اصلاح اشتها ازین نسخها بسیار شد جوارش عود ترش

نوشند اول ساده باهم سرشته با عرق عنب الثعلب گلاب و گاهی

با شربت انار شیرین شربت زرشک و گاهی با طباشیر و زرشک

مسحوق [illegible] ازین نسخه تخفیف شد

جوارش عود ترش نوشند اول ساده ... خطائی سرشته

بخورند بعد آن طباشیر ... حب الآس بریان پوست سنگدانه

مرغ کشنیز خشک بریان سماق مقشر بریان شربت زرشک شربت

انار شیرین داخل کرده داده شد [illegible]

معدی طالیسفر افسنتین رومی عود خام مصطکی رومی ابره بسباسه

گلقند در عرق عنب الثعلب عرق بادیان گلاب بجوشانند

نصف باند صاف نموده نوش کنند جهت تشنج بواد اسهال صاف گردد سستمان آنکند

در تشنج کمال بمواد اول زهر مهره مربع کیاه در عرق عنب الثعلب

گلاب شیرین برآورده داده شد و بعد بهدانه در عرق عنب الثعلب

و گلاب لعاب برآورده شربت انار شیرین و افلاکی نوش کنند

ازین بالکل آرام شد معلوم شد که از سمیت مواد در معده کیفیت

سمی عارض گردیده بود این نسخه که دافع سمیت است اصلاح معده شد

جهت قرازینا معده برای گوشل انیسون طالیسفر زیره بسباسه

فلفل کباب عود خام صعتر فارسی پودینه خشک نبات سفید

در عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند نصف باند صاف

نموده نوش کنند جهت ضعف معده و قلب که بعد سوء هضم عارض گردیده بود

گلقند اگر افسنتین رومی عود خام جدوار مسحوق بادیان مصطکی

معدل دافع سمیت

ضعف معده و دل

مصطکی رومی سوده سرشته همراه عرق عنب الثعلب عرق بادیان

شربت بزوری معتدل دافلکرده تخم کشوث پاشیده بنوشند

ایضاً برای ضعف معده خولنجان فلفل سیاه مصطکی رومی

عود خام پودینه خشک سوده شربت انارین سکنجبین ساده سرشته

همراه عرق بادیان عرق عنب الثعلب فرو برند از بین تخفیف شد ۱۲

مجرب

جهت اسهال معدی من المعمولات الالهی کثیره مویز پوست در عرق

عنب الثعلب جوش نیده بنوشند ایضاً برای حقنه و ریاح مرچ سیاه

باریک سوده با گلقند سرشته با عرق عنب الثعلب گلاب فرو برند ۱۲

جهت ورم معده که با وی وجع مفاصل بود عرق عنب الثعلب

عرق کاسنی عرق بادیان شیره سورنجان شیرین شربت بزوری

معتدل دافلکرده تخم کشوث پاشیده باضافه گلقند آفتابی نیم گرم کرده بنوشند

جهت فرزند که ملازمتش که قبض دکاه اجابت است نوشدارو ساده

بخورند عقب آن هلیله مویز پوست بریان بادیان بریان شیری براورده

شربت انار شیرین دافلکرده بنوشند ایضاً لذلک چهار جو یعنی دوغ خالص

از شیر ماده گاو بنوشیدن نهایت نافع است ۱۲ سفوف جهت

اسهال ذرب مجرب المعمول القدیم بلیله بید موچرس کوکنار مائیس خورد

مائیس کلان مغز بیل نمک سیاه کوفته بیخته سفوف سازند

هر روز بقدر سه ماشه با آب تازه میخورده باشند قد جرب مرارا

فنفع نفعاً بیناً ۱۲ جهت کسر ریاح معدی گلقند آفتابی زیره سیاه

فلفل سیاه باریک سوده سرشته با عرق بادیان عرق عنب الثعلب

بنوشند جهت غور تنگی که دست می آید و جمع ساه هم بود عرق عنب الثعلب

عرق گاوزبان شربت انار شیرین شربت زرشک دافلکرده بخم ایلان

باشیدی با اضافه دواء المسک معتدل جوارش عود ترش ورق نقره

سرشته می کنند جهت تقویت معده و حرارت و بیقراری

و اضطراب در هوا و بائی بنوشد ادویه ساده جوارش عود ترش

طباشیر زرشک بیدانه باریک سوده سرشته بخورند عقب آن

اسهال بادی

عرق عنب الثعلب گلاب خالص تر کنند ایضاً صندل سفید صندل سرخ
عنب الثعلب بگلاب بسوده با رب ترکرده بر قلب و معده نهند ۱۲
برای اول وقت برد اطراف و عرق سرد زنجبیل بریان زیره سیاه بریان
فلفل سیاه بعرق عنب الثعلب سائیده داده شد ۱۲ برای دفع ضرر
سمیت برگ نوجر نیب فلفل سیاه بعرق عنب الثعلب سائیده
بدهند اگر وجع محسوس نباشد ۱۲ جهت کثرت دستها و غثیان
الاچی سفید جو داده یعنی بریان در گلاب سائیده بنوشند و اگر
وجع نباشد بهول نیب جوشانیده بدهند و گاهی با فلفل سیاه
داده میشود ۱۲ دیگر از کثرت صیال نیب دردوار آب بجوشانند نصف
بماند صاف نموده دو توله با گلاب افزوده داده میشود قدر بر ۱۲
جهت تقویت معده و تسکین حرارت معده و مزاج جوارش عود ترش
زهر مهره خطائی مسحوق طباشیر بیلوص سوده سرشته با عرق بادیان
عرق عنب الثعلب فرو برند ۱۲ جهت گرمی معده و تقویت معده

الا کمی بغیر فلفل سیاه پودینه خشک جوشانیده در گلاب بنوشند ۱۲

جهت فواق عود قماری سوخته زیره سیاه سعد سنبل خالص و کاه

بشربت انار شیرین سرشته با عرق عنب الثعلب فرو برند ۱۲ جهت

اختلاج معده که عورتی عارض گردیده و لیب آن تشنگی کمال و

سوزش دست و پا بود اول فصد باسلیق تجویز کرده شد لیکن

بفصد نرسید ازین نسخه تسکین شد که انحراف در کیفیت است

نه در کمیت اگر دیگر کمیت میشد ازین نسخه تسکین نمیشد گل بنفشه

کاسنی بکوب عنب الثعلب آلو بخارا عناب ولایتی در عرق عنب الثعلب

عرق گاوزبان گلاب ترکرده مالیده صاف نموده شربت بنفشه

شربت انار شیرین داخل کرده خاکشی بالنگو بنوشند وقت قبض

شدید ترنجبین اضافه کرده شد و شربت انار موقوف کرده شد

و ضماد عنب الثعلب ارد جو شیاف مامیثا کاسنی زرشک بیدانه

باریک سوده با برگ عنب الثعلب سبز سائیده روغن گل داخل کرده ضماد

غابند و کاه

یعنی هیچکی

اختلاج معده

در کیفیت است

...

نماید و گاه بی زردی گل استعمال کرده میشود ۱۲ معجون جهت معده مرطوب

الحبوبات مرتب شده بسیار نفع کند زیره کرمانی مدبر کشنیز خشک

زرشک بیدانه گل سرخ منقوع بگلاب انار دانه طباشیر مصطکی

عود خام صعتر فارسی پوست سنکدانه مرغ قاقله صغار قاقله کبار

آمله منقی بود بید خشک کوفته بیخته با شربت انار بهی نعنع شیر آمله

سکنجبین ساده قند سفید بقوام آورده فی بید زعفران انکشت عالی

بگلاب بسعود ورق نقره اضافه کرده کفچه زنند تا کم بکذارت شود

مرتب سازند ۱۲ برای چلدن معده مصطکی رومی بادرد گل علکه دو نبکار

بر معده طلا نماید و گاه انکشتین ادمی حدران داخل کرده میشود بعد

خوردن نفع و قرار معلوم میشود و خوب هضم اشتها نمیشود ۱۲

جهت قراقر معده که بادی در شکم دست اجابت مینشیند و تبلیه

ریاح بسیار مفید نوشادر ساده دوار المسک معتدل سرشته

بخورند عقب آن شیر زیره سیاه بریان درعرق عنب الثعلب

برآورده بنوشند از بس نقصان تمام بالکلیه تخفیف شد جهت سوء هضم

و بادی تقطیر بول بود معجون خیارشنبر بخورند بعقب آن بادیان قرطم مکوفته

گلقند تمرهندی در عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند نصف

بماند صاف نموده نمک طعام سوده با شیره بنوشند روز دوم قوت

تقطیر بول معجون و تمرهندی و نمک موقوف کرده در ریوند چینی شکر

سفید اضافه کرده شد جهت سقوط اشتها و ورم معده که بعد از سوء هضم

عارض گردید و نفس و ریاح بود اسهال هم بود اول روز معجون کمونی

با شیره صعتر فارسی شیره بادیان در عرق بادیان عرق عنب الثعلب

برآورده شیر گرم نوشانند روز دوم بادیان پنج با ... عنب الثعلب

مویز منقی جوشانیده شربت بزوری معتدل تخم کشوث

با شیره بنوشند ۱۲ و بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب تخم خطمی

تخم خبازی بدستور معلوم روغن گل ضماد بر معده نمایند تخفیف شد

تخم ایجان نصف بریان نصف خام بروغن بادام چرب ساخته

[illegible]

شربت به شیر بهی سرشته با شیره بادیان در عرق عنب الثعلب عرق بادیان
براورده می نوشند ۱۲ جهت مولوی [illegible] جبیله رحم کرد سوزاکم بسبب
اشوب چشم فصد سر رکیز نشد حالت بهایت متغیر شده
وقتی زنجاری شروع کرده اول نسخه معمولی افیون زیره سیاه
عود خام مصطکی رومی در دو انار آب چون [illegible] نصف باید صاف
نموده دو دو دام با دو دو دام گلاب بعده دو دو گهڑی می نوشند
بعد اتار ج [illegible] با گلقند سرشته شب با عرق بادیان عرق عنب الثعلب
شیر گرم خورده بخوابانید از بین درعوارض بسیار تخفیف شده ۱۲
ایضا جهت مولوی صاحب [illegible] استسقاء و ضعف نهایت بود
و نیز [illegible] وجع زحیر میماند و این حال از عرصه بود دواء المسک معتدل
ورق نقره سرشته بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان
شربت انار شیرین دو افلاکرده تخم ریحان بالنگو می نوشند وقت
شام و وقت صبح نسخه مقدم میخورند ۱۲ جهت خارش [illegible] و سوزش

آن تا بصدر رسد اول عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب گلاب شربت

انار شیرین شربت سیب وا فلاکرده بنوشند او زدوم شیر طباشیر

شیرین تخم کاهو اضافه کرده باشند تخفیف شده ۱۲ جهت فراز معده

که بادی دستهای آمیزد معجون مکونی با جوارش عود شیرین سرشته

بخورند عقب آن زیره سفید بریان کشنیز خشک دانه هیل بریان

در عرق کیوڑه عرق عنب الثعلب عرق بادیان شبگی برآورده ...

شربت انار شیرین رب بهی دا افلاکرده بنوشند ۱۲ جهت ضعف هضم

که باد دستهای [illegible] نوشند ارونس ده

مویز سرشته بخورند عقب آن زیره بادیان در عرق عنب الثعلب گلاب

برآورده شربت انار شیرین دا فلاکرده بنوشند ۱۲ جهت دفع انواد

و شورش [illegible] وقت هضم طعام گلقند بانسکدانه مرغ بادیان

مصطکی رومی [illegible] سرشته بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب

شربت انار بی منعنع دا فلاکرده بنوشند ۱۲ جهت اسهال

مجرب

معده‌ای نوشته‌اند رو دست داده مقصد علاج آدمی سه مثقال بشرشته نخود و مغز عقاب آن بادیان بریان حب الآس بریان خرفه مقشر بریان آرد خسته کنار شگری بابار آب شیرین برآورده شربت حب الآس وافلکا ده‌ تو شد جهت

عینی هیچ

فواق که لیب درم معده و نفخ کبد بود و سوء تنفس و قبض شکم بنابت حالت متغیر بجه روز اول طبخ بادیان علت الا...
سویز بیقی شربت بزوری شربت خشخاش داده شد و

ضماد

ضماد از بابونه اکلیل الملک تخم خطمی تخم خبازی کرده شد از این نسخه تخفیف شده صفحه شربت عناب رب السوس عرق

مجرب

گاوزبان عرق عنب الثعلب ممزوج کرده نوشند بروز دوم لعاب بهدانه لعاب اسبغول خطمی عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب شربت انار شیرین تسکین شدید و فواق و سوء تنفس بالکلیه زایل گردید جهت

جهت ... ضعف

بهبودت سفره قوت ... نفخ شکم داده باشد خاد... گاودیا فلفل سیاه در عرق بادیان کلدب ... شیر گرم صبح نوشند

ایضاً لذلک بیبیتانا رضیل فادزهر گاوی فادزهر بزی فلفل سیاه

۵ عدد ۱ ماشه ۱ ماشه ۱ ماشه ۱ ماشه

در عرق بادیان سوده بنوشند جهت تکمیل رفع معده وضعف اشتها

دقوت معده صفت بادیان پودینه خشک مصطکی رومی انار دانه ترش

۲ ماشه ۳ ماشه ۳ ماشه ۳ ماشه ۳ ماشه

سماق منقی سداب پوست زرد اترج نمک سیاه نمک طعام

۱ ماشه ۱ ماشه ۱ ماشه ۲ ماشه ۱ ماشه ۳ ماشه

نمک لاهوری پوست بلیله زرد برگ پان پخته پوست بلیله کابلی

۱ ماشه ۲ ماشه ۱۰ عدد ۲ ماشه ۱ ماشه

بلیله سیاه امله منقی زنجبیل زیره سیاه کرویا صعتر فارسی

۲ ماشه ۱ ماشه ۱ ماشه ۱ ماشه ۱ ماشه ۱ ماشه ۱ ماشه

تا رنگ کوفته سفوف ساخته نگاه دارند ۱۲ جهت ساده که فواق

شدید بسبب ورم مقعر کبد ومعده عارض شده بود ونفخ شکم

وسوء تنفس هم بود اول عود خام کوفته بعسل خالص سرشته

وبادیان وغیره ادویه مستعمله ورم داده شد ایچ تخفیف نشده

بعد ازان رب السوس الثوث شربت عناب در عرق عنب الثعلب

۲ تولہ ۳ تولہ ۱۵ تولہ

وانکرده داده شد ولعاب بهدانه لعاب ریشه خطمی در عرق کاوزبان

۳ ماشه ۳ ماشه ۷ تولہ

عرق عنب الثعلب براورده شربت انار شیرین شربت عناب

۱ تولہ ۱ تولہ ۲ تولہ

وافاقه داده کنند

هیچ مواد فی ایملی شدید

۱۰

جهت هیضه محتبسه

دو فلکه داده شد از بین هر دو نسخه بسیار تخفیف شد و از فضله تعالی
تمام مرض زایل گردیده جهت هیضه محتبسه معجون انجبار شیر
بخورند عقب آن بادیان بیخ بادیان عنب الثعلب مویز منقی الجزر
خوبانی بادرنجبویه قرطم نکوفته تخم کاسنی تخم حسک تخم خبازی
بسفایج فستقی نکوفته افتیمون بو دینه خشک الوبخارا گلقند
در عرق عنب الثعلب عرق بادیان گلاب بجوشانند نصف
بماند صاف نموده ترنجبین خیارشنبر فلوس باز صاف نموده بنوشند
با حفظ آداب مسهل به دستور تا دو پهر بجای آب عرق عنب الثعلب
بهنگام دو پهر آب نخودی با آب تازه شام شله بی روغن
بخورد اشتهای صادق فقط ۱۲ جهت تپ و غثیان کشنیز خشک
سماق منقی طباشیر مویز بیرون لسته زرشک بیدانه سعتر نبات
انار شیرین سکنجبین ساده سرشته بخورند عقب آن عرق بادیان
عرق بادرنجبویه بنوشند ۱۲ جهت ضعف معده که بعد ...

بشخصی عارض گردید و از آن بسبب ضعف قلب و سستی

و نقاهت هم بود مصطکی رومی عود خام فلفل سیاه بود دبه خشک

سوده بشربت انار شیرین سکنجبین ساده سرشته بخورند

عقب آن عرق بادیان عرق عنب الثعلب عرق بود دبه نوشند ۱۲

الصا بوقت شام بود باهد گلقند با افسنتین رومی عود خام مصطکی

جدوار جهای سعد سرشته بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب

عرق بادیان شربت بزوری معتدل داخل کرده تخم کشوث

بالشیبا نوشند ۱۲ جهت سوء هضم که به زنی ام کلثوم عارض گردیده

بود بادیان قرطم مکوفته [illegible] گلقند در عرق بادیان

عرق عنب الثعلب بجوشانند [illegible] سعد [illegible]

سعد با [illegible] نوشند ۱۲ [illegible] بسبب [illegible]

[illegible] صعتر فارسی در عرق بادیان عرق عنب الثعلب برآورده

شربت بزوری معتدل داخل کرده نوشند ۱۲ جهت [illegible]

درم ... و نبد ... و ضیق النفس و اسهال ... بادیان بریان

عنب الثعلب بریان مویز با دانه و عرق عنب الثعلب عرق بادیان

سا... [illegible] برادر ده شربت ... و افلاک ... با زنگ بریان

با [illegible] داده شد روز دوم [illegible] حب الآس بریان [illegible] با زنگ

شربت حب الآس تخم ... احا... [illegible] شد از ... تخفیف

جهت تنقیه معده برگ سنا مکی مویز منقی زوفا چینی بادیان

کوفته حبوب ... قدر شربت شش ... تا ... یک

لذلک سنا مکی مویز منقی نبات قدر شربت شش ...

جهت ... معده که ... [illegible] بلیله ...

[illegible] زهره ... مسحوق الشربت انار ... سرکشته

با عرق گاوزبان [illegible] جهت [illegible]

[illegible] مطلقا [illegible]

استعمال ... پوست زرد اترج فلفل گرد فلفل دراز

دارچینی قرنفل سنبل الطیب زنجبیل املج منقی کمون کرمانی بذر

مصطکی رومی صعتر فارسی پوست هلیله کابلی کبابه بسباسه

عود خام قاقله صغار قاقله کبار جوز بویا زرشک بیدانه منقوع

بگلاب پودینه خشک کوفته بیخته با سه برابر ادویه قند سفید و

عسل سفید بقوام آورده در عین قوام آب برگ پودینه سبز

آب لیموی کاغذی بگذارند تا بحد قوام آید ادویه سحوقه داخل کرده

مربی سازند قدری بجهت نفخ شکم و بعد غذا زیاده و گوزش

دست دهد و جریان که بعبور رقی عارض گردیده گلقند با مصطکی رومی

سوده سرشته بخورند بعقب آن عرق بادیان عرق عنب الثعلب

شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ایضاً لذلک طباشیر

کاهو کشنیز خشک در عرق عنب الثعلب شبی برآورده با شربت انار

داخل کرده بنوشند ۳ ایضاً لذلک هلیله بلیله املج منقی پیپل

مرچ سیاه اجوائن سونته برگ تنبول خشک کرده مصطکی رومی

کمون کرمانی

نفخ شکم و بعد غذا زیاده و گوزش دست دهد

تنبیه هضم

کنگر امرسار بادیان سبعا که بربان تیج بات عود خام زیره سیاه مدبر

افسنتین رومی دارچینی پوست زرد اترج اصل بید نمک سلیمانی

قرنفل پودینه خشک نمک طعام نمک سیاه نمک لاهوری خردل

چوک لیمون ادویه کوفته بیخته در آب لیمون کاغذی تر کرده خشک

نموده نگاهدارند از یں نسخها بسیار نفع بمن کردید ۱۲ ایضاً

تقویت معده و دفع رطوبات مرتب نموده شد پوست هلیله زرد

پوست هلیله کابلی پوست بلیله هلیله سیاه املج منقی زرشک بیدانه

مصطکی رومی عود خام زیره سیاه گل سرخ خولنجان پوست زرد اترج

اجوائن نمک سیاه نمک لاهوری نمک طعام زیره سفید کباب چینی نمک سلیمانی

فلفل سیاه فلفل دراز سفوف ساخته نگاهدارند ۱۲ برای تقویت

معده مجرب که علت فالج شود فلفل گرد فلفل دراز مصطکی رومی

قرنفل قاقله صغار قاقله کبار جوزبویه بسباسه زیره سیاه سنبل الطیب

دارچینی پوست زرد اترج زرنب درونج عقربی زرنباد عود غرقی

پوست هلیله کابلی جرلیش کوفته با سه برابر عسل بقوام اورده در عسل قوام
عنبر اشهب یکدانگ زعفران بعد مشک خالص زعفران بگلاب سوده
ورق طلا ورق نقره داخل کرده گنجه زنند که یکذات شود نگاهدارند
قدر شربت ۳ ماشه تا ۶ ماشه نقوع ۱۲ جهت ضعف معده و قراقر که باد دیا
دستها و آنچه در شب بقوت شود املج منقی سماق بریان زرشک بیدانه
دانه تمیل حب الآس بریان هلیله سیاه بروغن گاو بریان کرده پوست سنگدانه مرغ
ریوند رپوست زرد اترج تخم حماض بریان کشنیز خشک بریان زیره ورد
تخم خشخاش بریان طباشیر جوز بویا بسباسه سنبل کهربا قرنفل انار دانه بریان
جرلیش کوفته بیخته با قند سفید بقوام اورده ادویه مسحوقه را داخل کرده
مرتب سازند ۱۲ جهت تقویت معده و قلب که بیشتر بند طعام خورده
هضم نشود بشد مصطگی رومی عود خام پوست زرد اترج پوست بیرون پسته
گل سرخ فلفل گرد فلفل دراز خولنجان زرشک بیدانه منقوع بگلاب
پوست هلیله کابلی بروغن گاو بریان کرده زیره سیاه صبر بسباسه

تقویت معده و منع و ...
جوارش ...

یشب سبز مسحوق قرنفل دارچینی بودینه خشک افسنتین رومی

کوفته بیخته با قند سفید عسل سفید بقوام آورده مشک خالص

زعفران سوده داخل کرده ورق نقره ورق طلا داخل کرده کفچه زنند تا که

یکذات شود نگاه دارند مقدار ۲ درم همراه عرق جوارش مصطکی بخورند

عقب آن عرق بادیان عرق بودینه عرق عنب الثعلب شربت بزوری

داخل کرده بنوشند ۱۲ جهت تشنگی و حرارت و دفع اعضای شکم که بعد

سوء هضم عارض گردیده باشد بعد عنب الثعلب تخم کاسنی گلقند در عرق عنب الثعلب

بجوشانند نصف ماند مالیده صاف نموده بنوشند ۱۲ جهت تقویت

معده و نشف رطوبات و کسر ریاح بادی و تقویت قلب

مرتب نموده شد مصطکی رومی عود خام گل سرخ زیره کرمانی جوزبویه

بسباسه زرنب قاقله صغار قاقله کبار پوست هلیله کابلی دارچینی

قرنفل سنبل الطیب پوست زرد اترج یشب سبز پوست بیرون پسته

ابریشم مقرض خام زرشک بیدانه بگلاب تر کرده مالیده ... نبوغ

همه را داخل قوام کرده هلیله مربا بلیله مربا آمله مربا در ظرف کبود مهر ا

الطبخ ساخته با قند سفید عسل سفید بقوام آورده در عین قوام

عنبر اشهب بگدازند تا کالاخته شود بعد از آن مسحوقه داخل کرده مشک خالص

زعفران بگلاب سحق ورق طلا ورق نقره داخل کرده کفچه زنند تا که

یکذات شود مرتب سازند حفظ ۱۲ جهت سقوط اشتها که بعد سوء هضم

بسبب تخمیر رطوبات عارض شده مرچ سیاه نمک طعام در دو انار ترش

بجوشانند نصف بماند صاف نموده دو دو درم با گلاب داخل کرده بمقدار

دو دو تولچه تمام روز مینوشیده باشند مجرب است ۱۳ جهت ضعف

معده و قلب قرار معده مع دوا المسک معتدل بنوشند ارواده

مصطکی رومی سحق ورق نقره ورق طلا سرشته بخورند عقب آن

عرق بادیان عرق عنب الثعلب شربت انار شیرین داخل کرده بنوشند ۱۴

جهت ضعف معده و قلب عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کیوره

شربت انار شیرین داخل کرده با اضافه آمله مربا با آب شسته بورق

نقره

بورق نقره پیچیده بنوشند ۱۲ جهت ریاح معده و قبض هلیله مربا از آب
شسته با مصطکی رومی سوده سرشته بخورند عقب آن شیره صعتر فارسی
در عرق عنب الثعلب عرق بادیان برآورده شربت بزوری معتدل داخلکرده بنوشند ۱۲
ایضاً برای ریاح و ضعف اشتها نوشدارو ساده بخورند عقب آن
بادیان صعتر فارسی الایچی خورد در عرق عنب الثعلب عرق بادیان
شیره برآورده شربت بزوری معتدل داخلکرده بنوشند ۱۲ جهت
اختلاج معده و کبد یا بزرا بود یا در تپ شدید و خشکی زبان
و عطش مفرط و مزه دهان تلخ بپس و ورم حار معده میشد مگر زین نسخها
صحت کامل حاصل گردید تخم کاسنی شگوفته عنب الثعلب آلو بخارا
گل بنفشه عناب در عرق عنب الثعلب گلاب تر کرده مالیده صاف نموده
شربت بنفشه رب التوت داخلکرده خاکشی پاشیده بنوشند و روز
دوم وقت قبض ترنجبین تمر هندی اضافه کرده شد ۱۲ ضماد
لذلک کاسنی صندل سفید صندل سرخ عنب الثعلب گل بنفشه

ضماد

در آب برگ عنب الثعلب ... ضماد نماید خواه روغن گل داخل کرده

ضماد نماید روز دوم زرشک بیدانه ارد جو اضافه کرده شد ۱۲

جهت رطوبات معده فی القوام که اول ریاح ده ... شده

زنجبیل زایل گردیده تربد سفید مجوف بروغن بادام چرب ساخته

زنجبیل شکر سفید سفوف ساخته شب با آب گرم فرو برند صبح

عرق عنب الثعلب بدفعات بنوشند ۱۲ جهت تقویت معده و

کسر ریاح و ضعف معده که بعد مسهل عارض شده بود بادیان مصطکی

زیره سیاه عود خام در عرق بادیان گلاب بجوشانند نصف بمانند صاف

نموده با اضافه جوارش عود شیرین بنوشند ۱۲ جهت ... ضعف

معده و ریاح معده مجربات لک مغسول دواء المسک معتدل

بنوشند او ... ساده ... با آب تازه فرو برند ۱۲ جهت اسهال معده یا

صفراوی که با وجود حرارت و سوزش معده هم بود اول کباب بریان

بهدانه بریان بادیان بریان خرفه مقشر بریان با آب سنبل براورده

شربت انار شیرین داخل کرده می‌کنند ۱۱ روز دوم سماق بریان شربت
۱۰ تولہ
زرشک نوشند اروسا ده اضافه کرده شد بعد بوقت اظهار
۱۰ تولہ ۱۰ تولہ
وجع بر شکم معدی بهداره وضرفه موقوف کرده شد و راسهال لاحق
۳ م ۲ م
و عوارض لاحقه بسیار تخفیف شدی و اشتهاهم معلوم شد و ضعف
و نقاهت نیز کم شده ۱۲ جهت اسهال معدی یا درد علو
بعد رب به شیرین شربت انار شیرین شربت زرشک
۱۰ تولہ ۱۰ تولہ ۱۰ تولہ
رب التوت بولت بیرون پسته زهر مهره خطائی مسحوق
۱۰ تولہ
تخم حماض بریان ممزوج سرشته با عرق عنب الثعلب بدفعات
۹ تولہ م
میخورده باشند تخفیف شدی ۱۲ جهت دختر لاله جواهر مل
که بعد ولادت حمی عارض شده اول بیدان تدبیر آن کردند
هیچ تخفیف نشده بعده تهوع و غثیان و اسهال زرد و سیاه
وضعف و نقاهت از حد زیاده و اگر یک قطره آب میخورد
فی الفور قی میشد و طاقت کلام نمانده و تشنگی در سقوط

ارشاد کلام و از نقاهت و ضعف طاقت گرد ث

نمانده بعد اول بهدانه بریان زرشک بیدانه بریان طباشیر سبز گلو

بریان کشنیز خشک بریان سنبل براورده شربت زرشک شربت

انار شیرین منعنع دا افگنده بنوشید بدفعات قدری هضم شد و قدری

استفراغ شده روز دوم بنوشد ادویه ساده زمهره خطائی

مسحوق ورق طلا ورق نقره شربت زرشک سرشته بخورند

علقب آن بیدانه بریان پوست بیرون بسته طباشیر بریان

کشنیز خشک سماق بریان زرشک بیدانه بریان در آب سنبل

برآورده عرق کیوڑه شربت انار شیرین دا افگنده بنوشند سپهر

چار تخم بریان بیرب به شیرین سرشته بخورند این استفراغ شد

باز نوشدارو ساده ورق نقره ورق طلا رب به شیرین

سرشته با عرق علیت المعلل داده شد صبح نوشدارو ساده با

افتاده

شیرجات مذکوره نقصان جهت فواق شدید بسیار مفید افتاده

فواق یعنی ہچکی

که بالکل زایل شده عود غرقی سوخته سوده با عسل خالص سرشته
بخورند عقب آن بادیان صعتر فارسی برگ سداب پودینه خشک
گلقند در عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند نصف بماند
صاف نموده نوشند ۱۲ جهت تحلیل ریاح معده و دفع صفا
که بصاحب مراق عارض شده بود صعتر فارسی برگ سداب بادیان
زیره سیاه مقل ازرق حلتیت بریان نمک سلیمانی نمک سیاه با آب
سائیده حبوب بندند یکحب همراه عرق گاوزبان عرق گل گرپان
نهار میخورده باشند ۱۲ ایضاً لذلک شبرم بادیان شبرم زیره سیاه
نمک سلیمانی با آب سائیده شبرم بر آورده بر شربت انانیس
شربت زرشک دافلکرده با اضافه نوشادر و ساده نوشند ۱۲
ایضاً لذلک گل گرپان با شربت انانیس بسی شربت زرشک
دافلکرده با اضافه نوشادر و ساده با مصطگی رومی دانه هیل
سعو سرشته نوشند ۱۲ ایضاً لذلک نوشادر و ساده جوارش

عود ریشهٔ شیرین زیر مروارید مسحوق مصطکی طباشیر سنبل ... سرشته

بخورند بعقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بنوشند ۲ سفوف

جهت تحلیل ریاح معده و نفخ و ضعف آن بادیان

هلیله پوست مصطکی رومی عود خام پوست زرد اترج درونج عقرب

جوز لیمون صعتر فارسی برگ سداب زیرهٔ کرمانی سیاه پوست هلیلهٔ زرد

پوست هلیلهٔ کابلی هلیله سیاه پوست بلیله آمله منقی زرشک بیدانه

دارچینی توت ... مصطکی مقل ازرق محلول گل سرخ فلفل سیاه

دارفلفل نانخواه نمک طعام نمک لاهوری نمک سیاه نمک سلیمانی برگ تنبول

خشک کرده ادویه کوفته بیخته سفوف ساخته نگاه دارند و قبل

از طعام و بعد آن یک مثقال یا دو ماشه میخورده باشند ۲ جهت باد

در قوام معده و قبض شدید بادیان بیخ بادیان مقل ازرق برگ

سداب دارچینی گلقند در عرق عنب الثعلب عرق بادیان گلاب

بخورانند نصف بادام ... نارجیل دریایی مسحوق

...

جدوار خطائی مسحوق ۶ وسبع ۲ اقلکرده بکنند ۴ اجهة رطوبات معده باد ضعف

اشتها و [illegible] نواب احمد علی صاحب گلقند افتابی ۱۰ تولہ

افسنتین رومی مصطکی رومی ۳ سبع سعد سرشته ۴ سبع ہمراہ عرق بودینہ عرق

عنب الثعلب فرو برند ۳ تولہ دیگر [illegible] مویز منقی افسنتین رومی ۴ تولہ ۵ عدد ۱۰ ماشہ

تخم کشوث جرم بستہ گلقند افتابی در عرق بودینہ عرق عنب الثعلب ۴ سبع ۱ تولہ ۵ تولہ ۵ تولہ

عرق بادیان بجوشانند بصاف نمایند خاکشی تخم شربت بزوری معتدل ۲ تولہ ۵ تولہ

داخلکرده باضافه جوارش جالینوس نوشند ۱۲ اجهة [illegible] ریاح ۱۰ ماشہ

در رفع قبض و ضعف معده پوست ہلیلہ کابلی پوست بلیلہ آملہ منقی ۱ تولہ ۱ تولہ ۱ تولہ

ہلیلہ سیاہ برگ سنا مکی گل سرخ کشنیز خشک صعتر فارسی چوک لیمون

چینہ سماق منقی انار دانہ ترشی مصطگی رومی ہلیلہ خام ملکہ سیاہ

نمک طعام نمک لاہوری نمک سلیمانی کوفتہ بیختہ در آب لیمون کاغذی

تر کرده خشک سازند بعد طعام بقدر یک درم میخورده باشند

غالباً [illegible] و با صبح و شام بہبی قدر ۱۲ [illegible]

که از چند ضعف معده و قبض داشتند و قبض بعد اسیر نیز بود از این

بلغم زائل شده شربت بزوری مفتح سدد و منضج مواد بلغمیه

و سوداویه و مناسب با صحاب اسهال دوری جهت دوستی مقرر نموده شد

بادرنجبویه گل سرخ تخم کشوث صره بسته تخم خیار کاسنی نیلوفر

۱۰ درم ۳ درم ۲ درم ۳ درم ۵ درم

پوست بیخ کاسنی افسنتین رومی بادآورد گلقند شب در گلاب

۱۰ درم ۲ درم ۲ درم ۱۰ ال ۳ تاد

عرق بید انگلیک عرق کاسنی عرق کیوڑه تر کرده صبح بجوش آرند

۳ سار ۱ سیر ۱ دسیر

نصف بماند صاف نموده با سه برابر آن دو سیر قند سفید بقوام آورده

مرتب سازند و موافق حال مریض باستعمال در آرند مانع صعود

ابخره و مناسب با صحاب خفقان که بسبب صعود ابخره معدیه و کبدیه

بطرف قلب عارض شود برای نواب احمد علی خان دا بابای

دوری داشتند مرتب نموده شد جهت سقوط اشتها که بعد

هیضه عارض گردیده بود برای خیشا مجرب معتقد در عرق بادیان

عرق پودینه سائیده شربت بزوری معتدل دا افکنده با اضافه گلقند

۲ تولہ ۲ تولہ

با افسنتین

با افسنتین رومی سرشته بنوشند ۱۲ ایضاً لذلک مویز منقی افسنتین رومی
پوست بیخ کاسنی زرشک بیدانه تخم کشوث صره بسته گلقند در عرق عنب الثعلب
عرق بادیان بجوشانند نصف ماند صاف نموده ترنجبین مغز فلوس
حل کرده باز صاف نموده آب برگ کاسنی سبز مروق شربت بزوری
معتدل بعد بیخ بادیان شیرین داخل کرده ایوند چینی بلعوه بالشی بنوشند لاجل
اشتهای و درد پهلو التهاب معده ۱۲ ابرای اسهال و دوری التهاب معده البته
لذلک تخم کاسنی پوست بیخ کاسنی مویز منقی افسنتین رومی
برگ شاهتره گلقند در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق بادیان
گلاب جوش خفیف داده مالیده صاف نموده عرق گاوزبان شیر
تخم شاهتره شربت بزوری معتدل تخم کشوث بالشی بنوشند ۱۲
جهت حرارت و سوزش معده تخم خیار پوست تخم کاهو در عرق
عنب الثعلب عرق کیوره شبلی براورده شربت زرشک شربت
داخل کرده باضافه [illegible] مربا از گلاب شسته بورق نقره ورق طلا

سرشته تناول نمایند ۱۲ العلاج برای درد معده و سقوط اشتها و درد

ریحی فلفل سیاه نمک سنگ در نیم آثار آب بجوشانند نیم باو بماند

خالص شود عسل سفید و اخلا کرده نوشند ۱۲ الکذلک سنبل الطیب ضماد

مغز تخم کرنجوه فلفل سیاه زعفران با آب سائیده بر شکم گرم ضماد

نمایند بر صاحب برای سقوط اشتها ۱۲ معجون کثیر النفع جهت خفقان مراقی

و دیگر عوارض مراقیه برای تخلیه مرتب شوند شربت سیب شربت انار

قند سفید عسل سفید بقوام آورده در عین قوام عنبر اشهب بگذارند

تا گداخته شود بعده گل گاوزبان دانه هیل عود غرقی مصطکی رومی

گل سرخ گل گاوزبان صندل سفید کشنیز خشک جدوار زرنباد سیاه

کشمش ادویه کوفته بیخته و اخلا کرده مشک خالص زعفران بگلاب

سوده اضافه نمایند هر روز بقدر ماشه همراه گلاب عرق

تناول نمایند ۱۲ جهت تقویت معده و اشتها نوشادر ساده

جوارش ... سرشته بخورند بعده هیل پوست

معجون

بو داده کشنیز بریان خرفه بریان سنبره‌ها براورده نیم کوفته ۳ جهت خفقان

وضعف معده که با قبض بود بی شبهه مرتب مجرب شده ابریشم خام

مویز منقی شده در عرق کیوره تر کرده صبح بجوشانند تا نصف بماند

صاف نموده بعده املج مربا هلیله مربا در همان عرق مهرالطبع ساخته

شیره براورده با قند سفید عسل شربت انار شیرین شربت سیب مربای نارنج

بقوام اورده در همین قوام عنبر اشهب بگداخته زند تا گداخته شود بعده

بهمن سفید بهمن سرخ گل گاوزبان پوست زرد اترج گل سرخ

کشنیز خشک دانه هیل طباشیر دارچینی درونج عقربی عود غرقی

مصطکی خرفه سفته پوست هلیله کابلی کهربا شمعی مشک خالص

زعفران بگلاب سحق کرده داخل نموده مرتب سازند قدر شربت

تا ۵ ماشه صبح با عرق بهار ممالیه ۲ جهت تقویت معده و قلب بلا اختلاف

مرتب نموده شده بعض اسیرسم داشتند املج مربا هلیله مربا مربای نارنج

در عرق کیوره مهرالطبع ساخته شیره براورده شربت انار شیرین

قند سفید آب زرشک منقوع بعد بقوام آورده در عین قوام
۲ ل ۲ ل
آب برگ بود دیده سبز آب لیمو کاغذی داخل نمایند تا بحد قوام رسد
۵ تولد ۱۰ مثقال
هم بعد عود غرق مصطکی رومی قاقله صغار قاقله کبار پوست زرد اترنج
۱ ل ۲ ل ۲ ل ۲ ل ۲ ل ۱ ل
گشنیز خشک بادیان گل سرخ بسباسه کوفته بیخته مشک خالص
۱ ل ۲ ل ۲ ل ۱ ل ۱ ل ۲ دانگ
زعفران بگلاب سحق داخل نموده ورق نقره ورق طلا داخل کرده
۲ دانگ ۱۲ عدد ۶
مرتب سازند خوراک سه مثقال همراه عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان ۱۲ ل
۱۰ ۵ ۵ مثقال

جهت حرارت کبد گل نیلوفر زرشک بدانه خیار بادرنگ کاسنی
۹ ۶ ۴ ۴ تولد
در آب تر کرده صاف نموده شربت نیلوفر سکنجبین ساده
۲ تولد ۲ تولد
داخل کرده صاف کنند با شیاف نوش کنند ۱۲ استسقاء ورم معده

وجع طحال و وجع مفاصل بود بادیان بیخ بادیان عنب الثعلب
۹ ۴ ۴ ۴ ۴
موبر مقشر سنبل الطیب سورنجان شیرین مکو کوفته تخم کشوث
۶ ۶ ۱ ۶ دانه
در جوش کنند در عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند نیم باقی ماند
۲ تولد
صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده نوش کنند ۱۲

۱۲ جهت عود تنکیه استسقاء ورم معده و وجع طحال و وجع مفاصل بود

ورم معده

بعد از ورم معده تا آنکه بادی فراق بود بادیان بیخ بادیان

عنب الثعلب مویز منقی کاسنی تخم خشن بیخ کاسنی صعتر فارسی

برگ سداب پرسیاوشان بو دینه خشک اصل السوس قلقند آفتابی

تخم کشوث جره لبته در عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند نصف کاند

صاف نموده باضافه عود خام سوخته شربت بزوری معتدل سرشته

بنوشند علاج ضعف معده و طلب فرزند بهر تقویه...

...شربت اصل مربا هلیله مربا در عرق کیوڑه مع الطبیخ ساخته بنوشانند

برادر ده شربت انار شیرین قند سفید عسل سفید آب انار شیرین بقوام آورده

مصطکی جوز بویا لسان العصافیر قاقله صغار قاقله کبار گل سرخ دارچینی زنجبیل تازه

سنبل الطیب عود ورق زرنباد صعتر فارسی برگ سداب مصطکی رومی

قلفل کرد فلفل دراز زعفران مشک خالص ورق نقره بدستور مرتب سازند

بعد یکهفته بقدر ... تا ... با عرق گاوزبان عرق کیوڑه گلاب

سکنجبین ساده گاه شیر کاهو شیرین مغز تخم کدو شیرین بجوشانند ۱۲

جهت تقویت معده با رطوبات و برودت و تقویت قلب

آمله مربا هلیله مربا مربای زنجبیل مربای ترنج به عرق گاوزبان [illegible] خفته

با قند سفید شربت انار شیرین شربت [illegible] اعلی بقوام آورده بعد مصطکی ادویه

عود خام [illegible] پوست ترنج زرد [illegible] ثعلب مصری شقاقل مصری زرنب

خولنجان قاقله صغار قاقله کبار بهمن سفید بهمن سرخ ناردشک گل گاوزبان

قرنفل دارچینی زنجبیل جوزبویا بسباسه [illegible] عنبر کهربا [illegible]

درونج عقربی زرنباد [illegible] بهمن عنبر اشهب مشک خالص زعفران

ورق نقره ورق طلا [illegible] مرتب سازند قدر شربت

[illegible] حال خواب مریض ۱۲ جهت تسکین حرارت معده مربای سیب بخورند حرارت معده

عقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب سکنجبین ساده شربت نیلوفر

داخل نموده بنوشند ۱۲ [illegible] عنب الثعلب صندل سفید صندل سرخ ضماد

زرشک بیدانه آب برگ عنب الثعلب سبز [illegible] بر طحال و معده ضماد نمایند ۱۲

برای حرارت معده و اصلاح طحال تا معده و حرارت تا دماغ بسیار مفید است ۱۲

[illegible]

سفوف

سفوف جهت تقویت تحلیل رطوبات معده و هاضم و مشتهی

پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه املهٔ منقی پوست بلیله

پودینه خشک قاقله کبار قاقله صغار پیپل مرچ سیاه هر پنج نمک چوک لیمون

مصطکی رومی عود غرقی زنجبیل اجوائن برگ تنبول خشک کرده خولنجان

نمک سلیمانی کوفته بیخته در آب لیمو کاغذی تر کرده در سایه خشک سازند

دنگاهدارند قبل طعام و بعد طعام بخورند جهت ورم معده کار کند یادیا

در ورم معده کار کند

حرارت معده باشد و تشنگی نیز اول عرق بادیان عرق عنب الثعلب

عرق کاسنی شربت بزوری معتدل داخل کرده تخم کشوث سائیده با گلقند

گلقند آفتابی بنوشند روز دوم عنب الثعلب تخم کاسنی نیلوفر ریزه برابر

در عرق عنب الثعلب عرق بادیان بجوشانند نیم صاف سازند صبح

ضماد

شربت بزوری معتدل تخم کشوث پاشیده داده شود ضماد اکلیل الملک

عنب الثعلب بابونه حب خبازی بآب برگ عنب الثعلب سبز سائیده روغن گل

اضافه نموده نیم گرم ضماد نماید و بالای آن بر بند برگ عنب الثعلب سبز

بر وجعی کل چرب ساخته مرتب بمقعد به بندند در عرض قلیل زایل گردید ۱۲

جهت تسکین تقطیر بخره حاره بقدر معده بطرف دماغ که از امتلا نباشد اسبغول شکر سفید با هم آمیخته بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب عرق گاو زبان سکنجبین ساده داخل کرده بخورند

جهت قراقر معده و ریاح بواسیر افسنتین رومی سفایج فستقی کوفته فلفل سیاه در عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند نصف باقی بماند صاف نموده عسل خالص داخل نموده باضافه جوارش جالینوس بخورند

جهت رطوبت معده و ضعف آن گلقند افتاب بادیان افسنتین فلفل سیاه نیم کوفته در نیم آثار عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند نصف بماند صاف نموده بنوشند ۱۲ جهت سقوط اشتها که بسبب سوء هضم عارض گردیده جوارش جالینوس بخورند عقب آن خولنجان نیم کوفته فلفل گرد فلفل دراز مصطگی رومی عود قرنفل نیم کوفته انیسون بادیان گلقند افتابی در عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند

بواسیری

جوارش جالینوس ... مصطگی ... سنبل قاقله ... دارچینی ... خولنجان قرنفل سعد ... زنجبیل فلفل سیاه ... دار فلفل ... عود ... تخم ... زعفران ...

سقوط اشتهای طعام

نصف ماند ... بخورند ۱۲ حب سقوط اشتهای طعام فلفل سیاه

نبات سفوف ساخته هر صبح و شام با آب تازه فرو برند ۱۲

ضماد ورم طحال و معده و کبد بابونه اکلیل الملک تخم ترب تخم شبت

خطمی خبازی کتان نصف دوا با آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده

روغن گل داخل کرده بر معده و کبد ضماد نمایند و نصف دوا در سرکه خالص

استسقا حبوب

بخته سائیده بر طحال ضماد سازند ۱۲ حبوب جهت استسقا

جبال سرس زنجبیل فلفل سیاه کوفته بیخته حبوب بقدر ماش بندند

یک حب صبح یک حب شام با عرقهای مناسب و اکثر به مناسبه بدهند ۱۲

نوع دیگر ضماد المذکور عنب الثعلب اکلیل الملک تخم خطمی تخم خبازی

بابونه زعفران باریک کوفته بیخته با آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده

نیمگرم ضماد نمایند ۱۲ دوا در امر استسقا نسخه جبال سرس زنجبیل فلفل سیاه

کوفته بیخته حبوب بندند وقت صبح با عرق بادیان بخورند ۱۲

جهت اسهال کبدی که شخص عارض شود و از جوانب تخفیف نمیشد

ازین نسخه بالکل زایل گردید صفت پوست سنگدانه مرغ سوخته

بشربت انار شیرین سرشته با عرق عنب الثعلب فرو برند [illegible]

دیرقان که بعوارض بعد سوء هضم عارض گردیده اول نسخه با دیان بیخ بادیان

عنب الثعلب مویز منقی بیخ بادیان اذخر جوشانده بنات شربت بزوری

معتدل آب برگ ترب سبز آب برگ عنب الثعلب سبز داخل کرده داده شد

ازین تخفیف شد باز یرقان و تشنگی و اضطراب عارض گردید عرق کاسنی

عرق عنب الثعلب سبز بادیان سبز عنب الثعلب سبز کاسنی شربت

بزوری معتدل داخل کرده داده شد ازین رفع تشنگی و اضطراب

گردید مگر یرقان که بدین بعض ماند روز سوم آب برگ ترب آب

برگ عنب الثعلب سبز مردق اضافه کرده شد [illegible]

که بسبب خوردن گشته حرارت [illegible] دماغ بود و بعض اوقات

شکم هم نفخ میکرد عنب الثعلب پوست بیخ بادیان بزر کاسنی بیدانه

مویز منقی گل سرخ افسنتین رومی تخم خربزه مغز بکوفته تخم خیارین

ورم معده دیرقان [illegible]

بلیله بیخ کاسنی تخم کاسنی نیم کوفته گلقند افتابی تخم کشوث مربه

در عرق شاهتره عرق عنب الثعلب عرق کاسنی گلاب شب تر کرده

صبح بجوشانند نصف باقی ماند صاف نموده با قند سفید سه برابر ادویه بقوام

آورده مربا سازند مجموع نسخه دو وزن یک نسخه ریوند چینی دو وزن یک

وزن ریوند چینی تمر هندی گلاب سفید داخل قوام سازند و در نسخه

سکنجبین فارخشک سرکه انگوری ریوند اضافه کرده اند بوده فصد

اسلیم جانب قلب کرده اند جهت یرقان که بعد سوء هضم عارض

گردیده دانشگیله قبض و سعال هم بود سکنجبین ساده با گلقند افتابی

سرشته بخورند عقب آن شیر اصل السوس شیرین بادیان شیر بادیان

در عرق عنب الثعلب برآورده شربت بزوری معتدل آب برگ ترب سبز

مروق داخل کرده فاکسته بالنگو نوشند جهت نفخ طحال بلکه نفخ

جمیع شکم بادیان انیسون قرطم برآورده جوب گز گلقند افتابی

در عرق عنب الثعلب عرق بادیان بجوشانند نصف باقی ماند صاف نموده

شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند جهت وجع طحال و ورم کرد باد وجع طحال

حمی بلغم گلقند آفتابی ریوند چینی پوست بیخ کبر سوده سرشته بخورند

عقب آن عرق بادیان عرق عنب الثعلب شربت بزوری معتدل

داخل کرده بنوشند [illegible] با [illegible] بنوشند ۱۲ سفوف جهت

تحلیل ریاح و رفع تنفس و [illegible] داروی استسقا زیره سفید سفوف

[illegible] نمک سیاه کوفته بیخته سفوف ساخته وقت

صبح بقدر [illegible] تازه فرو برند و وقت غلبه ریاح [illegible] فرنگ

اضافه کرده کنند ۱۲ جهت استسقای زقی بیخ بسکبیره فلفل سیاه [illegible] استسقای زقی

اب بجوشانند [illegible] صاف نموده شهد خالص داخل کرده بنوشند

جهت [illegible] چپال [illegible] زنجبیل سوده حبوب ساخته [illegible] ریزند و

یک حب هر روز میداده باشند ۱۲ ایضا بیخ انجبار زرد بادیان پوست وجع طحال مجرب

بیخ کبر [illegible] عرق بادیان بجوشانند نصف بماند صاف نموده

سکنجبین ساده بزوری داخل کرده بنوشند ۱۲ جهت ورم طحال

در علاج کسی که تا به مثانه میرسید و بعد خوردن غذا عارض میشود عناب

انجیر زرد مویز منقی تخم خرپزه تخم خیار بادرنگ [illegible] با آب

بجوشانند نصف بماند صاف نموده شربت بزوری معتدل سکنجبین

بزوری داخل کرده بنوشند ۱۲ ضماد [illegible] تخم [illegible] تخم شبت سبوس گندم

ضماد

انجیر زرد و سرکه خالص بجوشانند [illegible] ضماد نمایند ۱۲ نسخه عرق شیر

عرق شیر

برای رفع حرارت جگر و تپ دق و التهاب [illegible] درد چشم سر [illegible]

[illegible] گل بید جراده قرع تخم کاسنی

کشنیز خشک تخم خیارین و لاچی تخم کدو شیرین خرفه مقشر تخم کاهو

مغز تخم تربوز رطب شیر براده صندل سفید براده صندل سرخ گل نیلوفر

گل گاوزبان مغز تخم [illegible] مجدد به بگذارند [illegible] روز در عرق بید ساده و [illegible] گاوزبان

عرق نیلوفر آب لیموی شیرین آب [illegible] مجدد به شیر بز تر کرده وقت

جوشش شیر بز داخل کرده نصف عرق کشند ۱۲ از بین نسخه بسیار تخفیف

و تسکین حاصل شد ۱۲ [illegible]

استسقا عارض گردیده اول بادیان بیخ بادیان عنب الثعلب مویز منقی

در عرق عنب الثعلب عرق بادیان جوشانیده شربت بزوری معتدل

داخل کرده تخم کشوث با شیره نوشند عنب در این نسخه کاسنی بیخ کاسنی

برگ عنب الثعلب اضافه کرده شد از این نسخه [illegible] بعد آن

شیره تخم آب برگ عنب الثعلب سبز فرو ق شربت بزوری معتدل

تخم کشوث با شیره وقت صبح سپستان جدوار خطائی فلفل دراز

در عرق عنب الثعلب سائیده با شیر گرم نوشند ۱۰ هفته استعمال کرده

دوا المسک معتدل جوارش عود شیرین گل دهی و الشب سبز طباشیر

سعوط سرشته بخور رند بعقب آن شربت حب الآس برباک شربت سیاه

در عرق عنب الثعلب برادرده شربت حب الآس شربت انار شیرین

داخل کرده نوشند ۱۲ هفته بطلان مییزه گنبد به بادی جمعه اول

شاهتره مویز منقی تخم کاسنی در عرق عنب الثعلب عرق بادیان

جوشانیده شربت بزوری معتدل داخل کرده خاکشی با شیره

باضافه

با ضمایه دواء المسک معتدل مقوی ابریشم خالص ورق نقره بجیله

داده شد و از بین تخفیف شد بعده دواء المسک معتدل بورق نقره

بجمیع بالشربت انار شیرین شربت نیلوفر عرق عنب الثعلب عرق

نیلوفر داده شد از بین بسیار تخفیف شد قارورة که دران اجزای

دموی محسوس میشد بعد مثل اترجی اللون شده بود ۱۲ اسهال ورم — ورم معده و کبد و مسهل

کبد و معده که از حمیات بعد و فقدان سعال و تشنگی عرق کاسنی عرق عنب الثعلب

شبنم اصل السوس شربت بنفشه شربت انار شیرین داکلکه و ناشنیه

بالنبات بنوشند ۱۲ ضماد دلدلک کاسنی عنب الثعلب خطمی خبازی گل سرخ — ضماد

زرشک بیدانه باب عنب البری عنب الثعلب سائیده روغن گل و اقلکه

بر کبد و معده ضماد نمایند ۱۲ اسهال [illegible] محمد [illegible] حرارت — حرارت معده / حرارت دم

کبد و حرارت دم شیر ماء الکادی طلاب رب التوت شربت عناب

ممزوج کرده بزر البنج سوده بالنیم بنوشند ۱۲ ف بزر البنج

بارد یابس است و اینجا برای تسکین حرارت دم نوشته شد و

دران قوت احداث خناق سیت بعد از رب التوت و

شربت عناب دافلاکرده شد و شیر برای اینکه مصلح است ۱۲

ایضاً للذکک برای ثواب مسطور مغز تخم کدو خرفه مقشر البته

صندل سفید صندل سرخ کاهو مغز تخم خیارین زهر مهره جرکی

مغز بهیدانه گرد اسبغول بزر البنج کافور کشنیز خشک کوفته بیخته

بلعاب اسبغول اقراص سازند ۱۲ ضماد صندل سفید صندل سرخ ضماد

عنب الثعلب کاسنی زرشک بیدانه بآب برگ عنب الثعلب سبز سائیده

بر کبد ضماد نمایند ۱۲ ایضاً للذکک بزر البنج سفید سوده بشراب انار سرشته

بخورند عقب آن شیرۀ کاسنی در عرق عنب الثعلب برآورده شربت

نیلوفر دافلاکرده بنوشند از تپ بیراث تشنگی مفرط میشد

هندا بزر البنج نوشنده شد ۱۲ اهمت صاحبزاده شاه احسن گردیده

کرادل کشته چند دفعه شد و بسبب آن چند روز رفتن باز اطبا بنشد

و ضعف و ناتوانی از حد بعید دواء المسک معتدل ورق طلا سرشته

[illegible]

بخورند بعقب آن عرق عنب الثعلب شیر خشت زرشک بریان شربت انار شیرین
دو اخلاکرده بار تخم بریان با شیرۀ تخم خیارین بنوشند آب انار شیرین آب انار ترش
شیرۀ زرشک بریان شیرۀ تخم بسلوجن زهر مهرۀ خطائی شربت انار شیرین
شربت انار ترش دو اخلاکرده با خاکه دوا المسک معتدل کهربا شمعی گل ارمنی
مرجان سوده سرشته بخورند بعقب آن عرق عنب الثعلب طلاتاب نقره تاب
گلاب طلاتاب نقره تاب بنوشند بیگری زیره سفید بریان کشنیز خشک
بریان زرشک بریان پوست سنگدانه مرغ باریک سوده شربت انار شیرین
سرشته با خاکه رسوت سوده با شیرۀ تخم بنوشند ۱۲ ازین قرار موقوف شد

شراب الصالحین

دو دستها هم بند شد ۱۳ شراب الصالحین جهت تسکین حرارت
کبد و معده و در اقضا مانع قلیل است گل گاوزبان از سبزی پاک کرده بر آده
صندل سفید بگلاب و عرق کیوره آب لیموی کاغذی با لیمای کشمش قند سفید
دو شبانه روز در آفتاب بدارند روز سیوم صاف نموده باز همانقدر ادویه
مسطوره مع گل گاوزبان دو اخلاکرده دو شبانه روز در آفتاب و شبنم داشته

بازجالبیان ماش مغز بهانقدر رادو بیسطوره معه گل داخلکرده در آفتاب

دارند و بعد ماش مغز نگاهدارند وقت صبح بقدرهفت تولہ

بانبات و شربت انار شیرین سرشته بنوشند ۱۲ نسخه معجون مفرح برای

همین شربت انار شیرین شربت سیب شیرین املی قند سفید بلیله مربا

املہ مربا در عرق کیوڑہ مہرالطیب ساخته شیرہا برآورده بقوام آورده بعد

خرفہ مقشر مغز تخم کدو شیرین گل گاوزبان گل سرخ کشنیز خشک صندل سفید

کوفته بیخته داخلکرده ورق نقره داخلکرده کفچه زنند که یکذات شود ۱۲

جهت زرب که علت ضعف گاه جانب چپ گاه جانب راست قبض است نوشادر

بخورند بعقب آن پهل میوه پوست بربان شربت انار شیرین یا دانه انار بریان

شیره برآورده داخلکرده بنوشند تخفیف شد برای زرب چهار چه

بنفسه مٹها خالص از شیر گاو نهایت مفید است اکثر کسان را فائده

حاصل شد ۱۲ جهت تسکین حرارت کبد و صعود ابخره از معده بعد

کشنیز خشک تخم کاهو در عرق بید ساده عرق کیوڑہ عرق نیلوفر

۱۲۵

بر آورده

شام معجون بکموینه باب ابلن شیلی براورده با شربت بزوری معتدل

داخل کرده ناهار بکنند ضماد بر طحال از لبوب گندم تخم شبت تخم تربت

انجیر زرد در سرکه خالص بجوشانند و عسل داخل نموده ضماد کرده ناهار دوا باز ایارج

بعسل خالص سرشته شب وقت خواب با آب گرم صبح بادیان گلقند اماله

جوشانیده داده شد ضماد ریسمانی عبید زرشک بیدانه در عرق بادرنگ

عرق عنب الثعلب تر کرده مالیده ضماد نموده شیخ بیخ الجبار قنب

شب کلنار رفاعت شیر شنکرا از مرغ شربت انار شیرین داخل کرده

گل ارمنی کهربا شمع داخل کرده بار زرشک بریان با شیر بیو کنند

سکنجبین بزوری پیرامن ضماد ورم طحال بر ترتیب نمودن عنب الثعلب

موبرشق بر سیاوشان زراوند طویل زراوند مدحرج انجیر زرد تخم خیار

نمکوفته تخم خربوزه نکوفته بادیان بیخ بادیان تخم تربت تخم کتان

تخم کشوث مغز قسطین بومادران ریشه تو عرق بادیان عرق مکو

عرق عنب الثعلب تر کرده صبح بجوشانند نصف بماند صاف نموده

ضماد طحال
بعد از محروب داروها کوفته بیختن در سرکه خالص
ساییده اواره نیم گرم ضماد سازند
اسهال گشید

ضماد طحال بجز آب
دو روز ساییده ضماد
بر سا زند

سکنجبین

ضماد بر طحال
نانخواه زرد
نقل ارزن
وزن برابر

جبر طحال

خانه طحال نمو

ضماد
بیخ خنظل
ضماد طحال زنو

با قند سفید بقوام آورده در علیس قوام سرکه جا الف و داخل نمایند تا بحد قوام

رسد نگاه دارند ۱۲ جهت استسهال کبدی آب دوغ آهن تاب

سنگدانه مرغ طباشیر سوده داخل کرده شربت زرشک شربت انار شیرین

آب انار شیرین داخل کرده تناول نمایند از همین دو نسخه تخفیف شده ۱۲

جهت استسهال صعب که از استعمال زرشک و شربت انار و سیب و گلنار

و حضض مکی شده هیچ تخفیف نشده از این نسخه تخفیف شد

سنگدانه مرغ سوده با شربت انار شیرین آب به مرشد تا عرق

عنب الثعلب عرق گاوزبان و گاه گلاب آهن تاب یا نقره تاب بنوشند ۱۲

جهت حرارت کبد و جگر بسبب آنکه بادیان قبض شود زرشک بیدانه

گل بنفشه در عرق عنب الثعلب بجوشانند نصف بماند شربت بنفشه

شیر خیار زین ولایتی داخل کرده بنوشند ۱۲ جهت استسهال کبدی ۳

ریشه خطمی در عرق عنب الثعلب لعاب بر آورده شربت انار شیرین

داخل کرده تخم ریحان با رتنگ بود داده باشیر خیار بنوشند روز دوم

شیرهٔ بارتنگ با اضافه حضض ملی صحیح وکبر[?] شمع سوم[?] با شیاف
بارتنگ با شیاف موقوف کرده شد ۱۲ جهت استسقاء ... نقف الدم ... نقف الدم ... در استسقا
نقف الدم بعد عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کاسنی شیره تخم الخیار
شیره عنب الثعلب شربت الخیار داخل کرده بنوشند ۱۲ جهت ورم کبد
بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب خطمی خبازی گل بنفشه بابرگ
عنب الثعلب سبز ساییده روغن گل داخل کرده ضماد نمایند ۱۲ جهت صلابت
کبد بعد ریوند چینی سوده با گلقند افتابی سرشته بخورند
عقب آن آب برگ عنب الثعلب سبز مروق آب برگ کاسنی سبز مروق
عرق بادیان شیره تخم خربزه شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ۱۲
جهت صلابت کبد و صفا[?] که از وجع و باد ... نفث الدم[?] ... شده ۴
ریوند چینی لک مغسول سوده با گلقند افتابی سرشته بخورند عقب آن
اصل السوس زوفا خشک برسیاوشان بادآورد بادیان بیخ الخبازی
مویز منقی عنب الثعلب در عرق عنب الثعلب بجوشانند صاف نمایند

ضماد

صاف نموده شربت بزوری معتدل و اخلاط ده یوم نوشند و گاه بارتنگ

تخم ریحان ازمیه هندی دانه و برای وجع کبد ریوند و گلقند آفتابی

و لک مغسول سه عوارض لاحقه نهایت مفید است و اکثر بتجربه رسید

جهت یرقان بتجربه رسیده زرشک بیدانه تخم کاسنی تخم خیارین نیلوفر — یرقان

تر کرده مالیده صاف نموده شربت نیلوفر سکنجبین بزوری بار ده

خاکشی با شیدا نوشیدند سه اسبب یرقان دم شدید که نهایت حال

متغیر بود قلق و اضطراب زیاده اول تمر هندی کاسنی گل نیلوفر

گلقند آفتابی تر کرده مالیده صاف نموده سکنجبین ساده و اخلاط ده

داده شد بسبب اشتداد و اضطراب حمی صحیح شربت — حمی

دردمکرر تمر هندی ترنجبین در عرق کاسنی تر کرده مالیده صاف نموده

داده شد سبب الو بخارا تمر هندی بنفشه نیلوفر تخم کاسنی نموده

در عرق بنات النعش عرق گاوزبان عرق گل کاسنی تر کرده مالیده صاف نموده

شربت بنفشه و اخلاط ده نیوشند از این یکدست بفراغت

ابن

نسخه دادنی عناب بیخ الجبار نیم کوفته گاوزبان بارتنگ مویز منقی
در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب بجوش نیم نصف باند صاف نموده
شربت انار شیرین شربت نیلوفر لعاب بهدانه داخل کرده بخورانند شیره
گل ارمنی سوده با اسپغول بنوشند ۱۲ احمد ضماد عنب الثعلب تخم کاسنی
خبازی حب الاکلیل الملک صندل سفید صندل سرخ با آب برگ
عنب الثعلب سبز سائیده روغن گل داخل کرده ضماد نمایند در عوارض
بسیار تخفیف شد ۱۲ احمد یرقان شد که با دست و قبض
الو بخارا در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب تر کرده مالیده صاف نموده
آب برگ کاسنی سبز مروق آب برگ عنب الثعلب سبز مروق شیره
بادیان شیره اصل السوس مغز شربت بزوری معتدل داخل کرده شیره
با تخم خرفه خراسانی داخل کرده بنوشند ۱۲ احمد ورم
زرشک بیدانه تخم کاسنی نیم کوفته عنب الثعلب در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی
جوشانیده صاف کرده شربت انار شیرین شربت بزوری معتدل

سپس ضماد ریبج است که عنب الثعلب سبز مروق و افکنده بنوشند ۱۲ اخمر از

عنب الثعلب تخم کاسنی زرشک بیدانه گل سرخ صندل سرخ آرد جو

کرده شد ۱۲ ضماد جهت ورم جگر و درد آن بکار رود

صندل سفید صندل سرخ کاکنج زرشک بیدانه بجلاب سایند

بر کبد ضماد نمایند و گاه آرد جو گل سرخ اضافه کرده شد ۱۲ معالجه

اصغر علاوه آنکه اول سوء مزاج حار کبد و بعده بعلاج آن استعمال

خیار بسبز و دیگر ادویه سماجت و تحلیل ریاح بهم رسانیدن بکمال اینکه ادرار

مفید باصحاب استسقا است لهذا مدرات استعمال میشود ازین

~~در ورم استسقا است لهذا مدرات استعمال میشود نسخه~~ ورم استسقا

زیاده شد ازین نسخها بالکل ازاله مرض باد یان بیخ بادیان عنب الثعلب

مویز منقی تخم کشوث شحم حنظل صعتر فارسی کلقند آفتابی در عرق

بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند سیوم حصه بماند صاف نمایند

شربت بزوری معتدل و افکنده بنوشند ۱۲ عرق عنب الثعلب

قادیان

عرق بادیان عرق کاسنی شربت بزوری معتدل داخل کرده باضافه گلقند آفتابی
با افسنتین رومی سنبل شسته تخم کشوث با شیره شیر گرم نیز کشند وقت
سپهر رجحان ضماد عنب الثعلب اکلیل الملک افسنتین رومی بابونه برگ
عنب الثعلب سبز ساییده نیم گرم ضماد نمایند بسبب معتمور طبیعت
بر قلت ادرار انتفاخ کرده نسخه شربت بزوری لند انکه بادیان
بیخ بادیان عنب الثعلب مویز منقی اذخر بیخ اذخر افسنتین رومی
تخم خربزه تخم کشوث صره بسته صعتر فارسی گلقند آفتابی شب
در عرق بادیان عرق عنب الثعلب تر کرده صبح بجوشانند نصف بماند
صاف نموده قند سفید بقوام آورده مرتب سازند بفضل تعالی در عشره
شفای کلی یافت جهت شخصیکه جانب کبد ما ثر
وجع عارض شده و حمی از سردی می آید و تشنگی کمال بود و جانب
کبد برانی در وجع تا بسلیها و قدری سعال بود و جانب کبد حرارت
آمد مسهل عنب الثعلب مویز منقی بیخ بادیان افسنتین رومی
۴ مهم ۵ دانه ۲ مر ۴ سبع

گلقند افتابی در عرق بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند تا نصف بماند
صاف نموده شربت انار شیرین شربت بزوری معتدل داخل کرده
تخم کشوث با شیرۀ بنور کنند الصفا دهند عنب الثعلب
کاسنی گل بنفشه ریوند چینی مغز فلوس باب برگ عنب الثعلب سبز
بنا ...ی نمک خام نمایند اجابت شد و تکرار دور شد ... ماده
درم ... ... الکبد بود و رفتار درد حرارت ...
مشتولد التهابات روز اول بادیان گلقند افتابی با سنبل ... ...
سرشته بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب عرق بادیان عرق کاسنی
شربت بزوری معتدل داخل کرده تخم کشوث با شیرۀ بنور کنند ...
صبح ... روز ... شام آب تخم ... آب عرق عنب الثعلب
عرق بادیان روز دوم شیرۀ عنب الثعلب ~~زرشک بیدانه در عرق عنب الثعلب~~
شیرۀ بادام ... تخم خربزه ... کاسنی نیلوفر عنب الثعلب ... منقی
زرشک بیدانه در عرق عنب الثعلب عرق بادیان عرق کاسنی تر کرده

معاجین عنو شربت انار ایله یا نیلوفر شربتی بزوری معتدل دافلکده بیوشسنلر

ضماد صندل بیاض عنب الثعلب تخم کاسنی تخم خرفه خیار زری افسنتین رومی

اکلیل الملک بابونه یاپراغ عنب الثعلب سبز سایله روغن گل

دافلکده بکم ضماد نمایند وقت وجع بطرف کبد و قبض قلقند

ریوند چینی افسنتین رومی سرکه بخورند عقب بیج بادیان

عنب الثعلب مویز منقی تخم کاسنی نیلوفر تخم خرفه نیلوفر بر عرق عنب الثعلب

~~عرق کاسنی نیلوفر تخم خرفه نیلوفر در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی~~

عرق بادیان بجوشانند تصفیه نمایند معا شکر نیلوفر شربت بزوری

معتدل دافلکده بیوشسنلر ضماد لذلک بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب

گل سرخ خیار زری سنبل الطیب زعفران کاسنی بادرنگبویه

یاپراغ عنب الثعلب سبز ساییده روغن گل دافلکده بکم ضماد

نمایند اگر مرض دردم بار ماده حاصل اولدیسه ... الکل

زایل نشده بادیان بیج بادیان عنب الثعلب مویز منقی کاسنی

بیخ کاسنی افسنتین اذخر تخم خربزه کوفته در عرق عنب الثعلب و عرق کاسنی

نیم کوفته در عرق بادیان بجوشانند تصفیه نمایند شربت بزوری

بزوری معتدل داخل کرده بنوشند و وقت نبض ملقیه افتاده افسنتین

اضافه کرده شود ضماد بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب تخم خطمی

خبازی سنبل الطیب زعفران تخم کتان گل بنفشه با سبز برگ

عنب الثعلب سبز ... روغن گل داخل کرده ضماد گرم کنند بار

مفید افتد ۱۲ جهت یرقان سدی و سعال و تشنگی سکنجبین ساده

با گلقند آفتابی سرشته بخورند عقب آن اصل السوس بادیان

در عرق عنب الثعلب شیرین برآورده شربت بزوری معتدل آب برگ ترب سبز مروق

داخل کرده بنوشند منتفع شد ۱۳ جهت یرقان سدی بادی

نبض ... دافع ... اختلاط عقل بود بادیان تخم کاسنی

گلقند در عرق عنب الثعلب عرق کاسنی تر کرده ... نیم کوفته

روغن ... در حقنه ... در حقنه بکشند

سپهر کاسنی اضافه نموده شد و دو دست اجابت شد و در عوارض
لاحقه بسیار تخفیف شد ۱۲ جهت یرقان قبل السابع وجعی و سعال
بود و حالت اختصاری بادرنجبویه از این نسخه تخفیف شده خرفه مقشر
تخم کاسنی درعرق شاهتره عرق کاسنی جلاب سبز و براورده شربت
انار شیرین شربت نیلوفر آب برگ ترب سبز مروق و اضلاکرده کافور
قیصوری بعد با شیر نبات نموده شد جهت یرقان سدد حاوی اضطراب و
خفقان بود آب برگ کاسنی سبز مروق آب برگ عنب الثعلب سبز مروق
آب برگ ترب سبز مروق سکنجبین ساده شربت انار شیرین شربت
بزوری معتدل داخل نموده نموده شد بعد سکنجبین ساده و شربت انار
موقوف کرده شد و گلقند آفتابی اضافه کرده شد از این نسخه بسیار تخفیف
شد بعده آب برگ ترب عرق مروق سکنجبین ساده شیره تخم شاهتره
تخم کاسنی تخم خیره داده شد جهت یرقان سدد و سرسام که بعد سوء هضم
عارض گردیده گلقند آفتابی تمر هندی درعرق عنب الثعلب بخورند مرتصف
باشیره ... نموده شربت بنفشه شربت دینار داخل کرده نموده شد
جهت یرقان که با وی حرارت و تشنگی و ضعف بود آلوبخارا تمر هندی
١٠ دانه ٢ توله

در عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر تر کرده لعاب بهدانه مغز تخم کدو تخم خیار و کاسنی
شیره مقشر تخم کدو شیره تخم کاسنی تخم خربزه شربت نیلوفر سکنجبین ساده
آب برگ کاسنی سبز مروق آب برگ ترب سبز مروق داخل نموده با ضماد
و داد از آهک مقشر مروق نقره بهیدانه نوشند جهت ورم اطراف
استسقا که با و قبض شدید بود گلقند اطریفل با داد انها ریوند چینی
سفوف نمک سلیمانی با سرشته بخورانند بعقب آن عرق بادیان عرق
عنب الثعلب شربت بزوری مسهل داخل کرده تخم کشوث با شیره بنوشند
جهت حرارت شدید و یرقان سددی که او را حالت احتضار بود
و از شربت دیگر انتفاع نشده آن وقت داده شد شیره مغز
شیره تخم کاسنی در عرق کاسنی گلاب عرق بید ساده بر آورده شربت
انار شیرین شربت زرشک آب برگ ترب سبز مروق داخل کرده کافور
قیصوری سوده با شیره نوشند جهت زنی از عرصه سی روز شش ماه استسقا
بود و بسبب حبس طمث مردمان را احتمال حمل بود بعد اجرا
دم طمث شبیه حمل رفع گردید معلوم شد که استسقا باردیست اول
بادیان ... بادیان عنب الثعلب مویز منقی تخم کاسنی برگ گاوزبان

گلقند آفتابی در عرق عنب الثعلب عرق بادیان بخورند تنقیه مانند
حقنه معمول شربت بزوری معتدل داخل کرده داده شد نفخ شکم
و قبض رفع شده بعد از این نسخه بالکل ورم و نفخ و قبض زایل
گردیده نمک سلیمانی با گلقند آفتابی سرشته بخورند عقب آن شیره
بادیان شیره زیره سیاه عرق بادیان عرق عنب الثعلب شربت بزوری
معتدل داخل کرده داده شد بالکل عوارض لاحقه زایل شدند جهت
اسهال کبدی حار بادی ضعف و نقاهت زیاده بود دوا دالمسک معتدل
بگل ارمنی معمول سرشته بخورند عقب آن شیره تخم الخیار شیره تخم خرفه
عرق عنب الثعلب شربت انار شیرین روز دوم شربت نارنگ
گل ارمنی گل مختوم اضافه معمول شد الغذا ذالک [illegible]
کبریان شیر [illegible] کوفته بخته جوب [illegible]
شام با آب تازه فرو برند القی برای اسهال کبدی [illegible]
بر و عسل بادام حریره ساخته با آب تازه فرو برند جهت استسقاء که بادی
زحیر بود بادیان بریان [illegible] بادیان بریان عنب الثعلب بریان شیره
برآورده شربت انار شیرین شربت بزوری معتدل داخل معمول

از برای دفع رعاف اطفال مجرب دار نمود [illegible]
نسخه [illegible] عرق [illegible] اگر [illegible] مورق [illegible] بوزنه

تخم ریحان بریان با روغن بادام چرب ساخته با نبات بخورند ضماد جهت ورم
سرخ
طحال تا معده با بوره الکلیل الملک تخم حلبه تخم خیار تخم شبت
بادیان حلبه کتان مقل زرنباد زعفران زنجبیل بد ستور خردل نانخواه
جهت سوء القنیه مقدمه استسقا که با ورم جگر و اسهال بود بادیان عود البلسان
در عرق عنب الثعلب شیره برآورده شربت بزوری معتدل شربت انار شیرین
تخم خربوزه شیره خیارین داخل کرده حاجت باشد شیره بخورند
جهت ورم حار کبد عنب الثعلب تخم کاسنی نیلوفر شیر خشت ارزنگ انار
کلقند ... در عرق عنب الثعلب عرق بادیان بجوشانند نصف بماند
... شربت بزوری معتدل داخل کرده بخورند ضماد لذلک
صندل سفید صندل سرخ عنب الثعلب آرد جو خطمی کاسنی با آب برگ
... ... داخل کرده ضماد نمایند و بالای برگ عنب الثعلب
گرم بندند جهت استسقا که با ورم و اسهال بود زرشک بیدانه بریان
... بریان بادیان بریان کاسنی بریان در عرق عنب الثعلب عرق بادیان
شیره برآورده شربت انار شیرین شربت ... داخل کرده
تخم کشوث با نبده ... بریان کرده بخورند جهت ورم دست
ورم ...

ضماد ورم طحال
سوء القنیه
ورم حار کبد

و باد چهره و ضعف و اسهال نیز بود اول دوا المسک معتدل با گلقند
سرشته بخورند عقب آن بادیان عنب الثعلب مویز منقی بادآورد پخته
شربت بزوری معتدل و انداخته می‌کشند بعد آن بادیان بزر بادیان افسنتین گل
کاسنی بر بادیان در عرق عنب الثعلب عرق بادیان شیره برآورده شربت بزوری
معتدل و انداخته می‌دادند گوشت بریان با نیمچه خوشیدند جهت ورم صلب
و تشنج کبد سنبل الطیب عنب الثعلب تخم حلبه تخم کتان آرد جو
گل سرخ بابونه اکلیل الملک حماما جبازی برگ کرنب ماش
برگ عنب الثعلب سبز با پیه موم سفید با روغن گل انداخته دانه کرده
نیم گرم ضماد نمایند و قدری جهت ضربه که بر کبد عارض شده و سبب آن
ورم مقعر کبد و محدب و عطش و حرارت و تب و قی لاحق شده
اول با دو بار و غیره جوش داده داده شد بعد فصد باسلیق جانب
راست کرده شد بعد آن مجیبه لیموی شیرین با گلقند آفتابی سرشته بخورند
عقب آن آب برگ کاسنی سبز مروق عرق بادیان آب برگ عنب الثعلب
سبز مروق شربت انار شیرین شربت بزوری معتدل و انداخته می‌کشند
الحاح لذلک دوا المسک معتدل ابو زید حنین بک معمول

سنبل الطیب اذخر سعد گل سرخ تخم جوز عصاره غافث تخم کشوث حب البلسان

افسنتین رومی مویز منقی گلقند آمیخته در عرق بادیان عرق عنب الثعلب حل نموده

شربت بزوری معتدل افزوده بنوشند حمای بلغمی سنبل الطیب

مجینه اذخر افسنتین رومی بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب

ساییده روغن گل داخل کرده ضماد نمایند از بیخ سنجها با تکلل زایل

گردیده تصویر معالجه حمای مرکب که بسبب یرقان قبل السابع

ورم معده و کبد و حمی و سعال و عطش و کرب و قلق لاحق بود اول عنب الثعلب

مویز منقی بادیان پوست بیخ بادیان اصل السوس تخم کشوث حب البلسان اذخر

پوست بیخ کاسنی گلقند آمیخته در عرق بادیان عرق عنب الثعلب جوشانیده

شربت بزوری معتدل داخل کرده خاکشی با شیره بنوشند بعده وقت

شدت حرارت لعاب بهدانه در عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر

عرق گاوزبان برآورده شربت نیلوفر سکنجبین ساده شیره خیارین

شیره مغز تخم کدو شیرین داخل کرده خاکشی با شیره نوشند حب الوی کاسنی

در عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر ترکرده صبح مالیده صاف

مغز شیره خیارین مغز تخم شیره مغز تخم کدو شیره بادیان لعاب بهدانه

شربت بنفشه سکنجبین ساده داخل کرده خاکشی بالنگو نوشند وقت
قبض و شدت حرارت و قلق و عطش الو بخارا تمر هندی گلقند [illegible]
تر کرده مالیده صاف نموده بنوشند اسهال اگر لذلک عرق عنب الثعلب عرق کاوزبان
مغز فلوس ترنجبین گلقند [illegible] تمر هندی و عرق عنب الثعلب عرق کاوزبان
تر کرده مالیده صاف نموده شیره بادام شیرین داخل کرده بنوشند اصبح نیز بدهید
عرق عنب الثعلب عرق کاسنی عرق [illegible] شربت بزوری معتدل داخل کرده
با خاکشی گلقند [illegible] تخم کشوث بالنگو بنوشند وقت شدت حمی لعاب اسبغول
عرق کاوزبان عرق کیوره شربت بنفشه [illegible] اگر خیارین
بادیان تخم خربزه [illegible] شیره براورده شربت بنفشه شربت [illegible]
معتدل داخل کرده خاکشی بالنگو [illegible] وگاه شیره تخم [illegible]
اضافه میسازند ضماد برای سر موصوف عنب الثعلب کاسنی [illegible] خیارین
صندل سرخ اکلیل الملک بابونه برگ عنب الثعلب [illegible] بیده روغن گل اضافه نموده
بر کشیده و معده ضماد نمایند از ین نسخها بفضل [illegible] کلی یافتند جهت

جهت [illegible]

[illegible] که میشود باطل [illegible] اجزای [illegible] محسوس [illegible]
[illegible] و ضعف و نقاهت نیز بود اول بادیان کاسنی [illegible] عنب الثعلب

موبر منقی چون شلیده شربت انار برین شربت بزوری معتدل داخل کرده داکن
با شیر دی داده شد بعده با اضافه دواء المسک معتدل مقوی با مسک بعده
فقط دواء المسک معتدل مقوی مسک با عرق بیدمشک عرق گاوزبان
عرق گاوزبان شربت انار شیرین داده شد ثمرة قارورة و عوارض زایل شدند
جهت استسقاء لحمی و ورم معده دقت نیز بود بادیان بیخ بادیان
اصل السوس مویز منقی برگ کاسنی اذخر بیخ اذخر زوفای خشک
پرسیاوشان تخم کرفس بیخ کرفس در عرق بادیان عرق اصل السوس
جوشانیده شربت بزوری معتدل داخل کرده تخم کشوث بافیده جدوار خطایی
مسحوق اضافه کرده بر کشند و بعد زوال ورم شیر شتر در طبیخ مذکور داخل کرده
با اضافه معجون نمک صغیر مختنع داده شد و در عرصه قلیل جمیع عوارض بدعه
بفضل تعالی زایل شدند مشترک فی معالجه امراض القلب والدماغ مثل الکزاز
والرعشة والفالج واللقوة والخفقان الحار والبارد والاسترخاء
والسرسام والصرع والصداع والبیضة والخودة ۱۲ حقنه حاده
جهت فالج و کزاز پرسیاوشان بسفایج منقی تخم کرفس
بیخ کرفس پودینه بیخ کبر سنگ ... اسطوخودوس مرزنجوش افتیمون

حقنه حاده جهت فالج

۲۰۵

در صره دسته قند طبرزد روغن گل زیره انگرفته سبوس گندم نمک شوره دو اثار
آب نجوشانند نصف باند چنانکه شنگینج جاوشیر اشق محلول
بآبگرم روغن گل در خلط کرده بدستور معمول حقنه بکنند **سرمه**
تخم کاهو دانه خشخاش سفید برادره شربت گاوزبان و اخلاط کرده بسند
ایضاً تخم کاهو دانه خشخاش سفید شیره برادرده شربت گاوزبان سحیق
صندل سفید در اخلاط کرده یک درم نکو بآشنده میکنند **جهت دشوب چشم**
و قوت بصر و رطوبت چشم اقاقیا خالص صبر سقوطری زعفران افیون
در آب حلبه بقدر کشمش ساخته در خمیر آرد اندا گفته در شیشه کرده خشک کرده
بکاه بسپند دود بیع کاو سبز بند تا گرسنه شود کاهی قبض با حلبه و کاهی با آب حلبه
مسکرده بکار دارند **جهت جاله که در هر دو چشم بسبب نزول بعد اسهال عارض و**
طبیعت مضطرب و خارش نیز بود اطریفل صغیر با ایارج فیقرا سرشته
و فت خواب بآبگرم فرو برند **جهت تنقیه دماغ و تنقیه سودا** برگ سنامکی
ایارج فیقرا لکسیر نج ربالسوس غاریقون بسفایج فستق مقل ازرق
کوفته بیخته با مغز فلوس سرشته روغن بادام بقدر حاجت استعمال نمایند
جهت ضعف و نقاهت که از مرض یا از خوردن غذا گرم عارض میگردد

و سوزش بول هم عارض میشد از بس تحفیف شد دوا والمسک معتدل بورق نقره لیس کنند تا عرق گاوزبان فرو برند و دو ماهی شب تر کرده صبح آب زلال بنوشند جهت حقنه گزاز مختوع معمول او درمه است سبوس گندم نمک سنگ و دوا آب بجوشانند نصف باند صاف نموده روغن بیدانجیر و عسل داخل کرده بطریق معمول بعمل آرند بسیار مجرب است و بهمین عمل عمل کرده میشود جهت برودت دماغ نسخه پسند مریا بگلدانی نسخه حب صلیب نسخه مویز منقی صدر در خطایی در عرق بادرنجبویه عرق گاوزبان بر آورده شربت از طوخودوس شربت افتیمون داخل کرده نیم گرم دو سه روز باستعمال آرند اطریفل برای میان بادرسی که برد دماغ داشته و مخمور برده و رباح بلا سیری در شاخ معده که گاه قبض گاه اجابت میشد و از خوردن روغن تلنبا یرقان و خبط عارض شده بود و حالت نهایت رذی بود بادرنجبویه اسطوخودوس مویز منقی افتیمون صره لبه علوبلبان حب بلسان پوست بیخ کبر عناب انجبار زرد ورق جنس مسلماج فستق نعوب مرزنجوش قرنفل گل گاوزبان برگ عو تخم بادیان فنطوریون و قسط در عرق بادرنجبویه عرق گاوزبان عرق بادیان تر کرده صبح بجوشانند نصف باند صاف نموده مقل ازرق محلول نان آب کنند تا

عنصل هلیله عسل بغید بنبره املج بقوام آورده منقی بعد پوست هلیله زرد پوست

هلیله کابلی هلیله سیاه بلیله بادریک سنجو بروغن بسته چرب ساخته بقوام آورده

مغز نارجیل مغز بادام کشمش مغز چلغوزه مغز پسته مصطکی رومی صعتر فارسی

ورق سداب جدوار ختایی صحیح مجرب فلفل گرد عاقرقرحا فلفل دراز

خولنجان پوست بیخ کبر وج ترکی سنبل الطیب عود صلیب شیطرج هندی

ثعلب مصری مغز فندق مغز کردکان چای ختایی کوفته بیخته داخل قوام کرده

مرتب سازند هر روز یک مثقال بقدر دو یا سه شب تا بکرم یا صبح

باب تازه میخورده باشند جهت شخصیکه از وجع قبض و ریاح بواسیر یا

ونبض نفخ شکم میکرد بید شکه در روزها هم نفخ می ماند اول معجون کمونی و صعتر فارسی

وبرگ سداب و رشق و چای و شیر موافق شربت داده شد و اجابت

بتلیین میشد و فواق معدی هم بعد از بعضی تخ بسیار تخفیف شد

نمک سلیمانی با گلقند آفتابی سرشته بخورند بعده آن صعتر فارسی گردیا

تخم کرفس در یک باد ... بجوشانند نصف ماند صاف نموده شربت

نزوری معتدل ... کرده بنوشند قراقر معده و قبض و ریاح با معده

بالکل رفع شده بند مسهل جهت صاحب ریاح بواسیر بضرورت استعمال ماده

وقلّت اشتها داده شد عنب الثعلب مویز منقی بادیان کافوریان گل گاوزبان
الو بالو برگ غرغنک افسنتین رومی بادرنجبویه تخم حماض تخم خبازی
گل بنفشه اصل السوس عکوبر اسطوخودوس بسفایج سنبل الطیب زرد
برسیاوشان مقل ازرق گلقند اصفهانی شب در عرق عنب الثعلب عرق
گاوزبان تر کرده صبح بجوشانند نصف ماند صاف نموده مغز فلوس ترنجبین
شیرخشت روغن بادام باقی ادرات سهل بدستور ۱۲ بهپاره جهت
درد ریح از صدر و شکم و لینت در جمیع بدن برای زنی ما بونه اکلیل الملک
حلبه کتان تخم شبت برگ کرنب حب الغار خبازی مقل ازرق
برگ سنبهالو انیسون بیل خاکشی در شش آثار آب بجوشانند دو آثار گرفته
گرم نموده روغن طلخ شراب دو آثار شده داخل کرده بهپاره بگیرند الحاد یک
خاکشی در آب مطبوخ ساخته بهپاره بگیرند شب تحلیل دماغ بالوری
که تا جمعه بود بادیان صعتر فارسی مقل ازرق گلقند اصفهانی در عرق
بادیان عرق عنب الثعلب بجوشانند نصف ماند صاف نموده شیرخشت
شربت بنفشه نیلوفر گل بنفشه شب در دو آثار آب تر کرده صبح مالیده صاف
نموده باز گل بنفشه در آن آب تر کرده بجوشانند نصف بماند صاف نموده

بافته

با قند سفید ترنجبین بقوام آورده مربا سازند جهة انتفاخ

مسه بواسیری مقل ازرق بقدر نخود با آب برگ عنب الثعلب سبز

آب کنند یا سائیده روغن گل و اکلیل الملک ده ضماد نمایند بجهة اوجاع

رحم بابونه اکلیل الملک تخم کتان تخم حلبه عنب الثعلب جو [illegible] فلفل گرد

در دو آثار آب بجوشانند نصف باید [illegible] بیمار را بنشیند دود

برای برودت دماغ و صداع بارد و درد گوش نیز مفید است جهت

وجع امعاء معمول ریشه خطمی یکمویز تخم خطمی تخم خیارین یکمویز کتان

جوشانده روغن بادام داخل نموده حقنه کنند و حبوب مثل حب ایارج

که ازان در امعاء مغص و درد عارض میگردد برای آن نیز معمول است

و گاه روغن گل اضافه میکنند جهة قتل دود و اخراج دیدان و حب القرع

در دفع قبض ایارج فیقرا با معجون خیارشنبر سرشته بخورند عنب

برگ کابلی افسنتین [illegible] پوست هلیله کابلی در نیم آثار آب

جوشانده عسل سفید و اکلیل ده برکنند جهت ریاح بواسیر

و ضعف معده بسفرجل با آب ترش یا جوشیده ...

و اگر سهل الشمس ... سوده بخورند بعد از آن عرق بادیان

عرق بید السلیب شربت ... [illegible] ... نافع بود ان شاء الله تعالی

کلقند ... سلیمانی ... بخورند بعد از آن بادیان صغیر ...

الشمس ... عرق بادیان عرق عنب الثعلب جوشیده ... شربت

بزوری با ضافه بسفرجل ... بجای بسفرجل ... اطعمه ... بخورند

اضافه کرده شود ... منضج ... و

... حالت ... داشتند بادیان ... بیخ بادیان ... قرص ...

... بادیان ... سپستان ... زرشک ...

قصب الذریره ... عنب الثعلب ... بیخ ...

... شربت ... قند ... بخورند ...

... بادیان ... عرق عنب الثعلب ...

... شربت ... معتدل ... بخورند ...

در شهر ... جید ادویه بستر شوند ... اول بقدر ۳ ... وقت صباح بخورند عقب آن بیخ بادیان بیخ کرفس ... بیخ اذخر ... جوشانیده ... شربت ... حل کرده ... بیخ ... بسفرجل ... مجرب

فصل ...

در مسهل مقعاد ساخته مغز فلوس خیارشنبر تمر هندی شیر خشت شیره بادام اضافه
کرده بخورند تبرید شیره بادیان شربت بزوری معتدل داخل کرده بخورند شکر م داده شد
جهت بواسیر بادی هلیله مربا از آب شسته با مقل ازرق محلول با بکرایی شسته
بخورند بعقب آن عرق بادیان عرق عنب الثعلب شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند
برای زحیر و حابس ورم مثانه جهت تسکین وجع تخم خطمی بکوبند تخم خیارین بکوب
صمغ عربی نشاسته گل ارمنی سفوف ساخته هیچ پاره با تازه جو در بند جهت مغص
و هیضه مجتمع بادیان بادیه تخم کرفس قرطم بکوب عنب الثعلب سوخته سفید انجیر زرد برگ سپاس
گل سرخ پوست هلیله زرد آلوی کابلی تمر هندی در یک آثار آب بجوشانند بقدر نصف
بماند صاف نموده ترنجبین حل کرده با اضافه مغز فلوس خیارشنبر نمک طعام سقمونیا شلیل
نوشند جهت مغص و وجع زیر ناف قرطم بکوبند تخم کتان انجیر زرد بادیان
خارخسک بکوبند در سیر آثار آب عرق بادیان جوشانیده روغن گل روغن بید انجیر
داخل کرده بنوشند تکمید بدلک بادیان هیچ بادیان عنب الثعلب تخم حلبه تخم خیارین
حلبه تخم کتان برگ کرم الکلیل الملک وجع آب بپزند تا غلیظ شود روغن گل
داخل کرده در خرقه بسته شیر گرم تکمید طلب زیرناف بر مقعد نمایند رفع مغص
و وجع گردید جهت وجع بواسیر زنانه را عارض شد اول که درد در جنب بود

هیضه

علیهذا بکهند از تخم خطمی تخم خبازی بادیان سپستان جوشانیده داده باشند بعد صعوط(؟) فاری

سداب فرطم بعده از بیخ تسخیر منقوع شده بادیان صعتر فارسی مقل ازرق

کلقند افتابی جوشانیده بنوشند و روز نالنک بعد بالکل زایل شده سفوف

یهودی جهت زحیر مجرب است تخم تره تیزک بریان اسبغول مسلم بریان

آمله بریان خطمی مقشر خبازی مقشر زیره کرمانی تخم کشنیز تخم شبت

تخم حسکالس تخم بزر البنج اسبغول گیرند بجهت سفوف بجوانان دو درم کمتر

بدهند با آب تازه قیروطی جهت شقاق مقعد و بواسیر باروغن اکلیل الملک

قصب الذریره تخم خطمی تخم خبازی مقل ازرق حلبه تخم کتان عنب الثعلب

گرفته بجهت موم زرد روغن گل کدانند ادویه را افکنده مرتب سازند جهت

جهت وجع زحیر تخم خطمی خبازی کل نیلوفر ورق خطمی در عرق عنب الثعلب بجوشانند

رضعیب(؟) با زنجان(؟) بعده شیره بادام با روغن بادام و کاه و اسبغول بریان حب ساختند

با شیره بنوشند جهت زحیر که بعد سوء هضم بود اول مهریه با آب تازه و سفوف

مقلیا تا داده شد و اجابت بیخ تحصیص شده وجوز از دارو زیاده بود بادیان کلقند افتابی در عرق بادیان عرق عنب الثعلب جوشانیده بمک طعام

سعوط با شیر خر بنوشند و در وجع و دیگر عوارض صحت کلی شده جهت وجع مفاصل حار

الرطام

الونجا بار تر کرده ما بین احشای سنجی لعاب بهدانه لعاب اسبغول عرق عنب الثعلب
عرق کاسنی بادیان عرق بید و شیره خیار بین شیره مغز تخم کدو شیرین شربت بنفشه
شربت نیلوفر دو انگاره بنوشند ضماد لنک آرد جو بنفشه گل کاسنی تخم خطمی خیار بین
سوده برگ تلخ با آب برگ عنب الثعلب سبز سائیده بکرم ضماد سازند ایضا جهت اس
مفاصل حار عنب الثعلب گل کاسنی گل خیار بین تخم خربزه بکوفته چکند
با آب سائیده شیره برکرده شربت بنفشه شب بسور لعاب شربت در انگاره بنوشند
جهت وجع عرق النسا که در ساقها رانست و گاه در درگ بر از آخر شب زیاده
میشد برای سید محمد صاحب اول منضج که در آن تخم شبت هم کوفته تخم
اصل السوس مغز تخم خربزه بکوفته بیخ خربزه بکوفته در آب جوشانیده شربت
بزوری معتدل چهار روز داده همین ادویه در بیخ آب جوشانیده دو روز
استفراغ کرانیده شد از ان انتفاع شد بعده بادیان عنب الثعلب
مویز منقی پوست بیخ کبر بکوفته بادیان نبات در یکجا آب جوشانیده
بنوشند از ان زیاده از نصف تخفیف شده از روغن گل روغن بابونه
جوز بوا زنجبیل افیون خالص بیک گرم مالش کرانیده شد و شب بیز
نسخه هر روز داده شد جمیع عوارض زایل شد بعده جهت قبض و باد بواسیر

سیقی

جهت وجع مفاصل ...

... صبح ... قند ...

اول ... زبان ...

در روغن ... قند ...

نبات ...

که بسبب آن تکسر اعضا و قلت اشتها و بیداری لاحق بود مقل ازرق نمک طعام

سعوط با گلقند آفتابی سرشته بخورند عقب آن اکسیر زرد مویز منقی بادیان

گل بنفشه قرطم شکر لعاب قسم مکو پرزه در عرق عنب الثعلب عرق بادیان

بجوشانند صاف نمایند ... شربت بنفشه شکر شیره بادام شیرین

داخل کرده بنوشند نسخه حیات بخش سنا مکی پوست هلیله زرد سوتف سورنجان

نمک کنباه مساوی الوزن برای اسهال تا بکرم و برای تحلیل با آب سرد ...

چند نسخه دیگر از عمده رساله زحیر بود و قریب صد دست در شب و روز می آمد

وحمی هم لاحق بود و بول غلیظ و سرخ بود اول سفوف مقلیاثا بروغن بادام

چرب ساخته با شیره بارتنگ بریان شیره حب الآس بریان داده شد

سپهر مویه با آب تازه در زحیر تخفیف شد مگر سعال و حمی زیاده بعد

چار تخم بریان بروغن بادام چرب ساخته شربت خشخاش سرشته داده شد

بعد قدری ورم دست و پا و چهره ظاهر شد بعد حب الآس بریان

بادیان بریان اصل السوس دانه مویز منقی بریان شیره برآورده شربت

حب الآس داخل کرده بنوشند سپهر مویه شربت حب الآس سرشته

با شیره بادیان بریان مویز بادیان داده شد از بعض نسخه در حمی و سعال

سفوف مقلیاثا بروغن بادام چرب

دو ورم تخفیف شده اول مویز بخورند عقب آن بارهنگ اصل السوس

در ملکیا و آب چون نیلی روغن بادام با شیره بادام داده شد و بجای آن

بریان بارهنگ بریان شربت خشخاش سرشته سپهر بلبیسند و بالای

آن آب تازه بجهت برای ورم بعد تخفیف در دستها این نسخه داده شد

بادیان عنب الثعلب اصل السوس بارهنگ در عرق عنب الثعلب عرق بادیان جوشانیده

شربت بزوری معتدل شربت حب الآس داخل کرده تخم ریحان پاشیده

نوشانیدند از همین نسخه دستهای زحیر بیشتر شده است بلکه زیاده شده و حمی

نیز زیاده ماند بعد بادیان بریان عنب الثعلب بریان اصل السوس در عرق

گاوزبان عرق عنب الثعلب شیره برآورده شربت حب الآس شربت بزوری معتدل

داخل کرده بارهنگ بریان پاشیده نوشانیدند بعد آنچه که میخورد از معده منحدر

شده بر عاده قرار میگرفته برای تنقیح می ماند معلوم شد که قوت

ماسکه معده ضعیف است از وقت نسخه مذکوره با خاک [illegible] ساده

با صندل مسحوق [illegible] داده شد در دست و حمی و ورم بسیار تخفیف

شده و شربت بزوری بسبب تفتیح وی موقوف کرده شد و بعد

رفع دستهای زحیری برای برآمدن دستهای سعدی و حمی و ورم بقیه

شیره بادیان بریان شیره عنب الثعلب شیره افسنتین رومی شیره حب الآس بریان

شربت انار شیرین شربت حب الآس با اضافه نوشدارو ساده با قرص طلی

مسحوق داده شد بعده دست از قراقر آمدن گرفت معلوم شد که سبب

برودت معده و جمع رطوبات و بلاغم و ضعف قوت ماسکه و هاضمه غذا بوده

که مستحیل بآن میشده این دستها می آید و شیخ بوعلی سینا این اسهال که عقب

آن ورم لاحق میشده ارده و عسر العلاج و البرء نوشته و سبب آن سبب

مذکور گفته از همین سبب این داده شد جوارش جالینوس مخوردند عقب

آن جفت بلوط بریان زرشک بریان اهلیل سیاه کوکنار بریان سعد کوفی

مثقالی برادر ده شربت خشخاش داخل کرده نیم گرم می نوشیدند بعدها دیاقوزا سبب

سعال و ریزش بینی اضافه کرده شد اضماد لندلک بابونه اکلیل الملک سعد کوفی

افسنتین رومی بومادران زنجبیل با آب برگ عنب الثعلب سرشته نیم گرم

داخل کرده شیر گرم بر معده و کبد ضماد گرانیده شد از سبب ورم شکم و نفخ با

بسیار تخفیف شده و از نسخه مرقومه دستها نیز تخفیف شده بعده

قدری هم معلوم شد الوقت دیاقوزا و جوارش مصری قوت کرده شد

و نوشدارو ساده با شنگرف از مرغ سعد سرشته با شیره جات مذکوره

داده شد

وارد کشند از استعمال این نسخه دستها تبد شد و ورم هم رفع کردید بعده
قسط بهم باان دارد هیل بریان اضافه کرده شد فقط ۱۲ جهت محمد علی خان [illegible]
احتباس ریاح غلیظه قبض و درد سرین و مثل ریگ ادرار و در لاحق از [illegible]
بادیان تخم خربزه تخم کرفس دوقو مقل ازرق صعتر فارسی بوک سداب
فرطم تخم کرفس جوشانده شربت بزوری معتدل و اخلاط ده بو [illegible] الیگا
که در وقت خواب مقل ازرق با آب گرم فرو برده بخواب روند از این
در عوارض لاحق بالکل زایل شدند فقط جهت رفع قبض نواب
بهو صاحب بادیان صعتر فارسی بیخ کبر پوست هلیله کابلی هلیله سیاه نانخواه
زیره سیاه نمک سیاه نمک طعام نمک لاهوری نمک سلیمانی آمله منقی
پوست بلیله گل سرخ افسنتین رومی درونج عقربی زرنباد
مقل ازرق کرد با آب لیمون و دار چینی مصطگی رومی مسوغ فی
سداب پودینه خشک دارچینی فلفل دراز فلفل گرد تالیسفر
خولنجان برگ تنبول خشک کرده نوشادر متصعد [illegible]
حلتیت بریان آب لیمو کاغذی بقدر حاجت سفوف ساخته
نگاه دارند ۱۲ جهت درد کمر جلد [illegible] ناخواه ممزوج نموده
۲ درم ۲ درم ۲ درم ۲ درم

نگاه دارند هر روز بقدر یکدرم با آب تازه فرو برند ۱۲ معجون بلادر جهت
درد کمر زرد چوب در شیر گاو یک شبانه روز تر کرده خشک نمایند پس بعد بروغن
گاو بریان کنند که بسیار شود بعد از اسگند ناگوری زنجبیل گوز [illegible]
مغز تخم [illegible] فلفل دار فلفل دراز [illegible] قرنفل دارچینی جوز بوا بسباسه
[illegible] زنجبیل [illegible] شونیز بادرنگبویه بلادر عسل سفید بقوام آورده معجون
سازند قدر شربت ۳ ماشه تا ۵ ماشه با آب تازه ۱۲ سفوف سورنجان
برای وجع مفاصل و نقرس و عرق النسا مجرب مفید خصوصاً بلغمی معمول
سورنجان [illegible] [illegible] [illegible] زنجبیل [illegible] مغز بادام زعفران قند سفید
همه ادویه کوفته بیخته سفوف ساخته هر روز بقدر ۴ ماشه با آب تازه فرو برند
حریره جهت درد کمر اسگند ناگوری زنجبیل مغز [illegible] مغز [illegible] با آب
سائیده شیره برآورده شکر سفید با قند سیاه [illegible] مثل حریره ساخته
تناول نمایند مسهل جهت صاحب بواسیر بادی و درد بول سرخی خفقان نیز مفید
[illegible] عناب [illegible] الو بخارا گل بنفشه گاوزبان تخم [illegible]
تخم خبازی [illegible] ریشه [illegible] بادیان افسنتین رومی [illegible] قنطوریون
دقیق [illegible] پوست هلیله کابلی [illegible] برگ [illegible] [illegible] سپستان

برگ سنا مکی مویز منقی فلوس تر نجبین شیره بادام شیرین بعده پوست هلیله زرد
و سنا مکی در مسهل دوم و سیوم اضافه کرده شد تبرید لیکن روغن گل
در عرق گاوزبان و عرق عنب الثعلب چون نبود شربت نزوری مستعمل تخم
کشوث در افکار ده خاکشی یا بلغها بنوشند تشنج رگی را اول در کمر نیز و
از معده بعدا ما بین کتفین بار ها هیمر زند عارض گردید با دهان عنب الثعلب
مویز منقی صعتر فارسی برگ بادیان بود بید خشک تخم کرفس قرطم کوفته
در عرق بادیان عرق عنب الثعلب جوشانیده شربت بزوری معتدل افکار ده
نوشند و زرد روغن گل و روغن بابونه جوز بویا افیون خالص زعفران زنجبیل
نخود مخلوط ساخته شیر گرم مالیش کرده بر زبانکه زایل شد ۲۵

مجرب

روغن

زحیر [illegible]

جهت والده صاحب جاوید بیگ [illegible] که بعمر هشتاد سالگی زحیر شدید بعد
حمی عارض گردیده اول برای حمی و خشکی دهن و احتمال سوء هضم تمر هندی
جوشانیده با نبات طعام [illegible] داده شد بعد تدابیر عوارض لاحق مثل
تب و خشکی دهن و زیادتی بول زحیر عارض گردید اول تخم ریحان
و چهار تخم نصفه بریان نصفه خام با ورق طلا بعده مویز شربت به
بعده چون حاجت مسهل افتاد روغن خطمی در عرق عنب الثعلب جوشانیده

مغز فلوس حل کرده روغن بادام داخل کرده داده شد و سه دست اجابت شد و بند
سه روز
روز دوم مسهل که دو سه دست بیشتر باشد و خارج شد بند بعد قدری درد زیر
نفخ شکم و افراط دست عارض گردید از این نسخه کمال منتفع شدند بهم درد کمر
بریان عدد قرص طباشیر سرشته بخورانند عقب آن بادیان بریان زیره کرمانی بابونه بابونه تازه گرده
اعدد
شیر برابر ده عدد بر و افلاک ده داده شد و سبوس جو و ارد الم کشک مسهل
ورق طلا برای حفظ قوت نیز داده شد از این بفصل تو اسبیان منتفع شدند ۱۴
اعدد
جهت زحیر بیرون عارض گردیده اول سفوف خلیلی و مقلیاثا و موبری بادیگر
العدد متابلد و طبیخ و آب خیار و تخم خطمی داده شد چون کم می آمد موقوف شد
درد که از معده شروع میشد و تا زیر ناف می رسید و آن وقت دست
می آید و بعد اجابت قدری درد ساکن می ماند باز شروع میشد و در شب
قریب
و روز بیست دست اجابت می شد بعد انتهای ماهیت مسهل بادیگر
داده شد خمیر خشک بریان تخم خشخاش تخم خبازی بریان تخم خرفه ذالیه خمیر خرمن شاییده
روغن بادام مغز فلوس حل کرده داده شد درد رو تخفیف شده روز دوم
آب گرم شد بیرون روغن بادام حل کرده داده شد درد و جمع کمال تخفیف شد از استعمال
آب گرم روغن بادام بطور حقنه درد کامل زایل شد و این نسخه مفید

افتاده

افتار معتبر قاریسیا شوند. برگ بیداب مقل ارزق حنظل در عرق بادیان
عرق عنب الثعلب بجوشانند صاف نموده مکت مطبوخ شربت بزوری معتدل
داخل مطبوخ نموده بنوشند معلوم است که وجع ریحی باقی بوده بعد اجابت اکثر
گرم نمیشد بعد روغن بادام حل مطبوخ نموده بنوشند از پنج درد رشد بید که وقت اجابت
میشد بالکل زایل گردیده **مسهل جهت وجع مفاصل حار** با حمای محرقه
اجابت درد داده میشد عناب عنب الثعلب گل بنفشه گل نیلوفر گل گاوزبان
آلو بخارا بوم شاهتره انجیر زرد مویز منقی تخم حنظل خیارزه سنا مکی گل سرخ بکوبند
خیارشنبر بکوبند تخم خربزه بکوبند سورنجان بکوبند بجوشانند التقاط عرق
عنب الثعلب عرق گاوزبان مغز فلوس ترنجبین حل نموده شربت بادام بدستور
بعمل درآرند **جهت نقرس مفاصل که بعضی بعمر چهارده ساله عارض گردیده** اول
دو مسهل از حب ... داده شد ... در عوارض ... شده بود
این مسهل داده شد بیخ بادیان عنب الثعلب مویز منقی انجیر زرد ایرسا بکوبند
پوست بیخ کبر بکوبند قنطوریون بکوبند گل بنفشه تخم حنظل خیارزه سورنجان بکوبند
گاوزبان بکوبند بیخ کاسنی برگ سنا گل سرخ بجوشانند افتاده شربت عنب الثعلب
عرق گاوزبان ترکرده صبح جوشانیده مغز فلوس شکر سرخ حل کرده شربت بادام

داخل کرده بنوشند در تبرید حب سرخ شربت بزوری با جالب بنکار سرخ ز مولت ا
داده شد فقط و در مسهل سیوم و چهارم پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی
پوست بلیله ملکو نیز اضافه نموده شد در تبرید تخم کشنیز چه درعرق شب عنب الثعلب
جوش داده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند نفع شد تکمید از لک
عنب الثعلب تخم کتان گل بنفشه خطمی خبازی قنب مقل ازرق در آب جوش داده
بهم پاره کرده بکبید و ثفل آن را خوب سائیده روغن گل بنفشه مرغ سرشته
بر موضع درد و ورم به بندند برای زحیر تخم ریحان مسلم مغز بهدانه با ربک
با رسیده شیر بنج سرشته با عرق عنب الثعلب فرو برند حبس الدم باج و وجع با بوری
و قبض اثبعد از تدابیر از زیر سحر منتفع گردید معجون کمونی کلقند انقاس
نمک سلیمانی سرشته بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب عرق بادیان شربت
بزوری معتدل داخل کرده بنوشند شمار حبت وجع مفاصل بعد تنقیه سورنجان
تلخ بیخ ابی زعفران بابونه اکلیل الملک با آب بنجنه روغن گل روغن بابونه
داخل کرده گرم ضماد نمایند حب مشترک صبر کبابه آغاز بعد مسهل حب سرخ عارض
گردید بعد سپاه با روغن بادام هر با شکر مادی بنفشه با آب گرم فرو برند
دار بنی نسخه تکمید رطب که منتفع گردید تخم حلبه تخم کتان خطمی تکمید زحیر

خبازی بادیان اسطوخودوس زرق عنب الثعلب گل خطمی ریشه خطمی ادویه به نمک قند
در عرق عنب الثعلب عرق بادیان بپزند تا غلیظ شود روغن گل داخل نموده در حقنه
بسته بگیرد گرم تکمید رطب زاید بسیار منتفع شده مسهل جهت زحیر بسیاری
که بعد مسهل معمول از العبد و فلوس داده شد گل بنفشه گل نیلوفر گاوزبان
تخم خطمی تکوفته تخم خبازی تکوفته تمر هندی در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان تر کرده
مالیده صاف نموده لعاب بهدانه لعاب اسپغول لعاب ریشه خطمی داخل نموده
مغز فلوس ترنجبین حل کرده باز صاف نموده شربت بادام شیرین داخل کرده بنوشند
باقی ادویه مسهل بر شور روز دوم بعد آب تخمی شام شد بی روغن تبرید
لعاب ریشه خطمی و شربت بنفشه عرق عنب الثعلب جهت ریاح با لبوب کرمانی
نفخ شکم و اسهال بعد از بین نسخه زایل شد نبات بادیان بریان و آب انار داده
تخم ریحان بریان با شیر گوسفند معجون نورکان جهت اوجاع مفاصل و نقرس
در عرق گل سرخ بلغم و صفرا و معمول و مستعمل بعد از تنقیه خصوص از مواد
گرم بعد مسهل از حب مسیح شیر با استعمال درآمده و نفع بین بظهور رسیده
سورنجان شیرین بوزیدان ماهی زهره ریع کبر زنبره گیاه شیطرج هندی زنجبیل
تخم کرفس رازیانه فلفل سفید صعتر فارسی نمک هندی برگ حنا زنجبیل

جلجلان زنجبیل سقمونیا منوی تربد بقدر عسل سفید روغن بادام گوسفند
سه درم ... درم ... درم ... درم بقصد و پنجاه درم دو مثقال
بنجنبه و سنب ساز کنند قدر شربت یک مثقال با آب گرم روز دیگر شقیقه مطلوب حاصل شد

و جهت دوام سکه درم باقی کم بیشی موافق حال مریض و رای طبیب بدهد مراد

از جلجلان سمسم یعنی کنجد است فصد منقول از قرابادین قادری جهت بادها

بواسیر که بسبب آن نفخ شکم و قبض و عدم اشتها و خفقان معده و خناق

حلق و دماغ و سوزش در پشت و پا بود اول بلحاظ وجع معده و محللات مثل ... را

و صعتر و پودینه و غیره استعمال کرده شد هیچ نفع ظاهر نشده بود سفوف

نفخ که معمول است داده شد و برای غذا اسفاناخ خرفه با روغن بادام قطیر

از آن منتفع گردید جهت قبض و اخراج دیدان ایارج فیقرا با عسل ... شب

شب بوقت خواب با آب گرم فرو برند صبح قنبیل بزرگ کابلی ... افسنتین ...

پوست ... قند سیاه در یک پاو آب بجوشانند نصف باقی ماند ... معجون

صبر سقوطری ... با ... کشند ضماد برای قتل دیدان ... از هر یک درمنه ترکی

افسنتین رومی با آب برگ شفتالو سائیده شیر گرم بر شکم ضماد نمایند و گاه

قنبیل و صبر سقوطری ... داخل کرده میشد مفید اطریفل مقل ملین برعایت

دماغ که بسبب صعود ابخره ضعیف بصر و وجع مفاصل عارض شده بود که

نقل شد

بمعجون شد عناب الوکمالو سپستان مویز منقی تمر هندی انجیر زرد کل بنفشه
پوست بیخ کبر صعتر فارسی برگ کشتان ملکی ورغش عنب الثعلب تخم کاو زبان
تر کرده صبح بجوشانند نصف باقی ماند صاف نموده با عسل سفید بقوام آورده
در علیمین خرام مقل ازرق محلول با آب کنند تا نیز تخم ... فلوس شیره
آمله مربا عسل سفید بقوام آورده پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست بلیله
سورنجان شیر ... فلفل سیاه کوفته بیخته بروغن بادام چرب ساخته داخل نمایند

اطریفل مقل ملین برای رفع قبض و برودت معده و کبد و ضعف اشتها و رطوبات

معده و نفخ شکم ... نافع است مرتب نموده شد پوست هلیله زرد هلیله سیاه
مویز منقی انجیر زرد شب در آب تر کرده صبح بجوشانند نصف باقی ماند ... نموده
شیره آمله مربا شیره هلیله مربا شیره آمله قند سفید عسل هلیله بقوام آورده ...
سقمونیا سوری فلفل سیاه زنجبیل قاقله کبار دارچینی سنا ... مقل ازرق
محلول با آب گرم تر ... سفید مجوف بروغن بادام چرب ساخته ریوند چینی
پوست هلیله کابلی هر دو باروغن بادام چرب نموده مصطکی رومی صعتر فارسی
برگ سداب بادیان زیره سیاه ... بر گرد ... عود غرقی کوفته بیخته داخل کرده
مرتب سازند قدر شربت ... جهت زحیر سرد و لینت احتباس

فضول که از آن سبب درد باشد و قدری قوی اجابت شود هلیله سیاه بروغن گاو

بریان نموده سائیده شکر سفید برابر آن داخل کرده با آب [illegible] گاو بالنگو

بادیان داده میشود حب منضج که تابع پیش اسهال بود بادی قدری حرارت هم بود

مویز بادام شیرین گل سرخ شکر عنب الثعلب عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان

عرق شاهتره برآورده شربت بنفشه داخل کرده [illegible] باشیان بنوشند سفوف

یهودی معمول جهت مغص امعا تخم [illegible] مقشر بریان تخم خبازی مقشر بریان

[illegible] صمغ عربی کوفته بیخته [illegible] بروغن بادام چرب ساخته [illegible]

از آن [illegible] تخم [illegible] صعتر فارسی [illegible] عرق [illegible] عنب الثعلب

جوشانیده روغن گل داخل کرده بخورند برای [illegible] که از مغص دستها [illegible]

و درد از معده شروع میشود و بعد اجابت قدری درد وجع تخفیف میشود از نسخ

منتفع گردید حب مقل مقل ازرق آمله منقی پوست هلیله زرد هلیله سیاه

تخم کنند تا مقل بود در آب کنند تا حل ساخته ادویه کوفته بیخته داخل نموده حب

ببندند یکعدد از آن شب وقت خواب با آب گرم فرو برند حب [illegible] که درد و وجع با [illegible]

بادی [illegible] از معده تا زیر ناف عارض شده اول بادیان [illegible] صعتر فارسی

برگ [illegible] مقل ازرق [illegible] عرق عنب الثعلب عرق [illegible] جوشانیده با اضافه معجون

مجرب

کمونه داده شد از زیر پنج دست با نبراز کثیر و بلاغم لزجه خارج شد نزد بعد ~~بین~~
~~شوف باستعمال~~ کمال ... نمک سیاه ۵ بادیان شیره برآورده داده شد بعد ازین شوف
باستعمال در آمد بادیان زنجبیل هلیله سیاه بریان مقل ازرق با شیره بادیان کوفته ازین نسخه
کمال انتفاع شد بادیان قرطم نانخواه زنیسون صعتر فارسی برگ سداب مقل ازرق
در عرق بادیان عرق ... النعلب جوشانیده تخم ریحان با شیره ... نوشیده از زیر ورد
زیر ناف و آمدن اردن دفع شده بود حب مقل که بالا مذکور شد مستعمل
شد ۱۱ تکمید برای اوجاع ریحی باسوریه مجرب بادیان زیره سیاه زنیسون ...
تخم کرفس صعتر فارسی برگ سداب فنجنکشت رومی مقل ازرق حلتیت
نمک سیاه کوفته در صره بسته تکمید نمایند ۱۲ روغن جهت وجع ریحی و وجع مفاصل زیاده
یک پندشت هر گز در محلهای نجنه و در باغ های سبز منبت و برگ آن ... مصبر
بنگ ... قدری روغن گرم کرده در آن عرق و دیر اد در اصل ...
خوب ... نمود ... گرم مالند و در آفتاب قدری نشینند ان شاء الله تعالی
رفع خواهد شد ۱۳ رفع اسهال مجرب با قدری اردن ... که بطفل چهار ساله
عارض شده بود ... استعمال مربه و تخم ریحان و چار تخم ازین نسخه
منتفع گردیده ... تخم ریحان بریان دم الاخوین ... بهات

گل نار فارسی بریان باب سماق ساییده کشنیز برادرده شربت حب الآس داخل کرده بخورند

جهت وجع مفاصل و عرق النسا و نقرس و درد پشت از قرابادین ذکاء الله خان

معتمد و مفید پوست هلیله زرد فلفل کباده دار فلفل زنجبیل قاقله دارچینی

پوست بلیله شیطرج هندی زراوند مدحرج قلقل مصری اسارون سورنجان شیرین

مغز چلغوزه مغز فندق بادام بسباسه مویز منقی شهد خالص با قند بقوام

آورده مرتب سازند ورق چوب چینی برابر همه سوای شهد گاو اضافه کرده

میشود قدر شربت از یک مثقال تا دو مثقال اگر وجع مفاصل از ماده

آن تک باشد بمقدار مذکور چوب چینی اضافه نمایند باقی برای طبیب است

جهت بیخشی که با درد سر بود تخم خطمی بکوبند تخم خبازی بکوبند از آنجمله

عنب الثعلب تر کرده مالیده صاف نموده روغن بادام داخل نموده با اضافه تخم کاهو

باشیره نموده و برای تشنگی عرق عنب الثعلب از سیر و کوار لاحقه مخفف

شده جهت زحیر صفراوی که به پیر عارض شده بود زیره بریان زیره

خطمی مسحوق گل ارمنی طباشیر بتمامی با ربع شربت انار شیرین

سرشته بلعند عقب آن حب الآس بریان تخم حماض بریان سماق منقی بریان

بهدانه بریان انار دانه بریان باب سماق ساییده بر آورده شربت حب الآس

والله اعلم

ضماد جهت بواسیر

مسکن وجع ورم صفت آن [illegible] اکلیل الملک [illegible] زعفران [illegible] مقل [illegible]

[illegible]

حبس دم بواسیر

داخل نموده تخم ریحان بارتنگ بریان با شیلی بورق طلا و ورق نقره سرشته
بخورند جهت زحیر صفراوی سفوف طین برو عنکل حب ساخته بخورند
عقب آن لعاب اسپغول برآورده شربت انار شیرین داخل کرده بنوشند
اسپغول نیم بریان نیم خام طباشیر بیشتر صمغ داخل کرده بخورند عقب آن
عرق گاوزبان شربت انار شیرین بنوشند شیلی تخم ریحان بریان
گل ارمنی تخم حماض بریان تخم بارتنگ بریان شربت انار شیرین
بنوشند بارتنگ اسپغول یک جوشانیده روغن بادام داخل کرده بنوشند
تخم ریحان بریان شربت انار شیرین سرشته با آب تازه فرو برند ۱۲
جهت حبس دم بواسیری گل خراطین نقد منضج و جمع مفاصل که تا بالا رسیده
که ببادان [illegible] حادث شده بود تدابیر کثیره و دادن منضج حب شبنغ بواسیر
قلیل و یک مسهل حب شبنغ از دو حب و موقوف کردن بسبب ضعف و نقاهت
این منضج داده شد بادیان عنب الثعلب هیچ بادیان سورنجان شیرین بکوبند
مویز منقی عنقود ریوند [illegible] بکوبند ابریشم نکوب گاوزبان [illegible] هیچ گل [illegible] بکوبند
گلقند [illegible] هیچ [illegible] بکوب چون [illegible] بود [illegible] منضج [illegible] مسهل
داده شد شربت ورد مکرر [illegible] ترنجبین شیرخشت بادام [illegible] عنب الثعلب

عرق گاوزبان حل کرده بنوشند ۲۰ جهت [illegible] دست با بلغم و صفرا خارج شده بود

شربت بید گاوزبان سوری ریحان شربت بزوری در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان شربت را داده

شربت بنفشه بزوری [illegible] شربت نیلوفر و اصل السوس تخم کشنیز جو مانند بنوشند

جهت زحیر که بعد مسهل حب ایارج پیدا شده و دستها می آید معلوم شد

که این سفوف شحم حنظل بود نسخه اول کتیرا بکوبند در آب [illegible] نبات

زعفران سوده با نشاسته بنوشند روز دوم بسبب شدت وجع این مجرب

داده شد خطمی بکوبند خبازی بکوبند در لعاب آب بجوشانند نصف بماند

صاف نموده کتیرا سوده با نشاسته بنوشند از این تدبیر منتفع شده جهت

زحیر که بعد خوردن حب جالینوس با هلیله زرد [illegible] عارض شده بود و از استعمال

کتیرا و زعفران [illegible] که معمول است منتفع نشده از این نسخه منتفع شدند

تخم ریحان بریان مسحوق بارتنگ بریان مسحوق گل ارمنی کهربا صمغی

صمغ عربی بارتنگ بکوبند تا آب تازه [illegible] خطمی بکوبند خبازی بکوبند [illegible]

در آب بپزند تا مهرا شود [illegible] نمایند جهت [illegible]

که با هلیله زرد بعد مسهل حب جالینوس عارض شده در دستها [illegible]

خارج میشد زرشک بیدانه در عرق عنب الثعلب گلاب [illegible] آب انار شیرین

رب به و داخل مغز تخم ریحان بریان کرده ورق طلا سرشته کحل ارمنی سعد

زهر مهره حماض سحق شده ملک کرده بنوشند ایضاً کتیرا [illegible] قند و رب [illegible] کرده

آب انار زهر مهره شربت انار شیرین رب به زهر مهره حماض زعفران سعد

داخل مغز تخم ریحان به ورق طلا سرشته بخورند جهت عرق النسا

که درد جانب یسار زیاده بود بعضی زانو بعد درد جمع و نخس میشد

اول فصد باسلیق جانب موافق کرده شد بعد از آن عناب بادیان تخم خطمی

کاسنی تخم ریحان و رازیانه عنب الثعلب بجوشانند نصف باند [illegible] مغز [illegible] شربت

بزوری معتدل داخل مغز بنوشند بعد فصد عرق النسا و بعد از آن تخم

[illegible] کاسنی عنب الثعلب اضافه نموده شد بعد تخم خربوزه [illegible] تخم خیارین

مویز منقی پوست بیخ کبر ایرسا [illegible] قنطوریون دقیق شربت بنفشه

اضافه نموده شد در نخس تخفیف شده و درد که هر وقت می ماند در آن [illegible]

تخفیف شد بعد از اضافات مثل قنطوریون و ایرسا [illegible] حقنه

بود جهت اسهال زحیر [illegible] اکثر از [illegible] خارج میشد و اسهال بافراط

بود بنابر چندی رعایت زحیر از [illegible] کامل منتفع شد [illegible]

عوارض لاحقه بالکل زایل شد شد تخم ریحان بریان پوست [illegible] سنگدانه مرغ

و ایشان سهیل بریان نموده شربت انار شیرین و مغز تخم [illegible] صعب الدکی بسرشته تا آب

تازه فرو برند روغن برای درد مفاصل که بسبب [illegible] باشد مجرب است

ورق چوب چینی سداب قصب الذریره اشنه سنبل الطیب

سانفج هندی مرزنجوش زراوند طویل عاقرقرحا قسط تلخ بوزیدان

سورنجان تلخ ادویه شکوفه دو شبانه روز در آب سداب برگ حنا

روغن کنجد سیاه روغن گل روغن بابونه بجوشانند تا آب برود و روغن

بماند نگاه دارند وقت حاجت در امراض متفرقه نسخه حکیم علی گیلانی نسخه روغن دیودار

جهت رویدن گوشت بر جراحت بی بدیل اگر بموضع زخم بیش

از شکوفیدن بریزند از زرد چرک و صدید و تغیر رنگ باشد و اگر زخم

زیاده باشد پنبه تر کرده بران بندند و چند مثل [illegible] زود احتیاج بجراحت

ندارد دیودار [illegible] یک قند دخان سقف خانه که دران بخور بریان

میشوند و در نسخه دیگر زرد چوب پنج مثقال افزوده است همه بکوفته با صد

مثقال روغن کنجد و سه رطل آب بجوشانند تا نصف بماند و جهت اوجاع

مفاصل فی الحال پنج مثقال جندبیدستر و پانزده مثقال شنجار افزاید

و جهت جدری که بسیار برآمده بجراحات و قروح انجامد و متعفن گردد

فدار کافور و [illegible]

قدری کافور آمیخته استعمال نمایند و برای ضربه و سقطه نیز مالیدن انفع است

و عمل این روغن در جسم و ضربه و سقطه حدیث حکم کیمیا و برای ضربه هم نافع است

لیکن استعمال چند روز لازم است برای قدیم ۱۲ جوارش جهت تقویت قلب

و دفع حرارت آن مروارید ناسفته بسد تخم کدو شیرین [illegible] کهربای شمعی

تخم کاهو بهمن سرخ بهمن سفید گشنیز خشک صندل سفید صندل سرخ

ابریشم خام مقرض طباشیر کبود زرشک بیدانه گل گاوزبان گل مختوم

زهر مهره خطائی گل داغستانی ورق نقره ورق طلا قند سفید به دستور

معقوم سازند ۱۲ حب زرد نافع امراض معده و جگر و سپرز و هاضم

مجرب مولف زنجبیل فلفل سیاه دار فلفل تنکار [illegible] زردچوب

جواکهار نمک سیاه مغز تخم کرنجوا لوطه سجی جدا جدا کوفته بآب [illegible]

حب بقدر کنار دشتی بندند شربت یک یا دو حب ۱۲ حب [illegible]

هاضم و مشهی و دافع ریاح و رطوبات از معده مجرب است زنجبیل فلفل سیاه

دار فلفل قرنفل نمک لاهوری نمک سیاه املبیت جواکهار لوطه سجی

زیره سیاه دانه الاچی سفید گندک املسار [illegible] در [illegible]

در شیر اندازند تا هفت مرتبه کنند کوفته بیخته در عرق لیمو حب بار کرده

[illegible]

چهار ماشه کهرل نمایند و چهار ماشه عرق کهیکوار کهرل نمایند حب بقدر
کنار درشته بندند و اگر در عرق کنند یک کهرل نمایند اقوی و اعلی کیمرده در
صورت احتیاج کهرل در عرق کهیکوار نمایند فقط ۱۲ طلا دنا نافع
برص مجرب المجربین سیم انفار یا زیاده بقدر وسعت داغ سفید در آب
لیموکاغذی با چوب صندل سفید بسایند و سه روز صبح و شام طلا
نمایند ۱۲ حب نادر النفع که فواید بسیار دارد در امراض معده و برای هضم
عجیب است زیره سیاه سنبل الطیب سعد کوفی پوست بیرون پسته
قرنفل دارچینی اکلیل منق پوست هلیله کابلی فلفل گرد نمک سیاه
نمک لاهوری جوکهار لیموکاغذی سرکه انگوری و الا همین دو توله
بوده مویز خشک انگوزه خالص کوفتنی کوفته بیخته بهم آمیخته بقدر کنار
حب بندند خوراک یک حب ۱۲ عرق هاضم و محلل طعام و مشتهی خوب است
عرق ادرک عرق لیمو عرق کهیکوار شهد خالص مساوی گرفته در شیشه
کرده یکهفته در آفتاب دارند بعد یک پیاله قهوه خوری بخورند و
بعضی بجای عرق لیمو آب جغرات اندازند و قدری دارچینی افزایند
و از عرق اینجا مراد آب است که از دست فشرده برآرند ۱۲ طلا مجرب

فادنی

خارش صفراوی و سوداوی تخم خشخاش برگ اسفاناخ هر دو بیدرو
بروغن گل و سرکه خمیر کنند و یکپاس یا زیاده بگذارند بعده وقت شام
طلا نمایند و صبح اگر ماده سودا باشد باب گرم غسل نمایند و اگر صفرا باشد
باب سرد و اگر هیجان صفرا بمرتبه تمام باشد برگ ... برگ حنا افزایند
طلاء مجرب مولف جهت حکه گوگرد حنا سیماب کشته شنجرف هندی فلفل سیاه
روغن هر دو به بطریق معهود با یکدیگر آمیزند و شب بمالند و صبح در حمام روند
و سبوس و سرکه و آب گرم بدن را بشویند ۱۲ حب منسوب بحکیم جعفر جهت
و نفخ خصیة الثعلب ... گرفته کوفته بیخته در شربت سیب
بقدر چار مغز حب بندند هر ... شیر تازه گاو تناول نمایند انفع التدابیر است
ضماد جهت امراض چشم پاره مایل شیر شیر برمال افیون بشکل ...
زنجبیل گچار پوست هلیله ... باریک کوفته ... در کرباسی ... آهنی انداخته
از دسته آهنی سحق ... در آب کوکنار سحق بلیغ نمایند قدری در آب کوکنار
سعد ... چشم طلا نمایند جهت خارش آبریدن و خشک پاره ...
... در ... بسیار ... بربالت فلفل سیاه
کوفته بیخته بروغن زرد یکصد بکمرتبه ... در ... بلیغ نمایند

بفضل تعالی رفع خواهد شد ۱۲ **مقوی قلب و دماغ و دافع صعود الجره** ازمرجان

هلیله مربا در عرق کیوره مهر ابریشم ساخته شیره برآورده با قند سفید عسل خالص بقوام

آورده بهمن سفید بهمن سرخ پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست بلیله

گل سرخ گل گاوزبان پوست بیرون پسته کشنیز خشک زینب شتر صندل سفید

کهربای شمعی کوفته بیخته سرشته ورق نقره داخل کرده در کفچه زنند که یکذات شعقه ۱۲

جهت خفقان بارد و مقوی قلب مویز منقی الجبیر زرد بادرنجبویه اسطوخودوس

سنبل الطیب اذخر ابریشم گل گاوزبان افتیمون صبر بسته ابریسون

شب در عرق بادرنجبویه عرق گاوزبان تر کرده صبح بجوشانند نصف ماند صاف نموده

قند سفید عسل خالص بقوام آورده بهمن سرخ بهمن سفید مصطکی رومی دارچینی زرنباد

درونج عقربی الشنه بسفایج فستق ابریشم خام مقرض دانه هیل عود مصری

ساذج هندی مغز حب الزلم مغز بادام شیرین مغز چلغوزه مغز پسته مغز فندق

مغز گردگان مشک خالص زعفران کوفته بیخته بطریق معروف مربی سازند ۱۲

ربگشا انذیگ بادرنجبویه گل گاوزبان دارچینی برگ فرنجمشک قرنفل درونج اقربی

زرنباد نکوفته عود خام مصطکی رومی قند سفید در عرق بادرنجبویه بجوشانند نصف

بماند صاف نموده باضافه مشک خالص عنبر اشهب زعفران شربت بادرنجبویه

گوئند نسخه ... معجون ... تا ۲ درم

سرشته بخورند جهت ضعف که بسبب آن اعضا سکنی و حرارت محسوس

میشد و در بول قدری منی خارج میشد دواء المسک با جبت ملوکی قند سفید

مسحوق شده سرشته بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق کیوره

شربت بزوری معتدل داخل شده تناول نمایند ۱۲ جهت وجعی که از قلب

پیدا میشد تا بلکه میسر نشد بادیان اصل السوس مغز قرطم بکوبند و با نیم آثار آب

بجوشانند نصف باشد شربت بزوری معتدل داخل کرده چند از جهای مسحوق اخلاط

ممزوج کرده بخورند برای اهلیه میر صاحب که ضعف قلب و زردی چشم داشتند و بعد غذا سبب

صعود بخره حرارت پیدا میشد اول این نسخه داده شد دواء المسک معتدل

بورق نقره سرشته بخورند عقب آن شیره عناب و عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب

بر آورده شربت انار شیرین داخل کرده داده شد بعدا باضافه شربت سیب

و شیره کاهو و شیره کشنیز خشک بعد فصد اسلیم جانب یسار کرده شد

بعد این نسخه داده شد دواء المسک معتدل نوشدارو ساده جلاب شیر گاو

... بورق نقره سرشته بخورند عقب آن شیره کشنیز خشک شیره کاهو

نوشدارو ساده شربت نیلوفر عرق گاوزبان عرق بید ساده عرق عنب الثعلب

داده شد ۱۲ جهت نواب دلاور جنگ که بعد هیضه تشنج و کزاز و کشادگی

درج قلب

ضعف قلب

کله عارض گردیدا هر این نوشیدن ماء العسل و استفراغ بنرازان کرده بشد

نارجیل کهنه چرونجی سورنجان تلخ عاقرقرحا بسیر بهوتی فلفل سیاه نارجیل

دریاری مسحوق دارچینی زنجبیل تخم جلبه تخم کتان مغز بنبه دانه تخم شبت

قرنفل [illegible] باریک سوده بوطلی بسته گماد نمایند و نقل [illegible] گیر

بسته [illegible] گرم بهر بند بند ابضا گند لک بابونه اکلیل الملک تخم خطمی برگ شبت

تخم شبت برگ سنبهالو تخم کتان تخم جلبه جوش بنده بهیپاره بکنند

نارجیل کهنه عاقرقرحا مغز بنبه دانه دارچینی زنجبیل بیر بهوتی تخم جلبه

تخم کتان تخم شبت جوش بنده بهیپاره بکنند ۱۲ افسنتین زیره سیاه

مصطگی رومی عود خام بکوبند در دوا آب بجوش نند نصف باند [illegible]

دود دام [illegible] دودو [illegible] نوشند ۱۲ برگ آرنڈ برگ سنبهالو بروغن بابونه

[illegible] کرده بر کله به بندند ۱۲ [illegible] [illegible] ان زعفران [illegible]

انجیر زرد [illegible] عود صلیب تخم کتان [illegible] اکلیل الملک [illegible]

فلفل سیاه فلفل دراز مغز بادام مغز چلغوزه گرفته بپخته بعسل خالص سرشته

بقدر حاجت بلیسند نفعد جهت رعشه که [illegible] عارض شده

بعد از رعشه [illegible] جهت [illegible] و شمول [illegible] از دماغ بلغم

معده آمده است دواء المسک معتدل با گلقند افتیمون سرشته بخورند عقب آن
بادرنجبویه در عرق بادرنجبویه بجوشانند صاف نموده شربت بادرنجبویه
داخل کرده بنوشند جهت خفقان سوداوی که بعورت عارض شود دواء المسک
معتدل مسک زعفران سعد سرشته بخورند عقب آن شربت تودری
در عرق گاوزبان ... براورده شربت انار سرشته داخل کرده تخم ...
بالنگو بنوشند جهت تقویت قلب نواب صاحب که بنابت منتفع شدند دواء المسک
معتدل نوشدارو ساده ورق طلا عنبر اشهب مسک خالص زعفران سعد
سرشته بخورند عقب آن عرق گاوزبان عرق کیوره گلاب شربت انار شیرین
ممزوج کرده بنوشند جهت شخصی که از سعال خفیف بطرف قلب وجعی محسوس
میشد ازین نسخه خفیف بالکلیه گشت انجیر زرد مغز بادام زوفا خشک رب السوس
آرد باقلا صمغ عربی کتیرا شربت حب الآس سرشته بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب
بنوشند ایضاً برای سعال مبارک محمد ... وجع حوالی قلب شده بنوشند انجیر زرد مغز بادام مقشر
فلفل سیاه رب السوس صمغ عربی زوفا خشک با زنگ کوفته بعسل خالص سرشته
با آب نیم گرم فرو برند جهت ... و وجع قلب که بشنج عارض گردید بعد مسهل
یکروز و عمر شان قریب هفتاد سال بود اول فصد باسلیق قلبی کرده شد

وجع دل

وبعد از ان عناب ... گاوزبان اصل السوس مقشر نکوبیده چون شاید سپستان

دانه کرده وداده شد از صبح آخر تخفیف شد بعد دواء المسک معتدل زعفران

فلفل سیاه سعد سرشتر بخورانند بعقب آن اسطوخودوس گندم گاوزبان صعتر فارسی در عرق

گاوزبان عرق ... بجوشانند نصف باند صاف ساخته جدوار خطائی مسحوق

شربت ... معتدل داخل کرده بنوشند و از بسیاری تشنگی بغیر سوبه نمک شور رقیقه نیم

کرده و در دیگچه کرده بر آتش گذارند و وقتیکه آب بگذارد و پخته شود در بوطلی

بسته تکمید ... رطب کرده شد از صبح بسیار تخفیف شد بهر دو جانب

استراحت کرده و تمام شب بآرام خفت والله اعلم بالصواب ۱۳

شربت صندل(?) برای برودت دماغ و قلب برگ تنبول بنگله کوفته

در آب باران عرق بادرنجبویه جوشانند تا نصف آید عسل سفید بقوام آورده

مغز بسباسه قرنفل دار فلفل عود قماری سنبل الطیب زعفران مشک خالص

کوفته بیخته بیامیزند الصاً لندگ(?) دارچینی سنبل الطیب اسطوخودوس

مرزنجوش مصطکی رومی جوز بویا بسباسه فلفل گرد دار فلفل خمار

قرنفل کوفته بیخته در خرقه بسته در سه اثار آب باران عرق بادرنجبویه بجوشانند

نصف باند صاف نموده عسل سفید بقوام آورده خولنجان فلفل سفید زنجبیل

مزاج لعم

مشک خالص زعفران سعد بیا میزند و در نصف آن عنبر اشهب با نبات

سعد بیا میزند یکی شربت مشک و یکی شربت عنبر خواهد شد ۱۲ ایضاً برای مدد

آب برگ عنب الثعلب سبز مروق آب برگ بادرنجبویه عرق شیره بادیان شربت بزوری معتدل

گلاب داخل کرده با اضافه گلقند آفتابی بنوشند ۱۲ جهت تقویت دماغ و دافع برودت

و مقوی باه هم میان بنارسی و ملازم اخس طرایف گرحتی در جوشت بجوار استعمال

این زایل گردیده و تقویت باه نیز شد مغز پسته مغز بادام مغز نارجیل تازه مغز

فندق مغز حبة الخضراء مغز چلغوزه ابریشم مقرض اوخرمای بادر بجوی عسل تاقی

پوست هلیله کابلی دارچینی کشنیز علوزید خولنجان بار مشک مصطکی رومی

کوفته بیخته عسل سفید قند سفید بقوام آورده در علتین قوام عنبر اشهب

بگذارند تا کداخته شود مغز بید مشک خالص زعفران سعد بیا میزند و ورق نقره

ورق طلا داخل کرده مرتب سازند ۱۲ برای زکام نزله و قطع یرقان بادیان سه بادان

عنب الثعلب مغز بیخ قرطم نیلوفر گلقند آفتابی عرق بادیان عرق عنب الثعلب

بجوشانند نصف بماند صاف نموده شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ۱۲ جهت

خفقان حار سوداوی دواء المسک معتدل ورق نقره سرشته بخورند بعقب آن

بادرنجبویه عرق گاوزبان شربت انار شیرین داخل کرده بنوشند جهت دوار

اگر ذبول معده باشد مویز منقی آلوی سفید نبات ناب سائیده منبر بر آورده
میخورده باشند ۱۲ جهت خفقان بعد فصد الباسلیق جانب قلب چوب صندل بخورانند عقب آن
الرنجاسه گل بنفشه مکوه بنوفر عرق گاوزبان ترکرده مالیده صاف نموده شربت
بزوری بیخ سیر چهار بیخ و الاینتی داخل نموده بنوشند ۱۲ جهت قلب ضعیف
و دماغ از شنجه عارض گردیده از این نسخه تخفیف شد دوا المسک معتدل ورق نقره
سه ماشه بخورند عقب آن شیر ماده گاو گلاب نبات ممزوج کرده بنوشند
و شیر ماده گاو هر روز یک دام اضافه کرده شد تا نیم آثار از این در دماغ
ترطیب و تقویت حاصل گردیده ۱۲ تکمید برای ضعف الباه بقوه بارچیل کهنه
بیر بهوتی عاقرقرحا تخم سنکبیده قرنفل فلفل سیاه دارچینی جوز بویا
باریک سوده در صره بسته تکمید نمایند نافع باه ۱۲ معجون فلفل سیخ برای برودت
دماغ و برای امراض بلغمیه مستعمل است زنجبیل فلفل دراز عاقرقرحا
طباشیر کوفته بیخته با آنکه برابر عسل خالص بقوام آورده مرتب سازند ۱۲ ایضاً
آمله منقی عود خام زنجبیل پوست زرد ترنج بادیان فلفل سیاه خولنجان مصطکی
پوست سنکدانه مرغ زیره سیاه زرنب طالیسفر بادرنجبویه فلفل دراز بهمن سرخ
پوست جوز بویا بسباسه پوست بیرون پسته قرنفه کندر کهربا شمع کشنیز خشک

مشک خالص زعفران قند سفید عسل خالص بقوام آورده مربا سازند ۱۲
منضج دماغ بادیان بادرنجبویه گاوزبان برگ خرفه خشک مویز منقی اصل السوس مقشر
عناب انجیر زرد زوفا خشک پرسیاوشان بسفایج فستق مغز بادام اسطوخودوس
گل بنفشه تخم خطمی تخم خبازی نبات یا گلقند آفتابی هر روز اضافه افزاید
تا ۶ هر توان نمود ۱۲ جهت تقویت دماغ و قلب و مانع صعود ابخره از معده
مفید افتاد هلیله مربا آمله مربا در عرق کیوره مهرا بطبخ ساخته بعد بهمن سفید
بهمن سرخ پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست بلیله
گل سرخ گل گاوزبان پوست بیرون پسته کشنیز خشک کهربا صندل سفید
کهربا شمعی کوفته بیخته سرشته ورق نقره داخل معجون کشنیز زنند که بغدادت نمود ۱۲
شربت جهت خفقان گاوزبان گل گاوزبان کشنیز خشک ابریشم مقرض بهمن سفید
تخم بالنگو صندل سفید تخم خرفه خشک عنبر اشهب سوای عنبر در یک آثار آب
نیم آثار گردد صبح بجوشانند سیوم حصه بماند صاف نموده با نبات عسل سفید
بقوام آورده در آخر قوام عنبر اشهب انداز زنند تا که آخر شود بعد ورق طلا
ورق نقره خوب حل نماید و نگاه دارند ۱۲ جهت نوازل بارد و صداع بارد اطریفل
صغیر با ایارج فیقرا سرشته وقت خواب با آب گرم و گاه با اسطوخودوس
سحر بخورند ۱۲ جهت خفقان بارد و لاینی بیگم صاحبه دوا المسک معتدل

عود غرقی سعد عنبر اشهب مصطکی ورق نقره ورق طلا سرشته بخورانند عقب آن
زعفران الطیب بکوفته در عرق بادرنجبویه عرق گاوزبان بجوشانند نصف بماند
صاف نموده شربت بادرنجبویه داخل کرده بنوشند ۱۲ جهت قرانیطس خواه دموی
خواه صفراوی گل بنفشه گل نیلوفر تخم کاهو عناب آلو بالو در عرق عنب الثعلب
عرق گاوزبان تر کرده مالیده صاف نموده شیره خیارین شیره مغز تخم کدو شیرین
شربت بنفشه داخل کرده تخم خرفه خاکشی پاشیده بنوشند ۱۲ مسهل بلغم
عناب گل بنفشه گل نیلوفر آلو کاهو تخم کاسنی بکوفته گاوزبان در عرق گاوزبان
ورق عنب الثعلب تر کرده مالیده صاف نموده مغز فلوس شیر خشت ترنجبین حل ساخته
شربت بنفشه داخل کرده روغن بادام شیرین شیره مغز تخم کدو شیره داخل کرده بنوشند
مسهل دماغ برای شخصی که در دماغ برودت بود بادیان بادرنجبویه گاوزبان
برگ ... اسطوخودوس پوست بیخ کبر بکوفته بسفایج فستقی اصل السوس
برسیاوشان زنجبیل زرد ... تخم کشوث صبر لبنه قنطوریون دقیق
زبیب ... عناب برگ سنا مکی گل بنفشه گلقند عسلی در عرق
بادیان عرق بادرنجبویه شب تر کرده صبح بجوشانند نصف بماند صاف نموده
مغز فلوس ترنجبین شیرخشت خراسانی حل کرده باز صاف نموده روغن بادام شیرین داخل کرده
نیم گرم بنوشند شب اطریفل صغیر با ایارج فیقرا سرشته همراه عرق

مجرب

عرق بادرنجبویه شیر گرم خورده بخوابانند و در مسهل دوم اطریفل معه ایارج و
اسطوخودوس و افتیمون و ابریسام و افسنتین رومی و تخم کشوث و بیخ کبر
بسبب شدت حرارت و برآمدن بثور ریشه بر رخسارها موقوف کرده شد
و تمر هندی و آلو بخارا را اضافه کرده تبرید داده شد خطمی در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه
جوش نیده شربت بنفشه شربت بادرنجبویه را حل کرده داده شد برای تنقیه
دیگر بادیان بادرنجبویه گاوزبان گل گاوزبان برگ فرنجمشک پوست بیخ کبر مکوب
اسطوخودوس بسفایج مقشر مکوفته اصل السوس مکوفته زنجبیل زرد مویز منقی قنطوریون
دقیق مکوب عناب ابریسام مکوفته شب در نیم آثار آب تر کرده صبح بجوشانند
نصف بماند صاف نموده شربت بادرنجبویه را حل کرده بنوشند ۱۱ جهت رعشه سر و تمام
بدن و ضعف و نقاهت که بشخصی عارض بود دواء المسک بورق نقره
سرشته بخورند عقب آن شیره بادآورد در عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه برآورده
شربت گاوزبان را حل کرده بنوشند ۱۱ جهت فالج و کزاز معمول قدیم اول افتیمون
زیره سیاه نانخواه تخم کرفس گلقند عسلی در عرق بادیان عرق بادرنجبویه جوش نیده
بنوشند ۱۱ مسهل جهت سرسام بعد سوء هضم عارض شده روز دهم الی بخارا
تمر هندی عنب الثعلب مویز منقی بادیان تخم کاسنی مکوفته شاهتره گلقند آفتابی

تبرید

در عرق عنب الثعلب عرق بادیان عرق کاسنی شب ترکرده صبح بجوشانند نصف
بماند صاف نموده مغز فلوس تمر هندی ترنجبین حل کرده خیار شنبر بادام آب برگ
عنب الثعلب سبز مروق آب برگ کاسنی سبز مروق آب برگ تربسبز مروق داخل کرده
یکمک طعام نموده سرد دارو نموده بنوشند باقی ادویه مسهل به دستور فقط جهت
ضعف بصر که بادی حرارت دماغ بود و بواسیر هردو و ضعف معده
ظهور رسیده بود از ترتیب نموده شد فقط پوست هلیله زرد پوست بلیله پوست
هلیله کابلی هلیله سیاه گل بنفشه گل گاوزبان مویز منقی سنای مکی شب در آب
ترکرده صبح بجوشانند نصف بماند صاف نموده بعد از آن آمله مربا شیره بلیله مربا
برآورده شیره آمله عسل هلیله قند سفید شربت بنفشه بقوام آورده
بعد گشنیز خشک آمله منقی گل گاوزبان طباشیر عود غرقی مصطکی رومی
ریختن جوارش داخل کرده بخورند قدر شربت در اوایل از سکه یک تا پنج ماشه
قدر شربت کامل ده ماشه برای بواسیر بادی و گاه خونی هم مفید است حریره برای تقویت
دماغ ادرک قند سیاه در آب جوشانیده حریره کرده بنوشند ایضاً جهت تقویت
کلونجی مفید بر ورث دماغ است فقط منضج جهت تنقیه کله بسبب انصباب
ماده دماغی بود و ماده بلغم مشمول سودا تقرر یافته بود در نجد بر اسطوخودوس

گاوزبان

جهت ... نقرس ... مسهل ...
زنجبیل ... خیار ... خشک ... سی چون غلیظ ... سنبل الطیب ... مصطکی

منضج جهت تنقیه دماغ که در جانب پائین کله

كما في بيان انجير زرد مويز منقى برسياوشان اصل السوس مكوفته كلقند عسلى
در يكم آب و آب بجوشانند نصف بماند صاف نموده شيرخشت نوشند ايضاً جهت صرع كه بسبب كثرت
معمول جهت صبيه امام خان بعد مسهلات ثلاثه قبض شده و يبست آن تشنج
اطراف دست و پا لاحق شده و حالت صرعى نيز عارض شده و اين نسخه مفيد افتاد
مويز منقى كلقند عسلى كلقند آفتابى در عرق عنب الثعلب عرق باديان ماليده [illegible]
عود صليب هليله مربا شيره برآورده شربت اسطوخودوس شربت بزورى معتدل
داخل كرده شير گرم نموده بنوشند ايضاً للصرع الشركى العارض بشمول معمول من
المعمول اطريفل صغير ايارج فيقرا عود صليب كوفته بيخته بخورند و بخواب
روند عقب آن مويز منقى گلقند آفتابى در عرق بادرنجبويه بجوشانند
نصف باقى ماند صاف نموده جدوار خطائى شربت اسطوخودوس شربت بزورى معتدل
داخل كرده شير گرم بنوشند ايضاً لذلك هليله مربا شسته با گلقند عسلى سرشته
بخورند عقب آن جدوار خطائى شيره عود صليب شيره اسطوخودوس
در عرق بادرنجبويه عرق باديان عرق بيدمشك برآورده شربت اسطوخودوس
شربت افتيمون داخل كرده بنوشند ايضاً در فالج و لقوه تا روز پنجم ماء العسل
روز پنجم [illegible] زيره سياه نانخواه مويز منقى تخم كرفس گلقند عسلى

جهت صرع مجربست [illegible]

صرع

[illegible] در بيان [illegible] صرع [illegible]

صرع

جهت صرع كودكى [illegible] و ام الصبيان [illegible] مجربست

[illegible] عود صليب [illegible] ماليده صاف نموده [illegible]

در عرق بادیان عرق بادرنجبویه جوشانیده صاف نموده ملوکشند

بادرنجبویه پوست بیخ بادیان پرسیاوشان مویز منقی و وقت شدت

خشکی دماغ و بره بینی و خفقان و بن داده شد گاوزبان بادرنجبویه

گل گاوزبان برگ تخم خشک و عرق گاوزبان برای نوشیدن و مسهل

دوازدهم یا شانزدهم روز ۱۲ معجون زبیب مقوی دماغ و مفید

امراض دماغی پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه

آمله منقی عود صلیب کوفته بیخته مویز بیخ تخم بیرون کرده بدستور

مرتب سازند شربت پنج درم ۱۲ حریره جهت لقوه و فالج زنجبیل حب القطن

کوفته جوشانیده قند سیاه داخل کرده حریره کرده بدهند ۱۲ مغز حب القطن

روغن بید انجیر زنجبیل فلفل سیاه در سه انار آب بجوشانند و به پیاره بگیرند

بسیار تحقیق شده ۱۲ جهت استرخا که در پا عارض شده از بیخ منتفع

گردیده و نیستون زیره سیاه تخم کرفس نانخواه ایرسا نکوفته گاوزبان

اسطوخودوس بادرنجبویه مرزنجوش مویز منقی انجیر زرد پوست بیخ کبر نکوفته

عود صلیب نکوفته سورنجان شیرین نکوفته گلقند عسل در عرق بادیان

عرق بادرنجبویه بجوشانند نصف بماند صاف نموده شربت بادرنجبویه داخل کرده

بنوشند

معجون جهت بیماری که جناب مرحوم ترتیب داده بودند نافع است ۱۲

ببوئیسند ۱۲ جهت تنقیه دماغ ایارج فیقرا برگ سنا مکی گل بنفشه
سقمونیا مشوی غاریقون هو بیئنه بیخ کرده مثیرا رب السوس پوست بلیله زرد
پوست بلیله کابلی روغن بادام چرب ساخته با مغز فلوس سرشته حبوب
سازند قدر سرست ده بستا ۷ است وقت خواب با بکرم فرو برند ۱۲
تکمید جهت تشنج و درد کله برای نواب دلاور جنگ نارجیل کهنه نارجیل دریائی
مسحوق سورنجان تلخ جدوار کهنه عاقرقرحا بیخ بهمن سفید فلفل سیاه
دار چینی زنجبیل تخم کتان تخم حلبه مغز بنبه دانه تخم شبت قرنفل جوز بوا
بسیار نرم با ریگ گرم گرفته پوتلی بسته تکمید نمایند و تفل انرا سائیده تکیه
بسته نیم گرم بر کله بندند ۱۲ جهت روغن تشنج گردن و تعطل دیگر اعضا
مجرب آب برگ شبت آب برگ حلبه آب برگ ارنڈ جو کیا آب برگ سنجنه
آب برگ بابونه روغن بید انجیر روغن بابونه بیخ بہوٹے عاقرقرحا ممزوج
نموده بجوشانند تا آب برود و روغن بماند نگاه دارند قدری ازان
نیم گرم نموده مالش نمایند ۱۲ ابھگا بزرگ بابونه افسنتین برگ اردسه
برگ سنبهالو مرزنجوش اسطوخودوس خاکشی جوشانیده بہبپاره
نکیر بند ۱۲ ابھگا برای تشنج جمیع بدن و گردن بادیان انجیر زرد مویز منقی

مرزنجوش بادرنجبویه برگ فرنجمشک ابریسم نا کوفته برسیاوشان گلقند
درعرق بادیان عرق بادرنجبویه بجوشانند نصف بماند صاف نموده شربت
بادرنجبویه و افلاطون بنوشند ایضاً لذلک مرزنجوش اسطوخودوس
برگ فرنجمشک انجیر زرد مویز منقی بادیان گلقند عسلی درعرق بادیان
عرق ... بجوشانند نصف بماند صاف نموده شربت بادرنجبویه
شربت اسطوخودوس و افلاطون بنوشند از جهت نسخه که یکبار زنی
جمیع اعضا از حس و حرکت باز مانده بود از سیر روغن و سهپاره و جوشانده
منتفع گردید اسطوخودوس مرزنجوش برگ فرنجمشک انجیر زرد مویز منقی
پوست بیخ کبر ابریسم نا کوفته بادیان بادرنجبویه گلقند درعرق بادیان ...
بادرنجبویه بجوشانند نصف بماند صاف نموده شربت بادرنجبویه و افلاطون
با جدوار دوا المسک ... ورق نقره سرشته بنوشند ایضاً لذلک خاکشی
در آب جوشانیده چهار ماه بماند بر جای رباب مستلقی شده سهپاره تمام بدن
بکشند ایضاً لذلک مجرب و مفید آب برگ ارند جوگیاه آب برگ شبت آب
برگ ... آب برگ ... آب برگ ... آب برگ بابونه
آب برگ عنبربید آب مرزنجوش روغن بید انجیر روغن بابونه

روغن سرشف بجوشانند تا که آب برود و روغن بماند بعد ازان بیرون بطی معروف
جوز بویه قرنفل کندر خردل فلفل سیاه فرفیون با دیگ سعد مخلوط
ساخته نگاه دارند وقت حاجت قدری ازان مالش نمایند و از هوای
سرد احتراز نمایند و گاوزبان زنجبیل کبابه کابلی نرکچور کشول مساوی
کوفته بیخته خشک یا در روغن داخل کرده میشد ۱۲ منضج و مسهل جهت
مجنون بعد فصد صافین بادرنجبویه گاوزبان برگ فرنجمشک تخم خطمی
تخم خبازی عناب خوبانی سپستان مویز منقی اصل السوس گل سرخ
اسطوخودوس گل گاوزبان گل بنفشه گل نیلوفر خیارشنبر شکر پیاز خارخسک گلقند
در عرق عناب ۶ عرق گاوزبان عرق نیلوفر بجوشانند نصف باقی ماند صاف نموده ترنجبین
خوردنی حل کرده نوشند ۱۲ روز مسهل سنا مکی افسنتین برگ سنا مکی تمرهندی مغز فلوس
تنها مغز بادام شیرین اضافه کرده شود و تبرید لعاب بهدانه ریشه خطمی
شربت بنفشه تخفیف شده ۱۲ نطول جهت مجنون که بتجربه رسیده و نفع
بسیار بخشیده در آمده گاوزبان بادرنجبویه تخم خطمی تخم خبازی گل خطمی گل بنفشه
گل نیلوفر جو مقشر برگ بید جو مقشر برگ کدو برگ خطمی پوست خیار
در هیچ آب بجوشانند تا آب بماند ... نطول نمایند ۱۲ جلد

جهت کم کردن وجع و بول فستقی که بسبب یبس باشد عارض گردیده و البول الفستقی

یدل علی موت الحرارة الغریزیة از یک نسخه صحیحه کهنه حاصل گردید تریاق فاروق بقدر نخود

سعد با کلقند افتابی سرشته بخورند عقب آن عرق بادیان عرق بادرنجبویه

عرق عنب الثعلب شیر گرم بنوشند ۱۲ جهت صداع بسبب نوازل بارده

اسطوخودوس بادرنجبویه عناب در یک پیاو آب بجوشانند نصف بماند

صاف نموده عسل سفید داخل کرده باضافه اطریفل صغیر با ایارج فیقرا

سرشته بخورند بنوشند بعد قدری زحیر عارض شده آنوقت تخم کنوچه

بروغن بادام چرب ساخته بخورند عقب آن ریشه خطمی تخم کتان

در عرق عنب الثعلب عرق بادرنجبویه بجوشانند نصف بماند صاف نموده

بنوشند جهت نزله بند و صداع شقیقه و کثرت نوازل انزروت

مرمکی صبر سقوطری کاهو بزرالبنج صمغ عربی کتیرا اقاقیا زعفران

با آب گوکنار سائیده بر کاغذ مدور بسوزن زده طلا کرده بشیر گرم

بر شقیقتین بچسبانند مجرب و مفید ۱۲ جهت حرارت دماغ خواه از

صعود ابخره باشد یا غیر آن شیر بطورت خواه شیر بز سرکه انگوری

مجرب روغن گل آب معصور کدو شیرین ممزوج نموده بر سر بمالند و پارچه تر کرده

٦٢

بگذارند وگاه سفیدی بیضهٔ مرغ را طلا کرده میشد ۱۲ التهاب ذکر روغن گل
روغن کدو بیضهٔ مرغ ممزوج نموده طلا نمایند و آمله کشنیز خشک با آب سایده
تکیه بسته بر پا فوج دارند و کاهو و خشخاش زیر پا طلا کردن موجب تبرید
و ترطیب میشود ۱۲ جهت صداع بسبب صعود ابخره نمک شور بسمه ما کشی
آمیخته زیر پا مالش نمایند ۱۲ جهت کزاز اسطوخودوس مغز بندق دانه کوفته
مویز منقی زنجبیل بکوفته فلفل گرد قند سیاه در یک جا و آب بجوشانند
نصف باند ماند صاف نموده بنوشند ۱۲ جهت ضعف و نقاهت [illegible]
تقویه و تسخین معجون فلاسفه و دواء المسک معتدل سرشته با عرق بادرنجبویه
عرق بادیان شربت بادرنجبویه بنوشند ۱۲ و عطر دارچینی بر برگ تنبول
کرده خوردن مفید است ۱۲ اسطوخودوس منقی و جاروب دماغ
مبرد است ۱۲ اطریفل جهت طنین و دوی بادرنجبویه اسطوخودوس مویز منقی
سبوس گندم گل بنفشه افتیمون حب بسته افسنتین ارمک اصل السوس
زنجبیل زرد بادیان گاؤزبان شب آب تر کرده صبح بجوشانند نصف بماند
صاف نموده با عسل سفید قند سفید بقوام آورده بعده پوست هلیله زرد پوست بلیله کابلی
پوست بلیله پوست هلیله سیاه آمله کشنیز خشک صعتر فارسی برگ کرده است.

عوض ...
طنین و دوی
آمله منقی

طباشیر گل سرخ گرفته بنجمه بروغن گل یا روغن کدو حب ساخته داخل کرده
مرتب ساخته هر روز بقدر ده حب ۷ ۹ هر بیخ خورده باشند ۱۲ برای
تحلیل ریاح معده و تقویت معده نیز مفید و منتفع شده ۱۲ جهت
بیضه و خرده بعد تنقیه عام این خاص داده شد عناب سپستان گل بنفشه
گل نیلوفر گاوزبان گل گاوزبان الو بخارا تمر هندی اصل السوس مویز منقی شاهتره
عنب الثعلب پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه گلقند افتیمون
ورق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق نیلوفر تر کرده صبح بجوشانند نصف
باز ماند صاف نمود ترنجبین مغز فلوس خلط کرده باز صاف نموده چهار گهری شب
باقی ماند حب ایارج با آب گرم فرو برند صبح بدرقه چهار گهری روز بر آمده
نبو [illegible] ۱۲ داد و مسهل داده شد فایده بخشید ۱۲ برای شقیقه مسمی المعمول قلیل گیاه
نصف عدد برابر آن سیاه کچو گیاه گرفته سعوط بر عکس نماید ۱۲ ایضا از نک
قدر جرب برابر آن نمک طعام سائیده سعوط نماید ۱۲ ایضا برای شقیقه مجرب
بارها و فی الفور منتفع شده آب ادرک قدری آب برگ [illegible] ممزوج نموده
سعوط نماید ۱۲ موافق قرابادین شفائی حب ایارج جهت تنقیه دماغ ایارج فیقرا
تربد سفید مجوف خراطین شحم حنظل افتیمون حب النیل نمک هندی پوست بلیله کابلی
۲ درم ۱ درم ۱ دانگ ۱ درم نیم درم نیم درم ۱ درم ۲ درم

بجهت زخم خوره

کوفته بیخته با آب بادیان سرشته حبوب بقدر دو دانه مونگ تیار ساختند

قدری شربت ۵ ... بوقت شب بخورند ۱۱ التصور معالج نسخه مسالن برلیا

کرار بار حبن از کعب اختلاج و تشنجها هست و بسبب آن عرق چهره و رطوبات

بینی و دماغ و اختلاج شفتین و چشم عارض گردید اول طبیبان تدبیر

کردند و مسهل هم دادند و نسخه حب کجله هم خورانیده هیچ منفع نگردید

اول دواء المسک معتدل مع نقل سعد ورق نقره سرشته بخورند عقب آن

درونج عقربی بکرتنه اسطوخودوس هیل سرو شربت بادرنجبویه در عرق بادیان

عرق بادرنجبویه یکجوش نصف باید ... شربت بادرنجبویه شربت اسطوخودوس

شیره بادام شیره ... داخل کرده بنوشند بعده در روز این نسخه نضج داده شد بادرنجبویه

برگ فرنجمشک ... مرزنجوش اسطوخودوس گلقند آفتابی جوشانیده

باضافه دواء المسک معتدل خمیره گاوزبان بنوشند [illegible] بادرنجبویه

برگ فرنجمشک ... درونج عقربی بکرتنه مرزنجوش ... یک سیب

اصل السوس جوشانیده شربت بادرنجبویه باضافه ... با مصطگی رومی طباشیر

دانه هیل ... بنوشند بعده طباشیر از نسخه مذکور موقوف کرده شد

شام ... با مصطگی رومی بادیان ... سرشته با عرق بادیان عرق بادرنجبویه

و حریره از سبوس گندم و شیره بادام شیره خشخاش شیره مغز جلغوزه شیره مغز بندق دانه

قند سفید صبح شیره آمله مقشر مصطگی رومی دانه هیل طباشیر سعد سرشته بخورند

عقب آن عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه شربت انار شیرین بید مشک گاوزبان

بنوشند بعده آمله مربا مضاف شده الحال بادرنجبویه برگ فرنجمشک درونج عقربی

عود خام بکوفته نبات در عرق بادیان عرق بادرنجبویه شربت بزوره باضافه معجون

بیضه آتش گردان گل نسترن و گل گاوزبان و شربت سیب داخل کرده شده

بود و نیز داده شد دشنام نسخه نیز آمله باضافه آمله مربا بعده برشش دینار المسک

سرشته بخورند عقب آن بادرنجبویه برگ فرنجمشک اسطوخودوس گل گاوزبان

مویز منقی و عرق بادیان عرق بادرنجبویه بجوشانند نصف باند صاف نموده

شربت بادرنجبویه شربت گاوزبان داخل کرده بنوشند از بس کمال تخفیف

شده معلوم شد که دوار بلغمی است لهذا از این نسخه صحت یافتند بعد استعمال

ایارج فیقرا با عسل خالص سرشته شب وقت خواب با بکرم فرو برند صبح بادرنجبویه

برگ فرنجمشک مویز منقی انجیر زرد گل گاوزبان جوشانیده ترنجبین حل کرده صاف

نموده بنوشند نسخه مذکور داده شده ایضا لقوه که بزن پنجاه ساله عارض گردیده بود

تا روز هفتم بر ماء العسل اکتفا کرده شد بعد انیسون زیره کباده نانخواه

تخم کرفس گلقند عسل درعرق بادیان عرق بادرنجبویه جوشانیده شربت بادرنجبویه
و افلکرده [illegible] داده شد بعد اسطوخودوس گل گاوزبان برگ فرنجمشک
دارچینی عود [illegible] تخم بادرنجبویه زرد [illegible] داده شد اضافه نموده شد
و بیخ [illegible] شیلی ورد [illegible] داشته شد بسیار منتفع شده و
بسبب خفقانیت بقدر تحمل مزاج ادویه مناسبه اضافه کرده شد و
برای ورم کردن و وجع آن زنجبیل و کشول سعد مالیده شده بعد تنقیه
از حب ایارج بالکل صحت یافت و از برگ سنبالو و [illegible] و اسطوخودوس
و تخم کرفس و بابونه و اکلیل الملک و دیگر ادویه مناسبه بهپاره گرم کرده شده
از ان وجع کردن زائل گردید نقوع ۱۲ جهت دوار معجون ابن الشیخ آمد [illegible]
کوفته شیره آمله گل گاوزبان کشنیز خشک [illegible] کوفته ورق نقره [illegible]
بخورند عقب آن عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان گلاب شربت سیب و اصل ممتنع
نمو گشته ۱۲ ایضا درد کردن و برودت جمیع بدن که بشخصی عارض گردیده معالج اول
بسبب یرقان هفت مسهل داده تبرید اکثره استعمال کنانیده و ازان سبب
وجع در تمام بدن و مفاصل عارض گردید روز اول اصل القطن تکوفته
بوزیدان مصری خولنجان سورنجان تربد اسطوخودوس بادرنجبویه مویز منقی

برگ ... قنطوریون وقیشن نکوفته الجبره در عرق بادیان عرق بادرنجبویه

جوشانیده شربت بادرنجبویه شربت اسطوخودوس با اضافه فلاسفه بدهند

این ... نکوفته زیاده کرده باشند بعده سنبل ... مقل ازرق قرطم نکوفته

اضافه کرده بدهند ۱۲ تکمید برای موخر راس بابونه اکلیل الملک سبوس گندم

بار جبل کهنه در بوتلی بسته تکمید نمایند ۱۲ در بجا بندنک ورق گل ... بابونه

جوز بویه بسباسه افیون زعفران سوده بکرم برسر بالبنند و در استعمال ...

فقرا منتفع شده ۱۲ در امراض امعا وغیره ۱۲ وجع مفاصل ونقرس وعرق النسا

و وجع الورک و بواسیر وغیره ۱۲ جهت بواسیر خونی زرشک بیدانه

در عرق ... عرق گاوزبان ترکرده مالیده صاف نموده شربت انار شیرین

داخل کرده سفوف مقلیا تا بنوشند سفوف جهت دفع قبض بادیان زنجبیل

هلیله سیاه نمک سیاه کوفته بیخته سفوف ساخته نگاه دارند هر روز وقت

صبح یک قدر ... با آب تازه بخورند ۱۲ ضماد جهت وجع مفاصل خاکشی

در شیر ماده گاو جوشانیده ضماد بکنند بعده با بابونه اکلیل الملک خاکشی

تخم کتان تخم حلبه در هشت ... آب جوشانیده ضماد بکنند ۱۲ الجبار

بندنک بادیان خاکشی پوست بیخ انجیر در عرق بادیان بجوشانند نصف بماند

صندل سفید شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند ۱۱ جهت ریاح بواسیر اول

گلقند آفتابی مقل ازرق سفید سرشته بخورند عقب آن عرق بادیان عرق

عنب الثعلب شربت بزوری معتدل داخل کرده بنوشند روز دوم با طبیخ بادیان

بیخ بادیان بیخ [illegible] مویز منقی انجیر زرد بسفایج فستق [illegible] قرطم [illegible]

داده شد منتفع شد ۱۱ جهت ریاح حاره باسوریه سوداویه شیره کاهو

شیره [illegible] تخم خشخاش شیرین بادیان لعاب بهدانه لعاب کتان شیره خارخسک

در عرق بادیان عرق عنب الثعلب برآورده شربت بنفشه داخل کرده بنوشند جهت زحیر

بهدانه ربنه خطمی در عرق عنب الثعلب لعاب برآورده تخم کنوچه اسبغول پاشیده

روغن بادام شیرین داخل کرده بنوشند ۱۱ جهت زحیر که خون خارج شود و برای بواسیر

خونی نیز مفید است قند بریان خبازی بریان در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان لعاب

برآورده شربت انار شیرین داخل کرده تخم ریحان بریان بروغن گل چرب

ساخته پاشیده بنوشند ۱۱ جهت زحیر که بعد خسره عارض شده طبیبان حب [illegible]

دیگر قابضات دادند دستها بند شدند و ضعف و نقاهت و تشنگی

رفع نشد آنوقت اول [illegible] ورق نقره ورق طلا شربت انار شیرین سرشته

بخورند عقب آن سماق بریان طباشیر بریان در عرق عنب الثعلب نقره تاب

تخم ریحان بریان [illegible]

طلا ناب شیره برآورده رب به شیر بز و افلکرده بنوشند و زیر چیو دستها

تخفیف شده بود مروارید مسحوق اضافه کرده شد بعد روز دوم مروارید

زیر بهره مسحوق شربت انار شیرین بورق نقره ورق طلا سرشته با تازه

فرو برند غذا یخنی بولاد با رب به بفضر شلغم و در صد چهار روز عوارض

لاحقه بالکل زایل گردیده و ضعف نیز رفع شد ۱۲ منضج ماءالجبن

ماءالجبن گل بنفشه گل نیلوفر مویز منقی تخم خطمی تخم خبازی عناب سپستان

گل گاوزبان سفایج فستیق افتیمون در صره بسته شب در ماءالجبن خیسانده

صبح مالیده صاف نموده گلقند آفتابی داخل کرده بنوشند مسهل عناب

سپستان مویز منقی بسبایه کلان تمر هندی سفایج فستیق افتیمون در صره بسته

گل بنفشه گل گاوزبان برگ گاوزبان تخم خطمی تخم خبازی گل نیلوفر شب

در ماءالجبن خیسانیده صبح مالیده صاف نموده مغز فلوس ترنجبین گلقند آفتابی

داخل نموده باز صاف نموده شیر گرم نبوشند ۱۲ مربای آمله با گلاب شسته

برشتک صلابه نموده مصطکی رومی طباشیر دانه الایچی سفید سوده ممزوج نموده

اول خورد بالائش لعاب ریشه خطمی در ماءالجبن گرفته شربت گاوزبان

حل کرده تخم ریحان بالنگو بنوشند ۱۲ نسخه سوزاک ریوند خالص تبوتیا یان

در بعد روز سه بار تا سه روز این عمل نموده باشند اول وقت صباح دوم وقت ظهر بعد خوردن طعام سیوم وقت شام یعنی غروب آفتاب و وقت شام از آب گرم هر دو دست بشویند و تمام روز آب از دست نگیرند و درمیان روز طعام و آب بکر بخوش بخورانند فقط ان شاء الله در عرصه سه روز تمام زخم سوخته خواهد شد غذا گوشت بز مرغ و چپاتی گندم و شوربا گوشت بغیر داخل کباب و شیرنج تجربه نمودیم فقط مجرب است

عرق برگ نیب شب در آب بوزن بلنبم ماو اسبغول بر روانشه دوای مذکور

خوب ساییده زندا خته بجکاری بمبر هرگاه آمدن ریم اندکی کم شده لعاب

زبانی سنگ در سوراخ ره زنداخته بجکاری دوای مذکور بکنند ۱۲ انسخه سوزاک

گوکهرو کلان گوکهرو خورد بیخ بند موصلی سیاه موصلی سنبهل مصطکی رومی

شاخ گوزن سوخته تو دری ریگ صمغ عربی شکر سفید بجند وزن اجزا اسم اجزارا

کوفته رامنجته سفوف سازند شربت ۵ ماشه با شیر ماده گاو ۱۲ نسخه دافع

آتشک بلا اشک زعفران عقرقرحا اصل السوس اجوایین خراسانی اجوایین ولیتی

سیماب بلادر با برگ قند سیاه همه خوب کوفته با قند سیاه ممزوج

ساخته خوب بکوبند بعده با برگ بوزن دو فلوس امیخته تا چهار بکوبند

تا اینکه خوب شفاف شود چنانکه چهره بنظر آید مثل آینه شود بعدی گولیها

حبها بندد صبح و شام یک حب در ملائی آلوده بحلق فرو برد از بسیار مال

پرهیز دو درس روز صحت میشود در هفت روز صحت کامل حاصل می آید

مجرب است ۱۲ حبیث دفع حرارت معده و قلب معه تقویت نوشادر ساده

بورق نقره بجیلی بخورند عقب آن عرق کیوره عنبر الشعب رب

شربت نزرنک واصلکرده نوشند ۱۲ در دفع اعظم تبدیل قصب و اکل و قرحه

سا عبه دهان گلو و اعضا در قطع خون جراحت و درو باید ان گوشت و قروح
و انصباب مواد از مواد کهنه سفید آب قلعی توتیای کرمانی انیسه کندر
هر یک یکجز مو سوخته گلنار شاخ گاو دراز نا اسند استخوان برگ عناب گل ارمنی
هر یک دو جز کنجد سوخته استعمال نمایند و هرگاه در عنبر گلو و دهان استعمال نمایند
صبر زرد یکجز مردار سنگ با تش مگر رسنج کرده دو دیگر انداخته مغسول
نموده دو جز اضافه نمایند و هرگاه خواهند فتیله ساخته در سوراخ استعمال نمایند ۱۲
ذرقه که بر جراحت قصب بهم زده بر سازد و مخصوص صیدیه ها باید که خون چکید
کنند بگذارند که تا خون تمام رود بعد از آن این دارو بیفشارند و به بندند
کات هندی مردار سنگ هلیله بلیله آمله مرصافی مورد صبر مساوی
گرفته باریک سحق بر جراحت بیفشارند باید که بر خرقه کهنه فرو کنند
در جراحت و در محل فتیله سجند بعد از سه روز که جراحت رسیده باشد و از
هیچ دارو دیگر حاجت نباشد فقط ۱۲ ادهاء اللحم از اختراع حکیم علوی خان
مرهم نافع برای امراض بارده و مغز قلب و جمیع اعضا رئیسه و گرده ۱۲ است
و خفقان و غشی بارده و ضعف باه که از برودت بود بغایت نافع است
گوشت بره بلکه چهار ماهه یا گوشت بزغاله از استخوان و چربی جدا کرده با نمند

مرغ فربه سه قطعه دراج چهار قطعه سنگخوار هفت قطعه گنجشک نر خانگی سی

و پنج قطعه کبوتر بچه بپرواز آمده هفت قطعه سه روزه از استخوان و چربی جدا کرده

وزن نموده در پتیل نقره کباب بسم خانه نموده پس چهار سیلابی سلیخه گیاه

عود هندی عود صلیب اسطوخودوس قرنفل مصطکی رومی نانخواه خولنجان

زرنباد سنبل الطیب جوز بوا بسباسه دارچینی هیل ساذج هندی از هر یک

یک مثقال اجزا را نیم کوفته داخل کرده بقدر احتیاج آب بر رو کرده عرق

کشند و وقت کشیدن عرق عنبر اشهب مشک خالص از هر یک سه ماشه بر دهان

پنجه به اندازند ۱۲ ادهان نوره آهک نشسته زرنیخ روغن یکصد درم همه را

باهم نموده سه روز در آفتاب گذارند و سه شب در مهتاب و شیشه بر هم زنند

و بعد از آن هر ماهی تا به نهند تا روغن از آن جدا گردد بعد نوره این روغن

بمالند تا موی را ببرد از حکیم علی جان مرحوم منقول از بیاض حکیم [illegible] مرحوم مغفور

نسخه مجرب شیخ محی الدین مرحوم که نهایت نفع است در باه بتجربه رسیده

زرنیخ زرد مصطکی [illegible] حب السلاطین در یک پارچه بسته در شیر بز جوش دهند

بعده حب الغراب بعض کچله در شیر بز تر کرده و ظرف تراشیده کنجد مغلی جوا ریه

تا دوازده پاس کهرل بشیر بز کرده بقدر نخود حب بسته در سایه خشک

برای تقویت باه و دفع ضعف

جهت قوت باه

جند بیدستر [illegible] دارچینی [illegible] قرنفل زعفران

[illegible] خولنجان [illegible] مغز [illegible]

کرده بعد از آن در شیشه آتشی که بگل حکمت گرفته باشند انداخته سینکها
تا کردنش بپوست ساخته و رکانسه مقطر سازد چنانچه کره هیچ او بند بکلا از
ملکی را سوراخ کرده باشند سرنگون نهاده گردنش از آن سوراخ بیرون [illegible]
کنند بالایش ریگ مقدار بلندی چهار انگشت پر سازد و از پاچک و شیشه
آتش دهد حتی که پاچک و شیشه همرنگ خاکستر شود اول روغن سفید خواهد
آید و بعد سبز و بعد سرخ لیکن سبز از هر دو افزون است قدری از آن
گرفته بر سطح برگ تنبول چسبانیده اندکی گرم شود شب ملازاده را
ملفوف سازند ۱۲ نسخه قرص بهی مجرب پوست بیخ کنیر سفید میبایه نیلیه و ارصبر
عاقرقرحا فرفیون جند بیدستر تخم کتان مویز سفید تخم دهتوره برکوب
حب زقلیس یکبار از هر واحد دو درم گرفته کوفته بیخته در شراب کهل شود قرص
سازند و بقدر یکدانه در شراب فرو آنکه یا عرق ادرک سائیده طلا نمایند و بالای آن
برگ تنبول بپیچید هیچ تنش اندر مهلت داده شود چه کار کشوند فایده کنیز
مستر شب خواهد شد مجرب **حب التذاذ** سیماب یکحصه شهید دو حصه یکجا کرده
در آوند آهنی آنقدر رحل کنند که بگذارت شود پس بر پارچه نهاده در قضیب
بپیچند چون نفوذ شود تمام حاصل پارچه دور کرده نزدیکی کنند ۱۲ **نسخه قلعی**

والله اعلم

جوال هکی که انرا کیاکو نیدرسانیده دو تکی بندد و در میان ان پیتر

قلعی نهاده در دوا پله و سنه خانه سازکلال نهاده از یکطرف آتش دهد

بعد سرد شدن خاک سفید قلعی باحتیاط تمام بگیرد که بدیگر خاک ممزوج نشود

مجرب است ادویه فرنگ بارها به تجربه رسیده قرنفل ملفل سیاه سیکور

اول سیکور در کشوره مسی انداخته بر آتش نهد که اندک دود بر آید از آتش

براورده هر سه دوا جدا جدا باریک سوده مخلوط ساخته در ملائی شیر ماده گاو

هفت عدد گولی بندد یک گولی برای حق تعالی عقب بخورند از و

باقی روز یک صبح و شام تا سه روز بخورد و از دندان وقت خوردن با دوا

تعلق نباشد و اگر با دوا تعلق خواهد شد دندان خواهد افتاد غذا شیر ماده گاو

تمام و برنج بی نمک تا سه روز بخورد و اگر آبله در دهن افتد بعد تنقیه

از برگ چنبیلی یا چهال بجنان در آب جوشانیده غرغره نماید نسخه طلا

جهت بچی که از کار رفته باشد و اکثر اشخاص مفید آمده و بارها به تجربه آمده

چربی خوک موم سفید حب السلاطین اول چربی و موم را در ظرف آهنی

جوش دهد بعد از آن از آتش فرود آورده مغز حب السلاطین باریک کوفته در انداخته

و موم جا به از پارچه باریک خوش کشیده همانش سازند بعد گرده بر قضیب بندد

تا یکهفته بعد از آن چهل روز از قرب عورت پرهیز نماید بفضل تعالی قادر
خواهد شد مجربست هرگز خطا نخواهد ساخت دوای آتشک مجرب
قرنفل الایچی عاقرقرحا سپید سیاه کشته نقره که بهندی روپ رس گویند
یازده ماشه این همه ادویه در کرّاهی آهنی از چوب درخت نیب که درونش
از ظرف کم ساید ادویه منظور باشد یکفلوس وضع کرده باشند
در عرق لیموی کاغذی چهل عدد خوب بسایند تا که تمام عرق در ادویه جذب
شود بعده مقدار کنار دشتی حبوب بندد و هر روز علی الصباح یک حب
در ملائی شیر گاو پیچیده بخورد و تا مدت استعمال ادویه نان نخود با روغن
زرد وقت صبح خورده باشند و بوقت شب هر چیزی که مرغوب خاطر
باشد سوای دال مونگ بخورد بفضل تعالی در عرصه قلیل شفای کلی خواهد
یافت و اگر کشته نقره بهم نرسد خرمهره زرد شش عدد سوخته خاکستر
آن عوض نقره داخل نماید مجرب آزموده است فقط نسخه طلا عجیب الاثر
مجرب منقول از میرزا حیدر علی ورق طلا و کهنی اگر بهم رسد و الا عوض
آن طلا در چندان داخل نماید شنگرف مغز حب السلاطین
این همه ادویه را در عرق بودینه و عرق کاسنی و عرق بادیان

درعرق پیاز و عرق تلخی سیاه و عرق کهر کهوار هریک پاو آثار خوب
کهرل کنند تا شش روز بعده حبوب بسته در گرما خشک کنند بعد ازان
در شیشه انداخته روغن بکشد و آتش رنگ میشس که بوزن پانزده آثار
باشد و بعد ازان حشفه و درخت انداخته مقدار یک نخود طلا نماید
و بالایش برگ تنبول به بندد ان شاء الله تعالی در عرصه سه روز فایده
خواهد بخشید مجرب است فقط ۱۱ حب ممسک زعفران قرنفل جاوتری
افیون خالص مشک سفوف ساخته در شهد حبوب بقدر نخود بسته
نگاهدارد بعد فراغ از طعام یک گولی بخورد و بعد دو گهری مشغول کار شود
ازشان غسلام جبلانید برای عینی سانده نر یکعدد مرچه کلان که بر درخت بیل
میباشند یکصد عدد روغن زیتون و اگر روغن مذکور میسر نباید عوض
آن روغن کنجد داخل نماید قرنفل جز نجبیل دار چینی تخم جوز ماثل
خراطین خشک زعفران بسباسه زهر مهره تیلیه مغز کنجد خائی نر
جوز بویه عاقرقرحا قسط تلخ مصطگی رومی ادویه را جوکوب نموده
در روغن مذکور تر کرده صباح سانده را قیمه نموده با ادویه بیامیزند
و در شیشه آتشی انداخته روغن بکشد نگاهدارند تا ثبت و یکروز بوقت

خواب سه چهار سینک از بیخ او هم گرفته بر قضیب طلا سازد و سوار دوخت

و خشفه و برگ تنبول بالا لیس هند و وقت صبح از شب میش

یا بر قضیب مالش داده و گرم اندک اندک از دور بر عضو مخصوص

بریزد بعونه تعالی شفا یابد **مرد ابجکار از شاه صاحب موصوف** زهر سنکهیا

مالکنکنی کجله جمال گوته کهوپی عقید خراطین جوز مائل قسط تلخ تخم شلغم

مغز کنجشک مغز سر ماهی ادبهو تخم بادنگان ببر بهوٹے بید مولک

شحم خواصل کند بعشق پیچان هیر شیر اهیر هم ادویه کوفته و بیخته مالش

داده در شیشه آتشی روغن بکشد بعد طلا نماید و در میانی یکروز

تا غم ممنوع باشد تا شش بجز و رز استعمال نماید بعد از شب میش

نشو نما **نسخه روغن برای سستی رگ قضیب معظم الهم** مردار سنگ

هرتال طبقی سنبل الفار سیماب شبره برگ کناهر دو دام بجفته روغن زرد

دو دام بجفته هر سه ادویه را چهار گهڑی خشک کهرل بشد بعده عرق و روغن

مذکور را اندک اندک ریزد بجفته دو گهڑی خوب کهرل سازد بهمین

طور تمام روغن اندازد بعد وقت شب مقدار یک سرخ ازان گرفته

بر قضیب بمالد با حتیاط تمام تا حشفه دوخت محفوظ ماند و بالای آن

برگ تنبول ببرد و صبح بکشاید همچنان بکرد و درمیان خالیده طلا
نماید تا هفت روز و اگر ورم و بثور پیدا شود بداند که این دوا خوب علاج
حفظ صحت است روغن زرد اندکی گرم نموده بر بثور طلا نماید ورم دفع خواهد شد ۱۲
نسخه که نقوط تمام آرد مرارة البقر اصل النرجس عاقرقرحا حب البان
مویزج یسحق الادویه بلیغاً یعجن بالمرارة و یطلی علیه ۱۲ علاج آتشک
شنگرف تولهٔ اصفهانی قند سفید مازو هر چهار را سائیده با هم آمیخته
چهار پوڑی بندد و یک پوڑی در چلم داشته آتش انگشت کنار صحرائی دار نشسته
در حقه گلی نهد و دود آن بکشد در چهار پهر هر چهار پوڑی بهمین طریق
بکشد و در مکان محفوظ باشد آن روز و شب هیچ طعام نخورد و فردای آن ماهی
روهو شوربه در شبل پخته با نان خمیر خوب سرشته بخورد بعد از آن
سلفهٔ تنباکو خشک خوب بکشد دراسهال بکند و دفع همه
ماده دفع خواهد شد و اگر ورم دهان بر پیدا آید از برگ جنبیلی و غیره
مضمضه نماید ۱۲ مسمن قضیب عاقرقرحا نرم سائیده با سه مثقال و نیم
لزوجت پیاز عدس خام مخلوط کرده بر قضیب ضماد نماید ۱۲
بقراط گفته اگر سنگ افتد در محل غسل با آب سرد آمیزند و پنج مثقال

وقت خواب بزن بدهند اگر مغص و پیچش در ناف افتد حامل باشد

دالافلا ادویه که بالخاصیه یاری میدهند بر قبول حمل بشاره علاج

برادهٔ دندان فیل مقدار یکمثقال خوردن نفع دارد ۲ دیگر بول فیل

فیل یا پشم زهار نوشیدن عجیب الاثر است ۲ دیگر بزر الانجدان

که بزر سیسالیوس گویند خوردن مجرب است ۲ دیگر خاد زهر حیوانی

با دوغ خوردن معین بر حمل بسیار است فقط ۲ ضماد دارچینی لباب چینی

چوب چینی ابو نبد چینی جائفل جاوتری عاقرقرحا قرنفل اسپند سوخته

بسته چند در درون بول حمار تا یکپاس کهرل نماید بعد اجزا ادویه را بار بار

سائیده بپارچه بیز کرده بجا میزند اندک اندک در درون بول امیخته

با نهند و نیم تا یکپاس کهرل نمایند تا خوب یکذات شود وقت

شب بر قضیب ضماد نمایند و بالای برگ تنبول بپیچند تا هفت روز

و از آب احتراز تمام دارد فقد ۲ تدبیر خارش و جوشش که اندرون

فرج یا بیرون بر آید لعاب خطمی گل سرشوی طلا کردن و در دوغ و از

شیره عنب الثعلب و آب هندوانه و آب کاسنی و هر چه ازینها بهم رسد

گل سرشوی حل کرده در وی نشستن و در درون و بیرون فرج بسیار

الاطول

الاتیدن فایده دارد ۱۱ جهت دفع حکه و خارش رحم برگ بودینه پوست
انار عدس مقشر کوفته آنرا با سرکه بپزند و بجوشانند و بصوف بردارند ۱۱
برای دفع بثور رحم اول فصد باسلیق بکنند ترکیب طلای عجیب کافور
سفیداب قرنفل فلفل سیاه باریک سابیده با آب سرشته حبها سازند و
عند الحاجت سابیده طلا نمایند ۱۱ برای قطع درد بینی اصل السوس گلنار
تخم فرنجمشک تخم سداب گل سرخ تخم کاهو کوفته بیخته سفوف سازند
فقط برای دفع سوزاک جواسه ریوند چینی شوره قلمی مغز تخم خیار مغز تخم خرفه
صمغ کاکنج مغز تخم خربزه طباشیر ادویه باریک کوفته بآب امنجیت سفوف
سازند شربت ... با آب تازه جهت دفع خشکی دماغ شیره مغز تخم کدو شیرین
شیره تخم کاهو بیدانه تخم خشخاش کشنیز تر برگ کاهو شیره برآورده
شربت بنفشه شربت نیلوفر داخل کرده بنوشند ۱۱ برای خارش خشک
پاره توتیا کتیرا سفید مرداسنگ سیاه سنگ جراحت گل سرخ سفیداب چوب کیا مساوی
الوزن در کهرل اندازند آنقدر سحق کنند که پاره معلوم نشود بعد ازان
در پوتری کاغذ نگاه دارند وقت حاجت قدری در روغن گاو اندازند
خوب لت کنند و بر بدن بمالند و دو گهری در آفتاب نشیند اگر برای

آید عسل نماید ۱۲ اجهه داد پوست بیخ بالک تکوهی پوست بیخ کسونزی گیند
نوشادر توتیا پوست هلیله زنگی ادویه یکجا کهرل نموده در عرق لیمون
جبها بندد وقت حاجت استعمال در عرق لیمو سائیده جابجا کرده داده باشد
بالله مجرب است الکاسه قوبا سیماب گیند گیندهک انولسار سهاگه شیلیه ریان
برگ حنا همه یکجا در عرق لیمون کاغذی کهرل نموده جبها بسته در سایه خشک
کرده نگاهدارد وقت حاجت بآب سرد سائیده ضماد نماید الکابری قوبا
برگ حنا سهاگه چوکیا فلفل سیاه باریک نموده سفوف ساخته نگاهدارد وقت
حاجت اول روغن سرشف بر جابجا کرده داده باشد طلا نموده دوای مذکور خشک
زرد رنمایند ۱۲ نوسیکر هرتال نوشادر سائیده در جربه گاو مخلوط
ساخته تجربه سازند بسته و جابجا بمیرند و جای تجبیر تولد آنجا منع شده
ترکیب دفع کلف کنجاره سرشف نوشادر در جوک سرشف تنکار ادویه
باریک بسایند و بر روغن سرشف چرب نمایند و بزرد آب معصفر سائیده
بر کلف طلا نماید پس از چند ساعت دست از روغن سرشف
آلوده دارد و مطلی را آهسته آهسته دور کند بلکه سبحان الله
آرد اثر کلف نماند ۱۲ مبیض اللون آرد جو آرد نخود آرد باقلا نشاسته

بگیرند تخم ترب کوفته بنجته بشیر تر سازند و شب بر روی مالند و صباح
با نیم گرم و سبوس گندم بشویند دیگر دافع کلف ترمس تخم ترب بالیمون
قسط تلخ مغز بادام تلخ بوره ارمنی فلفل سیاه مقل ازرق با آب برگ ترب
طلا نماید فقط ترکیب سنون بنفر بهتر از ترکیب بنجر به در آمده مازو سبز توتیا اکبر
براده آهن بکچی سون ملکی مصطکی بوره سنگ [illegible] زرنب دار الاکی [illegible]
براده آهن و توتیا کوفته با هم در عرق لیمون کاغذی شب بصبا [illegible]
هر یکبار زند بعد خشک شود مثل همه اجزا باریک سائیده پارچه بیز کرده
با هم آمیخته سنون سازند ۱۱ نسخه خضاب مازو سبز بلیله سیاه سنگ راسخ
نوشادر اول مازو را در روغن کلی بریان کنند تا اکثر ترقیده گردد بعد بلیله سیاه
را در آب تر کنند تا سه روز بعد از آن بیر کرده هر سه جز را جدا جدا سفوف
ساخته و سفوف مازو و سنگ راسخ را پارچه بیز نموده اول نوشادر را
در آب بلیله حل کنند بعد هر دو سفوف بیارند و خوب حل کنند و حبوب
بسته نگاهدارند وقت حاجت در آب سائیده بکار برند ۱۲ نوع دیگر
ضماد بواسیر مقل ازرق در روغن کتان حل کنند یا در روغن گاو بنجره حل را در
روغن بمالند تا مستوی گردد و بر بواسیر به بندد ۱۷ از قرابادین قادری

برای روشنی چشم مجرب و معمول است گل کنجد غنچه چنبلی تا شگفته ...
دانه های ببیل که از اندرون او بر می آید مرچ سیاه اول مرچ سیاه ... دانه های
ببیل را در کتوره برنجی از دسته برنجی باریک نماید بعد از ان گل کنجد و غنچه چنبلی
انداخته یک پاس لب نمایند بعد از ان شیاف ساخته در آفتاب خشک نمایند
بوقت خواب در آب شیشه سائیده در هر دو چشم بکشند ترکیب خضاب
مازو بریان توتیا نمک لاهوری سائیده با آب ... حل کرده خضاب نماید
از برگ بسته دارند تا چهار گهری بعده از آب بشویند جهت تقویت معده
که در وی بلغم و ریح متولد میشود و باشد رنجها باشد نفع تمام دارد
هلیله سیاه پوست هلیله زرد زنجبیل سنبل الطیب مصطگی زوفا
نمک هندی کوفته بیخته با آب کنند تا حبها سازند شربت ...
ترکیب غازه سپید اللون تخم خربوزه آرد باقلا آرد جو نشاسته تخم تربت
کف دریا سوخته نشسته سفیدی بیضه مرغ او دو بار یک کرده با سفیدی
بیضه سرشته شب طلا نماید و صبح باب گرم و صابون بشویند ترکیب
روغن گل که گهی باشند طلا از و با سرکه و نخله او با سرکه و گلاب رافع صداع
و رادع بخارات دماغی است دوای قوبا سهاگه چهر گیا انگر از در زرد ...

بگذارند بجا رود و بانقیدر آب برآتش بپخته در روغن تلخ بیامیزند و

قوبا را خراشیده مالش نمایند ۱۲ دوای بحس برگ سوختن سنب در آب

بگذارند علی الصباح خائیده بشوئید ۱۲ دوای خارپشت مغز تخم تاکبیر

کوفته در آب حل کرده مالش نمایند ۱۲ دیگر برنج موندی کوفته با آب مالش نمایند

بالای آن روغن بمالند ۱۲ دیگر سر دارد یک اگر در سال یکبار بخورد تا تمام

عمر از شهوت بیقرار گردد ۱۲ دیگر مغز فلوس جهت تنقیه صفرا دهند در سوء

مزاج حار کلیه غذا ساک با لک دال عدس مقشر نیکوست و ترکاری موز بود

جلاب آب انار بشیر یا شیر خشت و شربت بنفشه دهند چیزهای سرد و مرطب

که ذی ادرار نباشند بنوشند و در تبرید کلیه نافع است در باب ذیابیطس

ماء الشعیر و شربت انار ترش و شربت غوره و لیمون حماض و قرص

کافور و قرص ذیابیطس و قرص طباشیر خوردن و شیره خیارین و لعاب اسپغول

و مانند آن نوشیدن و صندل و گلنار و اقاقیا و گل ارمنی و سبز

با آب کاهو بر قطن و گرده ضماد کردن و از اغذیه حصرمیه و رمانیه

و مانند آن هرچه بارد و قابض بود اکتفا کردن نفع تمام دارد صنعت

قرص ذیابیطس طباشیر ۵ درم گل سرخ ۵ درم تخم خرفه ۱۵ درم تخم کاهو ۱۵ درم گشنیز خشک ۳ درم

تخم حماض گل ارمنی صندل سفید گلنار سماق صمغ عربی کافور کوفته

بیخته بآب خرفه یا گلاب اقراص نموده نگاه دارند نسخه با منفعت جهت چشم که پلک

فرو ریخته باشد پیله بهول اگر تازه بهم رسد فهو المراد والا خشک را بقدر

نیم پاو کوفته ماهیک نمایند و در آب دریا حل نمایند که مثل حریری گردد آنرا

در پارچه صاف نمایند و دیگر آب نیز انداخته بفشار ثقل دور نمایند و آن

آب صاف کرده را در ظرف آهنی انداخته اگر بقدر نیم پاو باشد شش ماشه

کتیره با برنیه سائیده بیامیزند و بپزند تا بغلظت رسد و از چوب

حرکت داده باشند آنرا بر برگ کیله قطره قطره مثل روشنائی بچکانند و

در آفتاب خشک سازند و نگاه دارند بعد از آن بوقت حاجت یک حب

بقدر شش ماشه در کتوره بر یخی انداخته چند سوخته را از کم چند را سوخته

مینماید بقدر یک تولر نیز داخل کرده از دست بر یخی بسایند که سیاهی بهم رسانند و

نگاه دارند بطریق سرمه از میل در چشم کشند و متواتر بعمل آرند پلک ریخته

باز بر دوید و آب رفتن دفع شود و اگر پیله بهول تازه بهم رسد بهمین طور

عمل نمایند جهت دیابیطس جاری مجرب است حب الآس تخم حماض مغز صمغ عربی

نشاسته کوفته بیخته بلعاب اسبغول اقراص سازند شربت ۱ ماشه فقط

نسخه قرص دیابیطس طباشیر بنلکون رب السوس بحم خرفه تخم کاهو کشنیز خشک

تخم خماخم گل ارمنی صندل سفید گلنار سماق صمغ عربی کافور کوفته

بیخته با آب انار ترش یا خرفه یا کاهو اقراص سازند ۱ درم ترکیب برک

ساحص اقاقیا برگ نورد رسته ببول که بهندی انرا کونبل گویند بر آورده

کوفته عرق او بیفشارند در سایه خشک ساخته بکار برند ۱ درم شربت

نانخواه برودت معده دور کند و قراقر شکم ببرد دلمه [illegible] یاقوت ... ۱۱

نانخواه یکجز قند سیاه هفت جز آب آنقدر که مطلوب باشد در ظرف

نهاده یک هفته در خانه گرم بگذارند بعده جوش داده صاف نمایند و بقوام آرند

شربت سگه دوم ۱۰ از قادری دیگر گاوزبان اصل السوس ریوند کشکی

بسبستان و برگ انار آب جوش داده و قند به [illegible] انار آب را فی قوام [illegible]

کند [illegible] نبات ناکوفته انداخته بجوش تا هفته [illegible] نمایند

دارو [illegible] بهر عرض و ترشی بر بهنی کنند ۱۲ [illegible] دیگر آرد ماش مسبوه چوب

مرصا سفید [illegible] اجزا را در شیر ماده گاو موافق احتیاج اندازند حلوا [illegible]

بپزند بعد [illegible] کا اندازند خشک نمایند و قند [illegible] خشک شود

[illegible] برابر [illegible] سفید [illegible] اندازند نگاهدارند [illegible]

بکشد از سرخ سفوف بخورد و در بالای آن با دام از شیر ماده گاو بنوشند و یک
چله عمل نمایند و از صحبت پرهیز نماید ۱۲ نسخه روغن تخم کنوار مقشر
کهو بنگ سفید ماالکنکنی تخم دهتوره ... همه یعنی در شیر میش تر نمایند و بعد
شیر جذب شود در شیشه بطریق معمول روغن بکشند اول شیر خرابه آمد ما ... از
بعد روغن را با احتیاط بگیرد و در عرصه دو روز مزاج خواهد گرفت بعد از آن
یک سینک بر برگ تنبول چسپانیده بخورد و نیز بر قضیب طلا نماید یک
هفته پرهیز از جماع نماید مجرب است فقط ۱۲ نسخه ... برادن ...
فیل ... عقرقرحا ... جیکوفند ... با قدری آرد گندم ممزوج
... روغن گاو و در آن ... لته ... موافق برداشت
گرم گرم بر قضیب ... سر حشفه گذاشته سینک نماید بعد یک لمحه بجماع
مشغول شوند و آن لته ... برداشت ... وقت حاجت ... طور
سابق سینک نموده مشغول شده و ... دو ماه کفایت
میکند مجرب باه را زیاده میکند نسخه عجیب الاثر بادنجان بزرگ که از
مار و کوبند در گلحکمت گرفته در زیر آتش یعنی بهوبهل گذارند تا خوب پخته
شود و نه سوزد و بعد از آتش برآورده پوست و گل آن دور سازد

و شیره آن بگیرد و میان احتیاج شیره مذکور چند دانه فلفل در از سه شبانروز
تر نمایند پس از آن برآورده در سایه خشک نموده حل کنند موافق احتیاج قدری
شهد خالص ممزوج نموده بر قصب طلا نمایند بعد خشک شدن بکار مشغول
شوند و بارها تجربه رسیده مجرب است ۱۲ دوای قوبا پوست بلیله آمله شب
در آب بخیسانند صباح مردارسنگ ملک گشته پوست بیخ بابک چوبی تا هی
سه بلیله آمله با آب مذکور سائیده گولیها بسته وقت استعمال اول
با کفچه خراش نموده گولی سائیده بمالد بفصل تا در دو سه روز دفع خواهد کرد
جهت کلف خرمهره زرد بگیرد و زردی انرا از سوهان بگیرد و در عرق لیمون
کاغذی سحق کرده بر کلف طلا نماید و بعد چهار گهری با آب بشوید و بشوید نوع دیگر
گل معصفر سفیده کاشغری بادام چرونجی با آب گل نمایند تا خوب
باریک شود پس نگاهدارند صبح یا شب بمالند و بعد دو گهری بشویند دافع
کلف و هم مبیض اللون ۱۳ دوای ماندگی چشم خرمهره زرد قدری آتش زکال
بسوزند و بگلاب بسایند تا دوازده پاس که مثل سرمه گردد نگاهدارند
و از میل در چشم کشند ۱۴ جهت فالج کهنکچی سفید دال کرده در آب تر کنند
صباح مقشر کرده مثل پهی بسایند و گلیه بسته در روغن کنجد تلخ بریان کنند

هرگاه مایل به پیری کی شود به سوختن گردد برادر ده تبل را نگاه دارند و مالش

مینموده باشند و از هوا احتراز نمایند ۱۲ ایضاً عجیب الاثر است بیخ کوکنار

مرچ سیاه با آب سایند هر بار بنوشند با کلهقند ۱۲ نسخه کمونی مختص زیره سیاه

فلفل سیاه زنجبیل بوره ارمنی کوفته بیخته بعسل سه چند ادویه بسرشند ۱۲

مقوی معده اصل السوس سنبل الطیب مصطکی رومی طباشیر گل سرخ کوفته

بیخته تصحیح وزن نموده با گلقند آفتابی بسرشند ۱۲ زخم بر اندمال نپذیرد

و نیز دیک باشد که ناسور رفته برای دفع آن مجرب است آهک کیسه چراغ

گرفته بطور مرهم بر زخم بندند خشک شود بکند فوراً کافی است نوع دیگر

پاچکند شسته بسوزند و خاکستر او را در ظرف برنجی با روغن اندک اندک

ریخته بسیار بمالند تا چهار گهری یا زیاده تا مثل سرمه گردد بعد از روغن

مذکور صلکرده بست یکمرتبه از آب بشویند تا مثل مرهم شود نگاه دارند

و بر زخم طلا نمایند ۱۲ طریق مدبر کردن نبگ این است که نبگ قسم اول

بگیرند و پاک کرده بر روغن گاو چرب نمایند پس شیره دوب سبز

و شیره اجواین هریک قدری باهم ضم کرده در نبگ اندازند و بدست

بمالند و بر سفال نو بر آتش نرم نمایند پس فرود آورده سرد نمایند

و باز شیرهای مذکور را منجمد بریان کنند همچنان هفت مرتبه بریان
نمود بکار باید آورد دوا فایده در ساختن مهمیز که معمول اطباء هندوستان است
برای تلیین و نضج اورام نهایت سود مند است برنج چهار دام بکوبند
چنانکه برای فیرینی میسازند و در یک آثار حرارت بپزند تا همچو
کهیر شود و اگر بجای برنج آرد جوار بپزند همان عمل کند از مجربات اکبری
طریق کشیدن ست لبان یعنی عصاره که میسوزند بگیرند لبان نیم کوب
کنند و بستانند و دیگ گلی و لبان در روی مطبخ کنند و این چنان باید کرد
که قطعات لبان با یکدیگر پیوسته باشند و ته بالا نبود پس دهن
زیر را بسرپوش گلی بپوشند و به آرد با گل مضبوط سازند و دهن دیگ بسرپوش
گلی بباید پوشید که هیچ نمی برآید نهان کاسنی باید پوشید که بعمل آمده
در برو یکدیگر نهند و زیر روی چراغ بسوزانند و این چراغ چنان باشد
که یکپاو تیل دران گنجد و فتیله وی چنان باید کرد که یکپاو تیل در تمام
شب بسوزد و باقی نماند و این چراغ زیر دیگچه چنان دارند که
در فتیله و دیگچه مقدار دو نیم انگشت معلوم فصل باشد تمام شب
نهاده دارند و صباح سرپوش بکشایند تمام عصاره متصاعد بر اطراف

دیگچه و سرپوش نموده چسپید اگر نند و بردارند برای لیب و کثرت

عرق اینها دو بیرا لحیات است موازنه یکماشه با پان بخورند در موسم سرما

و اگر مزاج سرد باشد در دست و پا نیز بمالند و گرم مزاج را خوردن نشاید

مالیدنش کافیست ۱۲ طریق دیگر لبان را بطریق معهود در دیگ گذارند

و بر سر دیگ تهان کاسنی نهد و گرد در گرد دیگچه با آرد ماش در گیرند و زیر

وی آتش نرم کنند تا کلباس انجر موه مانند زیر بیاید بچسپید بگیرند

سستی قضیب بمالیدن و خوردن دور شود و باه آرد ۱۲ فایده رنجور ساختن

روغن بلاس پاتره که برای عنین بکار آید بلاس پاتره را یک شب در آب

تر داشتند پوست از وی دور سازند و موزا خشک سازند و در دیگ

گلی مس نموده که لیب داده خشک کرده بطریق تیل جنتر در حفره مربع

مقدار نیم گز با آتش پاچلد نشیند که تمام حفره مملو شود روغن کشند

لیکن زیر سبوی زیرین در حفره خورد پیاله پر آب باید گذاشت ۱۲

قرص مهب پوست بیخ کنیر سفید میده تیله دارچینی عاقرقرحا افیون

چند بید ستر تخم کتان مغز حب سفید تخم دهتوره سیاه بیر بهوٹی

خراطین کبار هر یک دو دام کوفته بیخته در شراب دوآتشه کهرل نموده

افرا لازم

قرص سازند و بقدر یکماشه در شراب یا رس ادرک سائیده طلا نمایند
و بالایش برگ تنبول پیچیده تیغ کشش دو نوبت داده مشغول شوند
فواید کثیر بتربیت خواهد شد **نسخه معجون نایف جناب حکیم علی
برای خفقان که بشرکت طحال باشد فرمودند** بهمن سفید بهمن سرخ
گل گاوزبان گل سرخ زهرمهره خطائی صندل سفید تودری کلکون
گل نسترن تخم کاسنی تخم خیارین مغز تخم کدو تربهن تخم مجید تخم خرفه
کشنیز خشک طباشیر تلکون لسان مرجان سرخ آمله منقی قند سفید
شربت انار شیرین شربت سیب عنبر اشهب گاوزبان مغز تخم بزور
۱۰ برابر
ابریشم مقرض کوفته بیخته بطریق معمول معجون تیار سازند **دستور العمل
آن انک** باید که بعد ملاحظه قاروره و نبض اگر شوفیر دم معلوم شود فصد
باسلیق یا اکحل یا صافین نمایند بعده منضج حب سنج بدهند
ضعف آن بادیان کشنیز خشک پوست بیخ بیدانجیر پوست بلیله زرد
زنجبیل بهم کوفته خیساینده در شب و آب بجوشانند تبلیا و کاند
صاف نموده بنوشند سه روز یا پنج روز یا هفت روز بعده مسهل حب سنجه

بکسرند بدین طریق که سه عدد حب سرخ گرفته و دو دو پاره کرده در گلقند
نهاده وقت پنج شش گهری شب باقی مانده از آب گرم فرو برند و بخواب
روند علی الصباح یک جام آب گرم بنوشند بعد چهار گهری یک جام آب
گرم دیگر و بعد چهار گهری یک جام شربت شکر سرخ بوزن پنج فلوس
نیمگرم بنوشند و بهر آب یخنی و اگر کسی از گوشت احتراز کند
بجای یخنی مونگ مسلم و برنگ انار آب بجوشانند بقلاوه آب باز جامع
بنوشند و وقت تشنگی عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب صبح تبریز
یا دیان کاسنی و در آب سائیده نیم برآورده شکر سرخ یا سفید
آمیخته بنوشند و بهمین طور مسهل بگیرند و حبوب بحسب حاجت
تا پنج شش هفت بدهند و توقف فیما بین مسهلات یکروز
یا زیاده موافق حال مریض و روز مسهل اگر اسهال بافراط شود
قدری دوغ بخورند و از آب سرد دست و پا بشویند بتحقیق
~~بغایت مفید است صنعته پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی~~
~~پوست بلیله آمله منقی کشنیز خشک و همه اینها آمله تلخ کلوی انیسون~~
~~۵ توله ۵ توله ۵ توله ۵ توله ۵ توله ۵ توله ۵ توله~~
~~هر ایک ۵ توله~~ صنعته حب سرخ مغز جمال گوته یکدرم در

تم کار

در شیر گاو شش مرتبه بجوش دهند هر مرتبه قدری شیر در دیگچه انداخته جوشش
دهند تا نصف بماند شیر را دور کرده قدری شیر دیگر اندازند و در احتیاط
کنند که مغز جمال گوته سوخته نشود بار هفتم شیر را مثل کهویه کرده
پس جمال گوته را برآورده خشخاش سفید بیرون انداز دور ساخته بکوبند
و قدری دهنیت ازو برآرند محض خشک نکنند بعده شنگرف
بمدرم چوک که بمدرم ساییده ممزوج نمایند پس کهرل کامل
نمایند و مقدار نخود حب بندند بعد فراغت از هر سه مسهل حب سیرخ
یک مسهل مغز فلوس جهت حرارت غریبه که از حبوب پیدا میشود
بگیرند صفت آن گل بنفشه گل گاوزبان گل نیلوفر شاهتره
چرایته گاوزبان بادرنجبویه سوس عناب آلوی سبستان
بسفایج فستقی بکوبند تخم کاسنی بادیان خشک مغز تمر هندی در عرق
عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق کاسنی عرق شاهتره عرق مکو
جمیع ادویه را بجوشانند نصف بماند خشخاش مغز فلوس
ترنجبین شیرخشت حل کرده خشخاش مغز بادام و حل کرده بنوشند
جمیع تبرید صفت بعد از آن خطمی اسبغول در عرق گاوزبان

عرق گاؤزبان عرق عنب الثعلب لعاب برآورده شربت انار شیرین شربت نیلوفر داخل کرده بنوشند تا چهار روز یا کم و بیشتر بر رای طبیب است

و بعد تنقیه بقوت منضج مسهل پوست بلیله زرد پوست بلیله کابلی پوست بلیله آمله منقی کشنیز خشک ... شاهتره گلوی سبز ... چرایته دیودار دار هلد مجیٹھ ... بیخ ... نی زرد چوب ... صندل سرخ تخم کاسنی برگ حنا ... یا پری ... سیرم ... دو ... چوب ... مقرر ... آزده آثار آب دو شبانه روز تر کرده با نصف عرق کشند

و از هفت تولہ تا ده تولہ با شربت انار شیرین یا شهد خالص خوراک شربت نیلوفر و دیگر شربت مناسب حال استعمال کنند و اگر یبس در بدن باقی ماند استعمال دهانات مرطبه مثل روغن گل و روغن بنفشه و روغن کدو و روغن جنبیلی تا ... فقط بعد تنقیه جهت تقویت معده ... استعمال کنند و اگر ماده آتشک منجر بوجع مفاصل شود معالجه وجع مفاصل با رعایت ماده آتشک نمایند

نمایند یک تولۀ اول و مسهل حب سرخ یا حب سپید به نهند بعده علاج خاص
وجع مفاصل حسب ماده از حب سورنجان یا طبیخ سورنجان که
در و مغز فلوس و تربد و غیره حل کرده شروع نمایند **صنعت**
حب سفید مغز جمال گوته یکدام در شیر گاو بشش مرتبه مدبر کنند تا بار هفتم
مثل کهویه کنند بعده صاف نموده برده و روغنی ازرا دور ساخته با چهار
دام زنجبیل آمیخته به پاس کهرل نمایند و بمقدار کنار رسته حبها
بندند و اگر ماده آتشک بدین تدابیر هم استیصال نیابد پس
آخر دوا بر استعمال چوب چینی منحصر است فقط **معجون چوب چینی نسخه**
[illegible] نافع ریح باد فرنگ و جمیع امراض که ازوی و درد جمیع مفاصل
و کمی [illegible] و ضعف باه و فالج و لقوه و دیگر بیماریهای بلغمی نفع [illegible] است
[illegible] چوب چینی قسم اول [illegible] بیرگ [illegible]
۲۰ توله ۳ توله
صندل سفید بادیان [illegible] شهد خالص نبات سفید گلاب قسم اول
۳۰ توله ۱۲ توله ۱۳ توله تار تار
همه ادویه را هریک علیحده کوفته بیخته وزن نموده باهم آمیزند و چوب
کهرل نمایند و بعد ازان عسل و نبات در گلاب بقوام آورده از
آتش فرود آرند و ادویه مسحوقه را بیامیزند و در ظرف چینی نگاه دارند
از ترشی و بادی پرهیز نمایند فقط غذا [illegible] و زیربان و مرغ و

نان گندم آبی همراه شوربا زیر بر در عمر کمتر یک سال باشند باید که
بنهایت تکلف در مصالح بپزند و روغن بسیار زیاد فعیز است
چهار روز صبح و شام بخورند وقت صبح چهار تولچه و وقت
شب هنگام خواب دو تولچه استعمال نمایند و هفت روز دیگر غذا
بد شور خوردن دواهای مذکور از جماع و حرکات سخت و غسل آب
سرد لازم و واجب دانند و معجون مذکور همراه عرق بادیان تناول
کنند یا بعرق گاوزبان ان شاء الله تعالی به نسبت [illegible] دیگر در بار الکل
شفا حاصل شود فقط این معجون نافع است برای قروح خبیثه و امراض
بلغمیه علی الخصوص [illegible] و اوجاع الظهر و مفاصل و [illegible] که از مرض
[illegible] شده باشند [illegible] باب فاصل تر از چوب چینی است
و سریع النفع اذراقی فلفل سیاه فلفل سفید دارچینی جوزبوا
بسباسه مصطکی رومی عود [illegible] زنجبیل قرنفل عود قمار
آمله [illegible] سنبل الطیب الایچی سفید [illegible] زعفران بادیان
صندل سفید فلفل دراز اول هفت [illegible] روز آذراقی [illegible] در آب تر دارند
در هر روز آب بگذارند [illegible] بکشند و آب شبینه دور کنند بعده روز هشتم
آذراقی را مقشر نموده هفت روز در خمیر آرد گندم دارند بعده برآورده

برآورده از آب گرم نشسته بعده از آب سرد بعده در پارچه باریک بسته
در دیگچی آویزند و در شیخ چند شب نگاه بجوشانند چون تمام شب بسوزد بعده
برآورده از آب گرم بعده از آب سرد آورده شسته نگاه دارند
بعده زنان ره شهر یعنی بوره سوهان داده و پالده کوفته بیخته در سه چند
شهد خالص بکف آورده مقوم سازند و نگاه دارند و فقط شربت از نصف
مثقال تا سه و نیم مثقال بایند ربورت طبیعت بکار برند مگر بیر بیز
ترشی مناسب غذا فیلد لطیفه فنان گندم جهت تنک و رحم زن تنک
که از کسی و داره تنگ دو ضیق النفس و غیره نافع و مجرب و از مصر مستعمل

صنعت شربت دیگر

برگ گل سرخ دو نیم رطل در دوازده رطل آب بجوشانند
چون دو رطل آب بسوزد و بپالایند و گل تازه دو رطل دروی بجوشانند
که یکنیم رطل بسوزد و بپالایند و گل تازه یک رطل و نیم در آن جوشش
دهند که یکنیم رطل بسوزد و بپالایند و گل تازه یک رطل آمیخته
طبخ دهند که یکنیم رطل دیگر بسوزد و بپالایند و نیم رطل گل تازه
مطبوخ نمایند که یکنیم رطل دیگر بسوزد و چار رطل آب بماند
پس قند سفید شش رطل انداخته بقوام آرند شربتی
چار اوقیه تا سی درم باب سرد و برف واگر سکنجبین

در دو درم ممزوج کنند وقت تشرب در تقطیع صفرا و بلغم نافعتر
آید و خاصه شربت در روایت که هر چون بعد او آب سرد ننوشند
خوبتر عمل کنند تا در معده باشد و اگر طبع کسی حاجی باشند قدری
سقمونیا مشوی نیز مرکب گردانند و مبرود را عسل بجای
قند باید داد فقط